



EUROPEAN UNION

واحد تحقیق
و ارزیابی
افغانستان



تحقیق برای افغانستان بهتر



زون غذایی هلمند:

توهم موفقیت

دیوید منسفیلد
جدا ۱۳۹۸

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

مقاله تلفیقی

زون غذایی هلمند:

توهم موفقیت

دیوید منسفیلد

جدي ۱۳۹۸

شماره استاندارد بین المللی کتاب (ISBN) ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۴۱-۴۴-۰

تصویر روی جلد: دیوید منسفیلد

مترجم: عزیزالله اسفندیاری

کد نشریه: د ۱۹۰۸

© ۱۳۹۸ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

این نشریه میتواند فقط برای اهداف غیر تجارتي و در صورت یادآوری نویسنده و منبع نقل قول، استناد و یا تکثیر گردد. نظریات ذکر شده در این نشریه مربوط به نویسنده میشود و انعکاس دهنده نظریات AREU نمیباشد. تمام حقوق ناشر محفوظ است. هرگاه این نشریه چاپ مجدد، ذخیره و یا بصورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی www.areu.org.af (AREU) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هر گونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه قبلی بصورت تحریری از شرکت ناشر، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با ارسال ایمیل به areu@areu.org.af یا با تماس گرفتن با ۱۵ ۳۴ ۲۲۱ ۲۰ (۰) +۹۳ اخذ گردد.

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی مستقر در کابل می باشد که در سال ۲۰۰۲ با همکاری جامعه بین المللی در افغانستان تاسیس گردید. هدف این نهاد تحقیقاتی انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت عالی، مبنی بر شواهد، مرتبط با پالیسی و انتشار نتایج حاصله آنها و همچنان ترویج فرهنگ پژوهش و مطالعه می باشد. طبق گزارش پوهنتون پنسیلوانیا، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان منحصی یک نهاد پژوهشی دارای جایگاه عالی در افغانستان بوده و در بین نهاد های پژوهشی درآسیای میانه در رده پنجم قرار دارد. این نهاد با پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققان و محصلان به منظور تحقق اهداف خویش ارتباط برقرار می نماید تا استفاده از نشرات مبنی بر شواهد و کتابخانه این واحد ترویج یافته، ظرفیت تحقیقی آنها تقویت شود و فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و تحلیل ها ایجاد گردد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط هیأت مدیره اداره می شود که متشکل از نمایندگان ادارات تمویل کننده، سفارتخانه ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های چندجانبه، جامعه مدنی و کارشناسان مستقل می باشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان برنده جایزه بهترین نهاد تحقیقاتی بین المللی سال ۲۰۱۸ مجله پراسپیکت بریتانیا (Prospect Magazine) گردیده است.



تمویل کننده اساسی:

نهاد انکشافی بین المللی سویدن Swedish International Development Cooperation Agency (SIDA)

تمویل کنندگان برنامه ها:

پروژه های مشخص واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۱۹ توسط نهاد های بین المللی ذیل تمویل گردیده است:

European Union (EU), Global Challenges Research Fund (GCRF), Norwegian Institute of International Affairs (NUPI), Central Asia Regional Economic Cooperation Institute (CAREC), The Foundation to Promote Open Society (FPOS), The French Medical Institute for mother and children (FMIC), The Royal United Services Institute (RUSI), Institute for Integrated Transitions (IFIT), UN Women and Save the Children.

همچنان این اداره عضویت شبکه های جهانی ذیل را دارا میباشد:

the RESOLVE Network, Global Challenge Research Fund (GCRF), The School of Oriental and African Studies (SOAS), Secure Livelihoods Research Consortium (SLRC), A Conflict Sensitive Unpacking of The EU Comprehensive Approach to Conflict and Crisis Mechanism (EUNPACK), ADB- Asian Think Tanks Network (ATTN) and The Regional Environmental Centre for Central Asia (CAREC).

در باره نویسنده

دیوید منسفیلد محقق ارشد در پوهنتون علوم اقتصادی لندن است. او درباره معیشت روستایی و کشت کوکنار در افغانستان در بیست و سه فصل متواتر تحقیق کرده است. او در مطالعات انکشافی از پوهنتون مطالعات شرق و افریقا در لندن دوکتورا دارد و نویسنده "دولتی که بر ریگ بنا شده است: تریاک چگونه افغانستان را خراب کرد" میباشد. دیوید از سال ۲۰۰۵ با واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان همکاری مینماید.

سپاسگزاری

از شرکت Alcis Ltd به خاطر تحلیل تصاویر با کیفیت بالا و سنجش از دور (high-resolution remote-sensing imagery) و از سازمان توسعه و تحقیقات پایدار به خاطر تلاش های مداوم ساحوی شان سپاسگزاری می کنم. همچنان، از ریچارد بریتان، پاول فیشترین و مایک عثمان و دو مرورگر ناشناس نیز به خاطر شریک ساختن دیدگاه های شان بر نسخه پیش نویس این گزارش تشکر می کنم.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان مسرت دارد مقاله تلفیقی تحت عنوان "زون غذایی هلمند: توهم موفقیت" را که توسط داکتر دیوید منسفیلد نوشته شده است، در اختیار خوانندگان خویش قرار میدهد. این اداره از اتحادیه اروپا به خاطر حمایت های متداوم مالی شان در پروژه سه جانبه اتحادیه اروپا در مورد مدیریت منابع طبیعی، سپاسگزاری مینماید.

مقاله کنونی چگونگی شکل گیری زون غذایی هلمند، خاستگاه و طراحان آن و نیز کنشگران مختلف که در تطبیق و چالش های بعدی اجرای آن دخیل بودند، را مستند سازی میکند. با استفاده از کارهای عمیق ساحوی و تصاویری که قبل، در جریان و بعد از تکمیل زون غذایی هلمند جمع آوری شده است، این تحقیق تفاوت میان روایت موفقیت که بر گفتمان آن وقت در باب هلمند مسلط بود و آنچه را که واقعا در ساحه رخ داد، هم در درون محدوده تحت پوشش برنامه و هم خارج آن، بررسی می کند.

بخش اصلی تحقیق را مصاحبه با خانوارها تشکیل می دهد که در شماری از سایت های تحقیقاتی مشخص در مرکز هلمند و ولسوالی های لشکرگاه، مارجه، نادعلی، نهر سراج و ناوه بارکزی انجام شده است. کار ساحوی هر شش ماه و برای هفت سال متوالی اجرا شد و از ماه می ۲۰۱۱ تا دسامبر ۲۰۱۳، این کار ۲۸ تا ۳۰ سایت تحقیقاتی مشخص را تحت پوشش قرار داد، به شمول هشت منطقه صحرایی در شمال کانال بغرا. در مجموع، در یک دوره ۱۱ ساله در همه یا برخی از محلات ۲۸ گانه تحقیق، ۴۱۲۲ مصاحبه خانگی با دهقان ها انجام شد.

تازه ترین کار ساحوی که بخش مهم این گزارش را تشکیل می دهد، متشکل از ۳۰۰ مصاحبه است که در ماه می ۲۰۱۷ در ۱۲ محل تحقیقاتی در محدوده زون غذایی هلمند و هشت محل تحقیقاتی در شمال کانال بغرا انجام شده است. دور نهایی کار ساحوی در بهار ۲۰۱۸ انجام شد که متشکل از ۳۱۰ مصاحبه در عین محلات تحقیق است و ۵۲ مصاحبه دیگر با زنانی که در مناطق قبلا صحرایی ساکن اند نیز به عنوان مکمل کارهای قبلی اجرا گردیده است.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان از نهاد سازمان توسعه و تحقیقات پایدار به خاطر تلاش های مداوم ساحوی شان، افرادی که نسخه پیش نویس این مقاله را مرور نموده و با ارائه نظریات شان به غنای هرچه بیشتر این مقاله کمک نمودند، و از داکتر دیوید منسفیلد برای تعهد مستمر وی در انجام تحقیقات منظم در این زمینه و ارائه اینچنین مقالات، سپاسگزاری می نماید.

امیدوارم مقاله تلفیقی کنونی به عنوان مرجعی برای پالیسی سازان در تدوین پالیسی ها و برنامه های متمرکز به کشت خشخاش و عواقب آن در افغانستان، مورد استفاده قرار گیرد.

با احترام



داکتر اورخا نعمت

رئیس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

فهرست مطالب

در باره نویسنده	ب
سپاسگزاری	ج
پیشگفتار	د
مخففات	و
چکیده	۱
۱. مقدمه	۳
۲. روش شناسی	۵
۱. ۲ انتخاب محلات تحقیق	۶
۲. ۲ کار ساحوی	۱۰
۳. ۲ تلفیق تصاویر	۱۱
۴. ۲ مصاحبه با پالیسی سازان و مجریان	۱۱
۳. زون غذایی هلمند: خاستگاه و مبانی آن	۱۲
۴. زون غذایی هلمند: طرح و مؤسسين آن	۱۴
۵. زون غذایی هلمند: اجزاء، تطبیق و بازیگران	۱۶
۱. ۵ تنها حرف؟ کمپاین اطلاع رسانی	۱۶
۲. ۵ هرچه کشت کنی، همان را درو می کنی؟ توزیع مواد زراعتی	۱۹
۳. ۵ مانند دزدی در شب؟ محو کشت کوکنار	۲۲
۶. زون غذایی هلمند: نتایج	۲۹
۱. ۶ داخل زون غذایی هلمند	۳۴
۲. ۶ خارج از زون غذایی هلمند	۴۶
۷. نتیجه گیری: تجلیل از گمراهی؟	۶۰
۱. ۷ سطح برنامه	۶۱
۲. ۷ سطح ملی	۶۳
۸. ضمایم	۶۴
منابع و مآخذ	۸۱

مخففات

واحد چند اداره‌ای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان	ADIDU
نیروی محو کوکنار افغانستان	AEF
نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان	ANDSF
پولیس ملی افغانستان	ANP
ابتکار ثبات افغانستان	ASI
واسطه نقلیه همه جا رو	ATV
کوپن افغانستان برای زراعت مولدتر	AVIPA
برنامه پاسخ اضطراری فرماندهان	CERP
مبارزه با مواد مخدر	CN
تیم مبارزه با مواد مخدر	CNAT
اداره توسعه بین المللی بریتانیا	DFID
وزارت دفاع ایالات متحده	DoD
دفتر امور خارجه و کشورهای مشترک المنافع	FCO
دولت جمهوری اسلامی افغانستان	GIRoA
محو کشت کوکنار به رهبری والی	GLE
ابتکار مجریان خوب	GPI
سیستم موقعیت یابی جهانی	GPS
زون غذایی هلمند	HFZ
حکومت اعلیحضرت بریتانیا	HMG
(نهاد مالی بین المللی)	IFI
گزارش استراتیژی کنترل مواد مخدر بین المللی	INCSR
اداره مواد مخدر بین المللی و امور تنفیذ قانون	INL
سازمان بین المللی امداد و توسعه	IRD
نیروی بین المللی کمک به امنیت	ISAF
وزارت زراعت، آبیاری و مالدارى	MAIL
برنامه انتقال سریع زراعتی مارجِه	MATTP
وزارت مبارزه با مواد مخدر	MCN

لوای اعزامی تفنگ‌داران دریایی	MEB
تسهیلات حمایت از سرمایه گذاری قرضه های کوچک در افغانستان	MISFA
وزارت دفاع	MoD
سازمان پیمان اتلانتیک شمالی	NATO
برنامه همبستگی ملی	NSP
نیروی محو کوکنار	PEF
تیم بازسازی ولایتی	PRT
رادیو جعبه ای	RIAB
اصلاح سکتور امنیت	SSR
دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد	UNODC
اداره توسعه بین المللی ایالات متحده	USAID
حکومت ایالات متحده	USG
سازمان جهانی صحت	WHO

بر اساس برآورد دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد (UNODC) کشت کوکنار در ولایت جنوبی هلمند افغانستان در سال نخست برنامه زون غذایی هلمند (HFZ) به صورت چشم‌گیری کاهش یافت و با نزول ۳۷ درصدی از حدود ۱۰۳،۵۹۰ هکتار در سال ۲۰۰۸ به ۶۹،۸۳۳ هکتار در سال ۲۰۰۹ رسید. در سال ۲۰۱۰، حجم کشت کوکنار باز هم کاهش یافت - این بار تنها کاهش اندک داشت و در حدود ۶۵،۰۰۰ هکتار باقی ماند. این دستاورد زمانی به دست آمد که خبر خوش در زمینه مبارزه با مواد مخدر کمتر شنیده می‌شد و فضای پالیسی‌سازی سیاست زده شده بود و سیاستمداران و کمک‌دهنده‌های غربی به صورت فزاینده خواستار پیشرفت ملموس در پروژه دولت‌سازی در افغانستان بودند. در واقع، زون غذایی هلمند به خاطر کاهش کوکنار، بهبود حکومنداری و تاثیر مثبت بر جمعیت محلی، اعتبار کسب کرد.

در رابطه به کنترل مواد مخدر، زیر سوال بردن رقم بزرگ کاهش کشت کوکنار دشوار بود و منطق بسیط این برنامه مورد حمایت گسترده قرار داشت. توضیح موفقیت برنامه زون غذایی هلمند ساده بود: یک والی قدرتمند و تهدید جدی مبنی بر نابودسازی مزارع کوکنار ده‌ها قین را از کشت کوکنار منصرف می‌کرد، به خصوص زمانی که کشت بدیل - گندم - در اختیار آنها گذاشته می‌شد. اما این برنامه بیانگر فهم سنتی و دولت-محور از جهان بود که به پالیسی‌سازان غربی امید می‌داد این طرح در هلمند و سایر بخش‌های افغانستان نتایجی در پی خواهد داشت.

با این حال، عامل اصلی کاهش کشت کوکنار در سال‌های نخست برنامه زون غذایی هلمند تغییر جدی مقدار آرد گندم بود که یک دهقان می‌توانست با درآمد تریاک پس از برداشت و فروش آن بخرد. در سایر بخش‌های افغانستان، مانند مناطق مرکزی و شمال شرق، جایی که مزارع تریاک کمتری وجود دارد، این تغییر به گونه‌ای بود که یک دهقان می‌توانست از طریق کشت گندم در مزارع خویش گندم بیشتری به دست آورد تا کشت کوکنار و استفاده از سود آن برای خریدن آرد گندم. در هلمند، تغییر قیمت نسبی تریاک و گندم سبب شد درآمد خالص ناشی از هر دو تقریباً برابر شود؛ اما بسی مهم‌تر از سود، نگرانی اصلی امنیت غذایی بود، به خصوص در مقطعی که قیمت جهانی گندم در حال افزایش بود و خشونت‌های در حال گسترش در جنوب غرب خریدن گندم از بازار را برای ده‌ها قین و تاجران دشوار کرده بود. واقعیت این بود که ده‌ها قین ترجیح می‌دادند خودشان گندم کشت کنند و نیازمند تشویق اندکی برای کاهش مازاد کشت کوکنار بودند. والی منگل - علی رغم همه خطاهایش - با پشتیبانی منابع نظامی ایالات متحده و بریتانیا این فشار اضافی را ایجاد کرد.

آنچه مایه تداوم این شرایط را مساعد کرد تقویت حضور نظامی بین‌المللی و افغان در هلمند و افزایش چشم‌گیر مصارف توسعه‌ی از سوی حکومت‌های ایالات متحده و بریتانیا برای پیشبرد تلاش‌های آنها در مبارزه با شورش‌گری در این ولایت بود. مصارف توسعه‌ی سالانه بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ به مراتب بیشتر از مبالغی بود که از طریق برنامه زون غذایی هلمند مصرف شده بود - تا ۲۰ برابر - مساله‌ای که ادعاهای مبنی بر انتساب کاهش کشت کوکنار به زون غذایی هلمند را زیر سوال می‌برد. با حضور رو به رشد امنیتی - (وجود یک پایگاه آیساف در هر دو راهی) - نه تنها خطر بیشتری مبنی بر تخریب مزارع کوکنار متوجه دهقان‌ها بود، بلکه امکان قوی‌تری وجود داشت که سرمایه‌گذاری آنها در محصولات ارزشمند، کسب و کار یا حتی سفر به بازار در جستجوی کار روزانه درآمد اقتصادی در پی داشته باشد.

زمان زیادی نگذشته بود که اثرات منفی زون غذایی هلمند آشکار شد. این حس در سال ۲۰۰۹ پدید آمد که کاهش سطح کشت در حوزه زون غذایی هلمند با افزایش کشت کوکنار در بیرون از آن حوزه، خنثی شده است. با رسیدن سال ۲۰۱۳، مقیاس کشت در خارج از زون غذایی هلمند در مناطق صحرایی شمال کانال بغرا و نیز در مسیر سرک‌های شمال شاهراه اصلی به نهر سراج، کاهش در زون غذایی هلمند را بی‌اثر کرد. به علاوه، ممکن نبود توسعه کشت کوکنار در خارج زون غذایی هلمند را به عنوان بخش اجتناب‌ناپذیر 'اثر بالونی' انکار کرد - اثر بالونی بدین معنی است که وقتی عرضه در یک منطقه محدود شود، تا زمانی که تقاضا ثابت باقی بماند، عرضه در سایر مناطق افزایش خواهد یافت. با این وجود، تنها کشت کوکنار نبود که به مناطق صحرایی که قبلاً تولیدات زراعتی کمتر به خود دیده بود، منتقل شد، بلکه افرادی که در زون غذایی هلمند کوکنار کشت می‌کردند (عمدتاً افراد کم‌زمینی که زمین را به طور اجاره یا پرداخت سهمیه به صاحب زمین می‌گرفتند) برای کشت محصول کوکنار به مناطق قبلاً صحرایی کوچ کردند. این دهقان‌ها به دلیل محرومیت از برنامه زون غذایی هلمند که نتوانسته بود چگونگی روابط زمین را درک کند و تنها کمک‌هایی را برای زمین‌داران مد نظر گرفته بود و ممنوعیت تولید تریاک که سبب انصراف از کشت کوکنار به نفع محصولات کم‌کاربر تر (به خصوص، گندم) شده بود، خود را فاقد زمین، آب، قرضه و پناهگاه یافتند. [این دهقان‌ها] به جز انتقال به مناطق قبلاً صحرایی و کشت کوکنار گزینه زیادی نداشتند و وقتی آنجا رسیدند با توجه به ترتیبات نامناسب تر اجاره زمین و با این امید اندک که شاید بتوانند با داشتن 'سال خوب' تکه‌ای از زمین صحرایی بخرند، تشویق شدند کوکنار بیشتری کشت کنند.

در سال ۲۰۱۴، زمانی که نیروهای نظامی بین المللی هلمند را ترک کردند، کوکنار با حجم بیشتری به زون غذایی هلمند بازگشت. اگر سه سال پیاپی درآمد تریاک کاهش نمی یافت، کشت کوکنار می توانست با سرعت بیشتر افزایش یابد. با این حال، وقتی درآمد ناشی از تریاک در سال ۲۰۱۶ بهبود یافت و نیروهای ملی امنیتی دفاعی افغانستان کنترل بخش های بزرگی از مناطق روستایی هلمند را از دست دادند، دهقان های بیشتری به کشت کوکنار برگشتند. این رقم در حدی بود که دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد در سال ۲۰۱۷ کل زمین های زیر کشت کوکنار در هلمند را ۱۴۴،۰۰۰ هکتار تخمین کرد؛ برآوردهای حکومت ایالات متحده از کشت کوکنار در زون غذایی هلمند حاکی از آن بود که میزان کشت کوکنار در این منطقه حتی به بیشتر از زمان شروع برنامه در سال ۲۰۰۹ رسیده است.

ادعاهای فساد، تصور مردم محل از زون غذایی هلمند را تحت تاثیر قرار داد. باور شایع آن بود که تامین مواد زراعتی (و محو کشت کوکنار که تحت این نام اجرا می شد) به نفع والی، نخبگان روستایی و شبکه تحت الحمایه آنها است. بازار سیاه پر جنب و جوش تخم گندم و کود کیمیاوی در لشکرگاه شکل گرفت که در آن موادی که قرار بود به دهاقین داده شود از سوی بزرگان روستاها و مقامات ولایتی فروخته می شد. هرچند مقامات ارشد افغان به خاطر اعمال شان دست گیر و زندانی شدند، این قضایا از سوی مردم محل به عنوان نوک کوه یخی تلقی می شد. اتکای منگل، والی ولایت، به حمایت ادارات تمویل کننده از تامین منابع مالی گرفته تا ترانسپورت و تدارکات - و اصرار وی برای منع تریاک بدون در نظر داشت تاثیر آن بر زندگی و معیشت روستایی - این تصور را میان دهقان ها دامن زد که وی نه به نفع مردم محل بلکه به نفع حامیان خارجی اش کار می کند. در نتیجه، زون غذایی هلمند سبب گسترش حس دشمنی بیشتر با مسوولان ولایتی شد و اهداف دولت سازی را که از سوی ادارات تمویل کننده پیگیری می شد و دلیل پشتیبانی از این طرح بود، تضعیف کرد.

تحقیق کنونی قصد دارد چگونگی شکل گیری زون غذایی هلمند، خاستگاه و طراحان آن و نیز کنشگران مختلف که در تطبیق و چالش های بعدی اجرای آن دخیل بودند، را مستندسازی کند. این تحقیق با استفاده از کارهای عمیق ساحوی و تصاویری که قبل، در جریان و بعد از تکمیل زون غذایی هلمند جمع آوری شده است، تفاوت میان روایت موفقیت که بر گفتمان آن وقت در باب هلمند مسلط بود و آنچه را که واقعا در ساحه رخ داد، هم در درون محدوده تحت پوشش برنامه و هم خارج آن، بررسی می کند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که زون غذایی هلمند نه تنها موفق نبوده است، بلکه به ایجاد شرایطی کمک کرده است که مقادیر بی سابقه زمین را تحت کشت کوکنار قرار داد، اشکال فساد را نهادینه کرد که جمعیت روستایی را از نهادهای دولتی دورتر ساخت و موجب پروسه عمقی شدن زراعت (agricultural intensification) شد که احتمالا منجر به بیجا شدن حد اقل نیم میلیون جمعیت در دهه آینده می شود.

در میان مقامات، اشتیاق نسبت به زون غذایی هلمند وجود داشت. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد در سروی سالانه کوکنار^۲ نقش زون غذایی هلمند در کاهش کشت کوکنار را ستایش کرد. گزارش استراتژی کنترل مواد مخدر بین المللی وزارت خارجه ایالات متحده، گفته بود «گلاب منگل، والی هلمند، نمایانگر یک مثال خوب پیشرفت است که والی یک ولایت می تواند از طریق ترکیبی از آگاهی عامه، کمک های زراعتی و اجرای قوی قانون به دست آورد.»^۳ اداره توسعه بین المللی بریتانیا همصدا با این پیام ویدیویی را در سال ۲۰۱۱ منتشر کرد که دستاوردهای زون غذایی هلمند را ستود.^۴

کاهش کشت کوکنار که در هلمند به دست آمد سبب تمجید والی و تخصیص ۱۰ میلیون دالر دیگر به این ولایت تحت نام «ابتکار مجریان خوب» از سوی اداره مواد مخدر بین المللی و امور تنفیذ قانون وزارت خارجه ایالات متحده شده. موفقیت تصویری زون غذایی هلمند باعث تقاضا برای تکثیر آن در سایر ولایات شد.^۵ در حالی که طرح هایی برای ایجاد هشت زون غذایی دیگر وجود داشت، در نتیجه ی جلب حمایت مستقیم سناتور امریکایی دایان فاینستاین از سوی وزیر مبارزه با مواد مخدر آن زمان، آقای ضرار احمد مقل عثمانی، ۲۵ میلیون دالر امریکایی به درخواست اداره مواد مخدر بین المللی و امور تنفیذ قانون وزارت خارجه ایالات متحده برای تمویل این برنامه به زون غذایی قندهار اختصاص داده شد.^۶

در آن زمان، کسانی در حلقه پالیسی سازی مواد مخدر حضور داشتند که هیچ تردید نداشتند که کاهش چشم گیر کشت کوکنار در زون غذایی به گونه مستقیم به اقدامات مربوط به برنامه زون غذایی قابل انتساب است: تخم گندم و کود کیمیای، همراه با رهبری مؤثر والی وقت، گلاب منگل، و تهدید جدی محو کشت کوکنار. در نتیجه، اصطلاح «زون غذایی» برای افراد دخیل در کنترل مواد مخدر که در جستجوی موفقیتی برای نشان دادن در رسانه ها و گزارش های رسمی بودند، به یک نام تبدیل شد؛ عرضه این موفقیت در دوران تردید فزاینده و فقدان منابع مالی که توسعه بدیل از دونه های عمده انکشافی دوجانبه مانند اداره توسعه بین المللی ایالات متحده، اداره توسعه بین المللی بریتانیا و نهادهای مالی بین المللی مانند بانک جهانی دریافت کرده بودند، به شدت مورد نیاز بود.

با وجود این، در آن هنگام، تردیدهایی نیز وجود داشت که آیا کاهش کشت کوکنار در هلمند نتیجه زون غذایی است یا خیر. برای مثال، سلسله ای از بررسی هایی که توسط حکومت بریتانیا - تمویل کننده اصلی زون غذایی هلمند - انجام شد، نقش این برنامه در کاهش کشت کوکنار را زیر سوال برد در حالی که سهم این برنامه در حکومتداری و ثبات سازی را ستایش کرده بود.^۷ این بررسی ها - که از سوی چندین مقام حکومتی بریتانیا از وزارت های مختلف انجام شد - استدلال کردند که تاثیر زون غذایی هلمند بر کوکنار ناچیز است و عوامل بیرونی، به شمول کاهش جدی قیمت تریاک همراه با افزایش شدید جهانی قیمت گندم، و نیز افزایش چشم گیر شمار سربازان در هلمند و در نتیجه افزایش کمک های توسعه یی، سبب این کاهش قاطع شده است.

این تحقیق با باز اندیشی و به دور از محیط شدیداً سیاسی شده ثبات سازی آن زمان به بررسی نتایج زون غذایی هلمند می پردازد. تحقیق با استفاده از کار ساحوی عمیق که قبل، در جریان و بعد از برنامه زون غذایی هلمند در مناطق روستایی هلمند انجام شده است و ترکیب آن با تصاویر ماهواره ای دارای کیفیت بالا و مصاحبه با برخی از دست اندرکاران اصلی آن وقت در حکومت های بریتانیا، ایالات متحده و افغانستان اجرا می شود. تحقیق حاضر راه اندازی زون غذایی هلمند، تطبیق آن، نتایج و اثرات ماندگار آن را پنج سال بعد از خروج نیروهای نظامی بین المللی از ساحه، بررسی می کند.

۲ دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد، سروی ۲۰۰۹ تریاک، کابل: دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد، دسامبر ۲۰۰۹.

۳ اداره مواد مخدر بین المللی و امور تنفیذ قانون، «گزارش ۲۰۱۰ استراتژی کنترل مواد مخدر بین المللی»، مارچ ۲۰۱۰، وزارت خارجه ایالات متحده، واشنگتن دی سی، <https://www.state.gov/j/inl/rls/nrcrpt/htm.137194/vol1/2010/>.

۴ اداره توسعه بین المللی، «مطالعه موردی: کشت کوکنار به جای تریاک در افغانستان - حمایت های امنیتی و زراعتی بریتانیا برای کمک به دهاقین افغان به هدف دوری جستن از کشت کوکنار و اشتغال به محصولات پایدارتر، چقدر مناسب است»، تاریخ انتشار، ۲۶ می ۲۰۱۱، <https://www.gov.uk/government/case-studies/growing-poppies-instead-of-opium-in-afghanistan>.

۵ اداره مواد مخدر بین المللی و امور تنفیذ قانون، «گزارش ۲۰۱۰ استراتژی کنترل مواد مخدر بین المللی»، مارچ ۲۰۱۰، وزارت خارجه ایالات متحده، واشنگتن دی سی، <https://www.state.gov/j/inl/rls/nrcrpt/htm.137194/vol1/2010/>.

۶ وزارت مبارزه با مواد مخدر، «برنامه زون غذایی، قندهار، فراه، ارزگان و بدخشان»، <http://mcn.gov.af/en/page.5141/5138/>.

۷ بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان، «مبارزه با مواد مخدر: درس هایی از تجربه ایالات متحده در افغانستان»، جون ۲۰۱۸، سیگار: واشنگتن دی سی، ص ۱۲۴. <https://www.sigar.gov/LL.pdf-52-18-mil/pdf/lessonslearned/SIGAR>.

۸ راید، م. و رید سی. (۲۰۰۹، آگست). بررسی پلان مبارزه مواد مخدر هلمند. سند منتشر نشده برای واحد چند اداره ای مواد مخدر افغانستان؛ زبیدی، جی. (۲۰۱۰، مارچ). بررسی پلان ولایتی مبارزه با مواد مخدر هلمند: گزارش دوم. بررسی توظیف شده توسط تیم مبارزه با مواد مخدر، تیم بازسازی ولایتی، هلمند؛ مکفرسون، اس. و هانا سی. (۲۰۱۰). بررسی استراتژی مبارزه با مواد مخدر ولایتی هلمند: گزارش سوم. بررسی منتشر نشده برای تیم مبارزه با مواد مخدر، تیم بازسازی ولایتی، هلمند.

این تحقیق به هفت بخش تقسیم شده است. بخش دوم به بیان روش شناسی اختصاص یافته است. این بخش به طرح این جزئیات می پردازد که چگونه کار ساحوی در مناطق روستایی هلمند با تصاویر ماهواره ای دارای کیفیت بالا ترکیب شده است تا تغییرات در زندگی و معیشت افراد داخل و بیرون زون غذایی هلمند را ترسیم کند. بخش سوم خاستگاه زون غذایی هلمند را بررسی می کند؛ خاستگاهی که بیشتر معطوف به سیاست روابط بریتانیا با حکومت ایالات متحده و نگرانی های رو به رشد در باره رهبری این کشور در زمینه مبارزه با مواد مخدر است، تا اعمال رویه های برتر در بخش کنترل مواد مخدر. بخش چهارم طراحی زون غذایی هلمند را نشان می دهد؛ چرا برنامه این شکل را به خود گرفت و کنشگران اصلی کیست؟ بخش پنجم روی اجزای تشکیل دهنده برنامه و تطبیق آنها - پیام های مبارزه با مواد مخدر، تدارک تخم گندم و کود کیمیاوی و تلاش برای محو کوکنار - و اینکه هر یک این اجزا به مرور چگونه تغییر یافت، تمرکز می کند. بخش ششم نتایج زون غذایی هلمند را در داخل محدوده و خارج از آن تحلیل می کند. تحلیل نتایج با نگاه به اثرات برنامه و بر اساس معیارهای مختلف - نه تنها سطح کشت کوکنار - و با توجه به تغییر اثرات در زمان، مکان، گروه اجتماعی-اقتصادی و تا حدودی جنیست، انجام می شود. در فرجام، بخش هفتم نتیجه گیری و سفارشات را ارائه می کند.

تحقیق حاضر با استفاده از کار ساحوی عمیق و تصاویر ماهواره ای با کیفیت که قبل، در جریان و بعد از تطبیق برنامه زون غذایی هلمند جمع آوری شده است، استوار است (به جدول ۱ نگاه کنید). بخش اصلی تحقیق را مصاحبه با خانوارها تشکیل می دهد که در شماری از سایت های تحقیقاتی مشخص در مرکز هلمند و ولسوالی های لشکرگاه، مارجه، نادعلی، نهر سراج و ناوه بارکزی انجام شده است. کار ساحوی هر شش ماه و برای هفت سال متوالی اجرا شد و از ماه می ۲۰۱۱ تا دسامبر ۲۰۱۳، این کار ۲۸ تا ۳۰ سایت تحقیقاتی مشخص را تحت پوشش قرار داد، به شمول هشت منطقه صحرایی در شمال کانال بغرا (به جدول ۱ نگاه کنید). در مجموع، در یک دوره ۱۱ ساله در همه یا برخی از محلات ۲۸ گانه تحقیق، ۴،۱۲۲ مصاحبه خانگی با دهقان ها انجام شد.

جدول ۱: مروری بر مصاحبه با خانوارها، ۲۰۱۸-۲۰۰۷

سال	ماه	محلات تحقیق (شمار)	پاسخ دهندگان (شمار)
۲۰۰۷	نوامبر/دسامبر	۷	۴۲
۲۰۰۸	نوامبر/دسامبر	۱۰	۹۹
۲۰۰۹	نوامبر/دسامبر	۱۱	۱۱۲
۲۰۱۰	اپریل/می	۱۱	۸۷
	نوامبر/دسامبر	۲۳	۳۶۰
۲۰۱۱	اپریل/می	۲۸	۴۴۷
	نوامبر/دسامبر	۲۸	۳۷۳
۲۰۱۲	اپریل/می	۲۸	۴۶۲
	نوامبر/دسامبر	۳۰	۴۰۴
۲۰۱۳	اپریل/می	۳۰	۴۶۲
	نوامبر/دسامبر	۳۰	۴۷۲
۲۰۱۵	اپریل/می	۱۰	۱۴۰
۲۰۱۷	اپریل/می	۲۰	۳۰۰
۲۰۱۸	اپریل/می	۱۹	۳۶۲

تازه ترین کار ساحوی که بخش مهم این گزارش را تشکیل می دهد، متشکل از ۳۰۰ مصاحبه است که در ماه می ۲۰۱۷ در ۱۲ محل تحقیقاتی در محدوده زون غذایی هلمند و هشت محل تحقیقاتی در شمال کانال بغرا انجام شده است. دور نهایی کار ساحوی در بهار ۲۰۱۸ انجام شد که متشکل از ۳۱۰ مصاحبه در عین محلات تحقیق است و ۵۲ مصاحبه دیگر با زنانی که در مناطق قبلا صحرایی ساکن اند به عنوان مکمل کارهای قبلی اجرا شد.

بین سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۸، در هر دور کار ساحوی تا حدود ۶۰ مصاحبه انجام شد. این مصاحبه بر کسانی متمرکز بود که در خرید و فروش اجناس و خدمات به جوامع ساکن در محلات تحقیق دست دارند، به شمول تاجران سموم علف کش، صفحات خورشیدی و دیزل و کارگران و نیز خریدارهای گندم و سبزیجات. این مصاحبه ها در گرشک، لشکرگاه و برخی از بازارهای کوچک تر ولسوالی در هلمند، مانند ولسوالی نادعلی انجام شد و به این هدف طراحی شده بود که معلوماتی را که خود دهقان ها داده بودند، تایید و کشف کند.

۱.۲ انتخاب محلات تحقیق

محلات تحقیق بر اساس چند معیار مختلف انتخاب شد. محدوده زون غذایی و اطمینان از پوشش مناسب گروه های مختلف جمعیتی، به خصوص با گسترش محدوده زون، از مهم ترین معیارها بود (به شکل ۱ نگاه کنید).

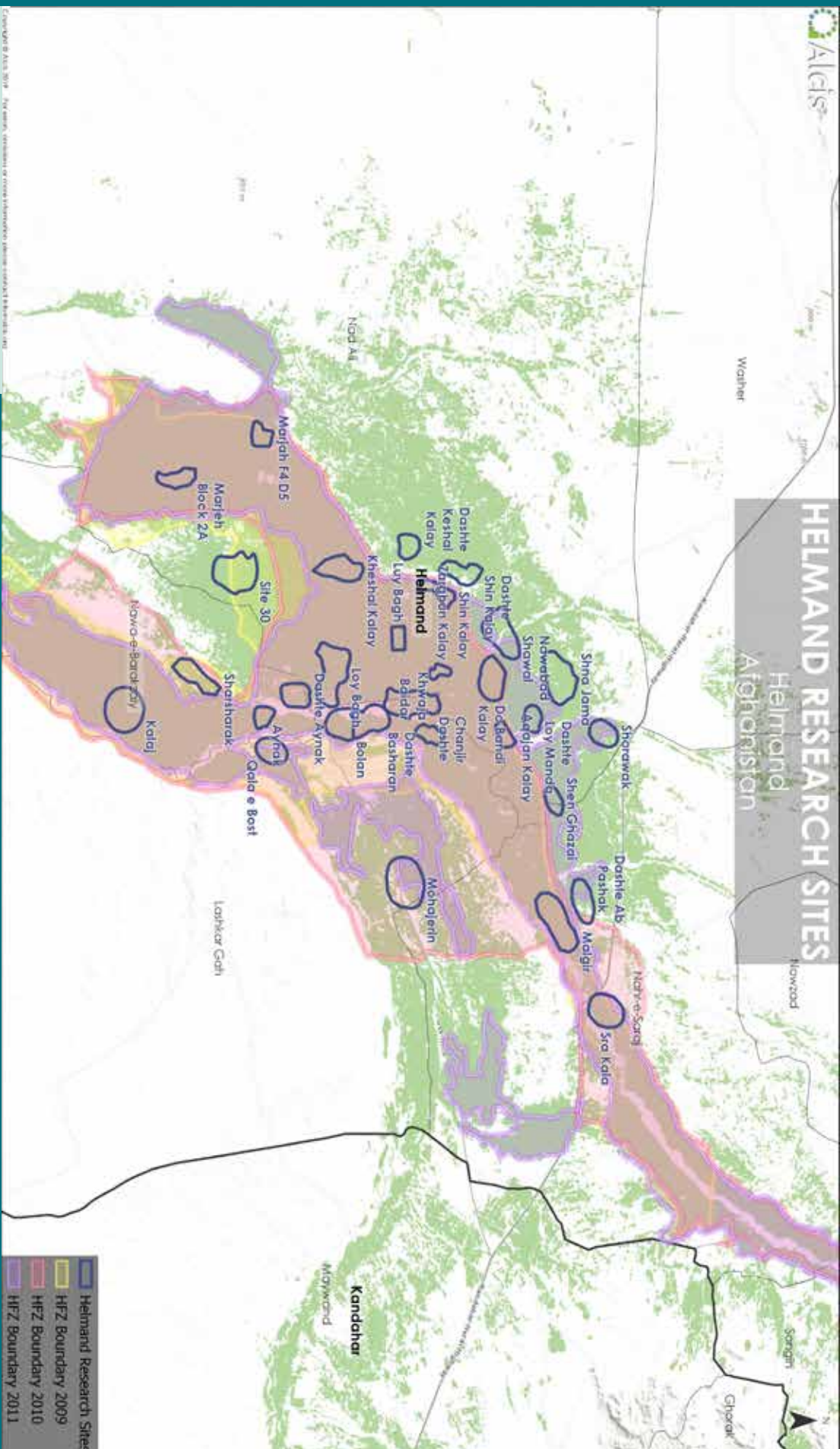
قبلاً گفته شد که جمعیت ساکن در زون غذایی هلمند به لحاظ اجتماعی-اقتصادی یکسان نبود و سطح دسترسی شان به آبیاری، زمین، بازارهای زراعت و کار، زیربناهایی مانند سرک متفاوت بود و به لحاظ کشت کوکنار دارای سابقه متنوع بود. به طور مثال، برخی از مناطق در زون غذایی هلمند، مانند بولان، قرن ها است منطقه مسکونی است، تمام سال به آبیاری دسترسی دارد و به مرکز ولایت یعنی لشکرگاه نزدیک است - مساله ای که می تواند به لحاظ دسترسی به درآمد از طریق معاش یا دستمزد و بازار فعال زراعت و نیز خدمات دولتی مانند معارف، صحت و کمک های انکشافی، مزایایی در پی داشته باشد. سایر مناطق مانند لوی باغ، دشت عینک و دشت شرشک مناطقی اند که قبلاً صحرا بوده و زمین آن برای زراعت مناسب نیست و برای آبیاری یا به چاه لوله ای متکی اند یا آب پمپ از سیستم زهکشی. این مناطق در فصل تابستان زمین اندکی زیر کشت دارد و باشندگان منطقه به دلیل تازه مهاجر بودن از حمایت روسای متنفذ قبیله ای و مقامات حکومتی برخوردار نیستند.

معیار دیگر انتخاب محلات تحقیقاتی، نوع اقدامی بود که از سوی برنامه زون غذایی هلمند انجام شده بود. نادرست است اگر فرض کنیم که جمعیتی به خاطر اینکه در داخل محدوده زون غذایی هلمند قرار دارد هر یک از برنامه های مختلف را دریافت کرده اند؛ مواد زراعتی، محو کوکنار و معلومات مربوط به مبارزه با مواد مخدر. برای مثال، هرچند جمعیت عمومی هلمند از موقف حکومت افغانستان و هم پیمانان آن در مخالفت با مواد مخدر آگاه بودند، خطر محو کوکنار از یک منطقه تا منطقه دیگر متفاوت بود و برخی از سایت های تحقیقاتی در درون محدوده زون غذایی هلمند هر سال شاهد محو کوکنار بودند در حالی که دیگران هرگز با این اقدام مواجه نشده بودند. در جریان برنامه زون غذایی هلمند، تهدید محو کوکنار به مرور افزایش یافت زیرا حضور امنیتی نیروهای نظامی بین المللی و افغان وسیع تر شد و محدوده برنامه گسترش یافت.

از سوی دیگر، دسترسی به مواد زراعتی که از سوی ادارات تمویل کننده توزیع می شد بیشتر بر اساس نظام تحت الحمایتی محلی صورت می گرفت و اکثر مواد توسط اعضای ثروتمندتر محل دریافت می شد. افراد فاقد زمین یا افرادی که خویشاوند یا رفیق قدرتمند نداشتند، نوعاً از کمک های انکشافی مستقیم برنامه زون غذایی هلمند بی بهره بودند. برای محاسبه تنوع در زمینه محو کوکنار و عرضه مواد زراعتی، هر دو اقدام ترسیم شد (به شکل های ۲ و ۳ نگاه کنید) و محلات تحقیقاتی به گونه ای انتخاب شد که جمعیت شامل تحقیق از تجربه های مختلف مربوط به این اقدامات در زمان های گوناگون برخوردار باشند، به شمول افرادی که نه مواد زراعتی دریافت کرده بودند و نه در جریان برنامه زون غذایی هلمند شاهد از بین رفتن کوکنار شان بوده اند، مناطقی مانند ملگیر، دشت آب پاشک، شین غازی و سره کلا.

فهمیده شد که با ادامه تحقیق و گسترش زون غذایی هلمند، ۱۱ محل اصلی تحقیق نمی تواند مناطق خارج از زون غذایی هلمند را به اندازه کافی پوشش دهد. این شمار محدود محلات تحقیق تنها نشان می داد که چگونه بخش هایی از جمعیت با انتقال به مناطق قبلاً صحرائی در شمال کانال بغرا به برنامه زون غذایی هلمند و ممنوعیت رو به گسترش کوکنار پاسخ می دهند. در نتیجه، ۱۲ محل تحقیقاتی در سال ۲۰۱۰ و پنج محل تحقیقاتی دیگر در سال ۲۰۱۱ برای کمک به تحلیل عمیق تر تاثیر زون غذایی هلمند و کاوش بهتر پروسه اسکان در زمین های قبلاً صحرائی، و نیز نقش زون غذایی هلمند در این جابجایی و تاثیر کلی آن بر کشت کوکنار، اضافه شد.

HELMAND RESEARCH SITES Helmand Afghanistan



شکل ۱: محلات تحقیقاتی در مرکز هلمند

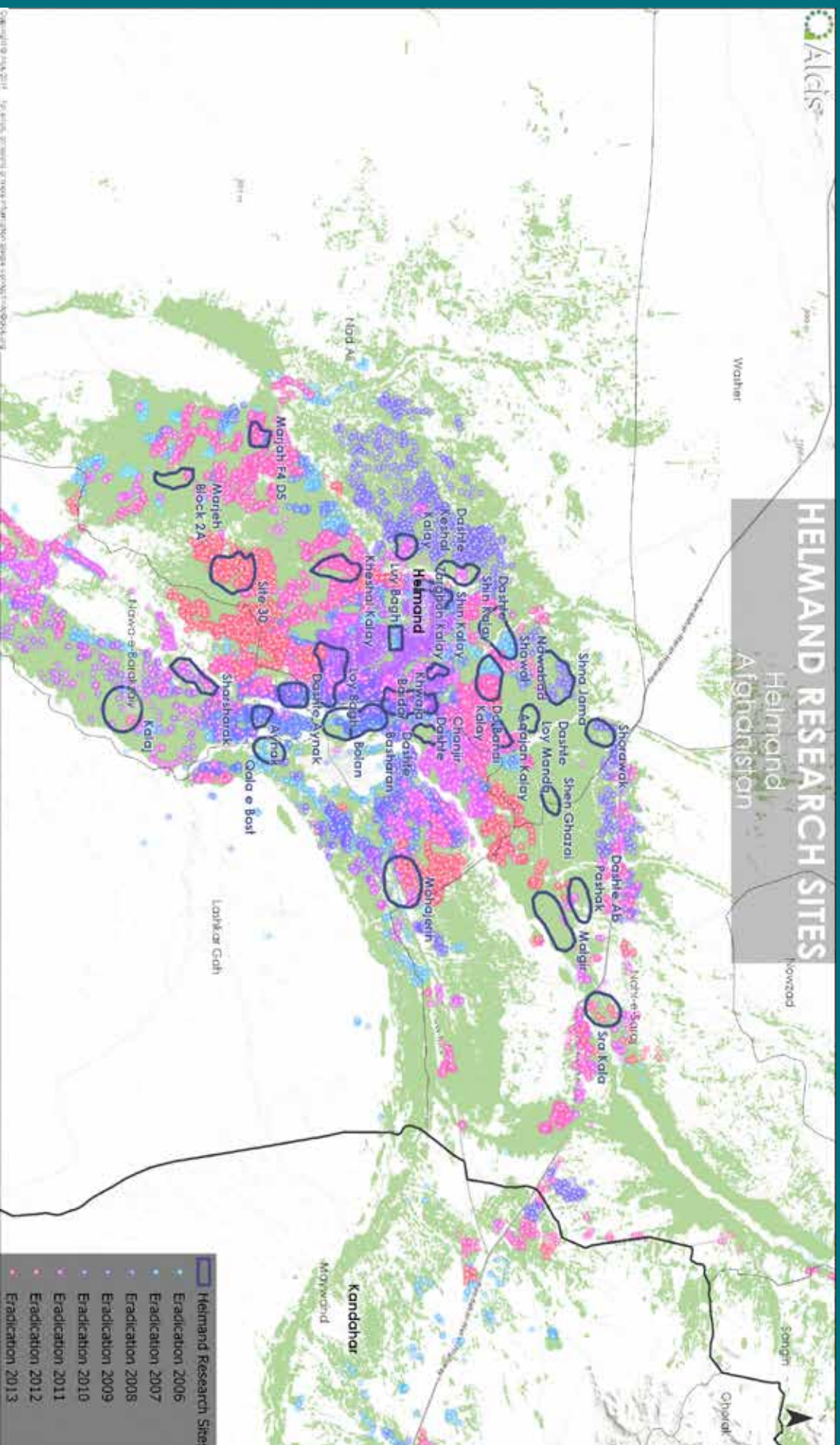
HELMAND RESEARCH SITES

Helmand
Afghanistan

Flowchart

Songlin

Chloride



شکل ۲: محو کوکنار در مرکز هلمند، ۲۰۰۶-۲۰۱۳



شکل ۳: توزیع تخم گندم در مرکز هلمند، ۲۰۰۹

۲.۲ کار ساحوی

کار ساحوی توسط یک تیم محلی دارای دانش عمیق از مرکز هلمند انجام شد. تیم محلی برای بیش از یک دهه از نزدیک با محقق اصلی و نویسنده کار کرده است. برای پرهیز از مشکلات ذاتی تحقیق در باره فعالیت غیر قانونی یا زیر زمینی، تحقیق روی استراتژی های معیشت خانوار متمرکز شد. فشار بر حکومت افغانستان برای اقدام علیه کشت و تجارت تریاک، مواد مخدر غیر قانونی را برای دهقان ها و سایر دست اندرکاران به موضوع حساس تبدیل کرده است، حساس تر از آنچه در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ بود. با وجود این، وقتی به اقتصاد ملی تریاک نگاه شود، خانوارهای روستایی هنوز دسترس پذیر ترین واحد تحلیل است زیرا این مساله مبنایی را برای ارجاع متقابل یافته ها هم با سایر کارهایی که در حوزه معیشت روستایی انجام شده است و هم سایر تحقیقات در مورد نقش مشخص تولید تریاک در افغانستان و جاهای دیگر، فراهم می سازد.

در اصل، پاسخ دهندگان مرد انتخاب شده بودند. محققان محلی برای بازتاب تنوع اجتماعی-اقتصادی در محلات تحقیقاتی و تجربیات مختلف خانوارها از زون غذایی هلمند کوشیدند با گروه های مختلف زمیندار یا بی زمین در هر محل تحقیقاتی، جایی که این افراد وجود داشتند. مصاحبه کنند: (۱) کم زمین یا بی زمین - افرادی که زمین ندارند یا زمین شان ناکافی است و نمی تواند نیاز خانواده را برآورده کنند، لذا به حیث دهقان اجاره دار یا سهمیه ای روی زمین دیگران کار می کنند؛ (۲) زارعین مالک - افراد دارای زمین کافی که می توانند نیاز خانواده های شان را برآورده کند، و (۳) مالکین - کسانی که دارای زمین مازاد بر نیازمندی های شان اند و دیگران را برای کار روی زمین شان استخدام می کنند، خواه به حیث اجاره دار یا دهقان سهمیه ای.

گفتگو با پاسخ دهندگان مرد و زن روی تجربه مستقیم آنها و خانوارهای شان متمرکز بود، نه حوادث یا پدیده ها در منطقه کلان جغرافیایی. اگر گفتگو روی حوادث عمومی متمرکز می شد، جواب پاسخ دهندگان بیشتر گمانه زنی می بود^۹. مصاحبه های فردی با پاسخ دهندگان مرد در ساحه و در هنگام مراقبت دهقان ها از مزارع انجام شد زیرا مصاحبه در محیط خانوار می تواند در معرض اخلاص و تاثیر قرار گیرد. از گفتگوهای گروهی با دهقان ها خودداری شد زیرا چنین گفتگوهایی احتمالا تحت تاثیر نخبگان اجتماع قرار میگرفت، برای بررسی مسایل حساس مناسب نیست در مناطق روستایی افغانستان، به خصوص در جنوب، تهدید امنیتی فزاینده ای را متوجه پاسخ دهندگان و محققان سازیم.

پاسخ دهندگان زن از سوی یک تیم متشکل از محققان زن و مرد شناسایی شدند. به دلیل دشواری سفر حتی محقق زن تحصیل کرده همراه محرم به مناطق صحرایی ناامن و شدیداً محافظه کار همراهی گردیده است، پاسخ دهندگان زن از شمال بغرا زمانی مصاحبه شدند که به روستاهای اصلی شان در منطقه کانالی که بخش مرکزی هلمند را آبیاری می کند، برگشتند. این زن ها یا به صورت فصلی در جریان فصل تابستان، زمانی که زمین صحرایی شمال بغرا عمدتاً مورد استفاده قرار نمیگیرد، یا پس از چندین سال زندگی در مناطق قبلا صحرایی، به صورت دایم برگشته بودند. عضو مرد تیم، خانواده هایی را که به منطقه برگشته بودند از طریق گفتگو در مسجد محل شناسایی کردند. سپس، وی از مرد خانوار پرسید آیا زن خانوار مایل به گفتگو با خویشاوند وی که زن است، هست یا خیر. پس از دریافت اجازه، محقق خانم مصاحبه های مفصل را با زنان در خانه های شان انجام دادند.

کار ساحوی در جریان فصل کشت و/یا برداشت تریاک انجام شد، زمانی که پاسخ دهندگان از حاصل زراعتی و درآمد مالی محصول قبلی آگاهی کافی دارد و دهقان ها فعالانه درگیر تصمیم گیری در باره کشت بعدی است. وجود آشکار محصول تریاک در زمین به محققان فرصت می دهد برخی از پاسخ دهقان را واریسی کنند و، در صورت نیاز، وقتی پاسخ دهندگان در رابطه به محصولی که کشت می کنند و مقدار آن صادقانه حرف نمی زنند، سوالات بیشتری را برای کشف واقعیت مطرح کنند.

۳.۲ تلفیق تصاویر

عنصر مهم دیگر روش تحقیق استفاده از تصاویر دارای کیفیت بالا است که با حسگر از راه دور گرفته شده است. چنانچه در بالا گفته شد، از معلومات جغرافیایی-فضایی برای شناسایی محلات تحقیقاتی استفاده شد. اما تنها مورد استفاده حسگر از راه دور این نبود. تصاویر حسگر از راه دور برای تایید حضور کارمندان ساحوی در محلات تحقیق و بررسی اطلاعات اولیه نیز استفاده شد. ارائه گزارش به محقق اصلی مستلزم بحث در باره هر محل تحقیق و محیط پیرامون آن است که با ترسیم روی نقشه و تصاویر تاریخی ممکن می شود. این نقشه ها و تصاویر نشان دهنده تغییر در طول زمان است. این نوع تصاویر به گفتگوهای جزئی تر در مورد پدیده های محلی، مانند تاثیر ناامنی روی کشت، شناسایی محصولات زیر کشت، میزان شوره زاری زمین و زیربناهای فیزیکی جدید یا تخریب شده، کمک کرد. تصاویر همچنان امکان اندازه گیری برخی از این پدیده ها را میسر ساخت.

در نهایت، تحلیل جغرافیایی-فضایی کمک کرد از یافته های تحقیق در حوزه جغرافیایی کلان تر و فراتر از خود محلات خاص تحقیق نتیجه گیری شود. برای مثال، در مواردی که پدیده های خاصی در شماری از محلات تحقیق شناسایی می شد، تصاویر می توانست برای ارزیابی سطح شیوع آن پدیده در همه محلات تحقیق و ساحه فراتر از آن استفاده کند. یکی از نمونه های آن ترسیم نقشه چاه های لوله ای دارای برق آفتابی است. با شناسایی علامت خاص یک ذخیره آب و صفحات شمسی، می توان با استفاده از تصاویر ماهواره ای دارای کیفیت بالا چاه های لوله ای با انرژی آفتابی را دید و می توان فراوانی این پدیده را در منطقه ای به وسعت تقریباً ۱۰۰۰ کیلومتر مربع ارزیابی کرد.

۴.۲ مصاحبه با پالیسی سازان و مجریان

مؤلفه دیگر تحقیق مصاحبه با افرادی است که در تصامیم مربوط به پالیسی و عملیات در خود هلمند درگیر بوده اند. بسیاری از این افراد برای چند سال و برخی از آنها در نقش های مختلف در افغانستان کار کرده بودند. این مصاحبه ها شامل مصاحبه با پالیسی سازانی است که در حکومت های افغانستان، ایالات متحده بریتانیا و نیز نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل متحد دارای موقف رسمی بودند. این تحقیق به عنوان بخشی از تحقیق جاری در مورد پالیسی مواد مخدر در افغانستان از سوی محقق اصلی اجرا شد. افراد مصاحبه شونده به شرط فاش نشدن هویت شان صحبت کردند و مصاحبه ها روی پروسه پالیسی سازی متمرکز بود: تصامیم چگونه و توسط چه کسی گرفته می شد، و برداشت آنها از انگیزه های اساسی پشت این کار چه بود.

نتایج این مصاحبه ها با برخی از اسناد مربوط به زون غذایی هلمند و پالیسی مواد مخدر در افغانستان به گونه متقابل مقایسه شد. برخی از این اسناد مبهم و منتشر نشده است اما اطلاعات مهمی را در باره پروسه پالیسی سازی و دیدگاه های افراد تصمیم گیرنده ارائه می کند. اسناد حکومتی نیز با عرضه روایت رسمی و تبیین نوع نگاه پالیسی سازان به زون غذایی هلمند در آن زمان، فرصت مقایسه مفیدی را فراهم می سازد.

۳. زون غذایی هلمند: خاستگاه و مبانی آن

زون غذایی هلمند زائیده شرایط و تصمیم عاملین است؛ این برنامه اصولاً در پی افزایش سطح کشت کوکنار در ولایت هلمند، جایی که بریتانیا رهبری تیم بازسازی ولایتی و گروه ۸ را برای مبارزه با مواد مخدر به عهده داشت، بر اثر فشار فزاینده بر حکومت بریتانیا که از سوی همتایان امریکایی آنها و رهبری ارشد حکومت بریتانیا اعمال می شد، به وجود آمد. در آن زمان، افزایش کشت کوکنار به مثابه نشانه ناکامی بریتانیا در مبارزه با مواد مخدر و تامین ثبات در جایی بود که یک ولایت کلیدی پنداشته می شد. با رشد نگرانی در مورد برنامه بازسازی افغانستان و بروز نشانه های شورش دوباره طالبان، بریتانیا مجبور شد درین زمینه اقدام کند.

سال ۲۰۰۶ بود که وزارت دفاع، دفتر امور خارجه و کشورهای مشترک المنافع و اداره توسعه بین المللی بریتانیا خود را در هلمند یافتند، ولایتی که بیش از هر جای دیگر افغانستان تریاک تولید می کرد. این واقعیت که هلمند نوعاً هر ساله تا ۵۰ درصد کل محصول تریاک افغانستان را تولید می کند، تصمیم بریتانیا برای تاسیس تیم بازسازی ولایتی در آن ولایت و جایگاه آن به عنوان کشور رهبری کننده مبارزه با مواد مخدر، حکومت بریتانیا را مجبور ساخت موقف قاطع تری علیه تولید تریاک بگیرد. وزارتخانه های بریتانیا در حصار تریاک و تحت فشار سرخوردگی حکومت ایالات متحده از آنچه کارکرد ضعیف در مبارزه با مواد مخدر تلقی می شد، مجبور به اقدام علیه افزایش سالانه مقدار کشت کوکنار در این ولایت شدند.

این چیزی نبود که بریتانیا بر اساس پلان یا از روی اراده به آن اقدام کند. وزارت دفاع از زمانی که بریتانیا نقش رهبری مبارزه با مواد مخدر را در سال ۲۰۰۲ به عهده گرفت، نسبت به تلاش ها در این زمینه تردید داشت^{۱۰}. در واقع، یک مقام ارشد حکومت بریتانیا گزارش داد که «نظامی ها نمی خواهند در مبارزه با مواد مخدر درگیر باشند»^{۱۱}. با این حال، نیروهای نظامی بریتانیا در سال ۲۰۰۸ پس از عقب نشینی از بصره در عراق^{۱۲} و در نتیجه توافقنامه ناکام صلح در موسی قلعه هلمند، در وضعیت دشواری قرار گرفتند. به صورت مشخص، توافق ناکام صلح در موسی قلعه سبب واکنش منفی وزارت دفاع امریکا شده بود، به خصوص وقتی توافق از هم پاشید و در ماه فبروری ۲۰۰۷، طالبان کنترل ولسوالی شمال هلمند را در اختیار گرفتند^{۱۳}. مانند بسیاری از تغییرات دیر هنگام تصامیم، رهبری نظامی بریتانیا در هلمند در زمان استقرار شان اغلب اشتیاق زیادی به کاهش کشت کوکنار نشان می دادند^{۱۴}.

دفتر امور خارجه و کشورهای مشترک المنافع و واحد چند اداره ای آن برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان که در چارچوب پروسه اصلاح سکتور امنیتی، مسئولیت رهبری (بعدا همکاری) برنامه های مبارزه با مواد مخدر در افغانستان را به عهده داشت، از سال ۲۰۰۴ به بعد در برابر تلاش های اداره مواد مخدر بین المللی و امور تنفیذ قانون برای راه اندازی سم پاشی هوایی در افغانستان مقاومت کرده بود. در پی افزایش سطح کشت کوکنار در مناطق تحت حضور نیروهای بریتانیا، دفاع سیاسی از موضع مخالفت دشوار تر شد، به خصوص در ۲۰۰۷ زمانی که کشت کوکنار در منطقه شرقی ننگرهار - ولایتی که یکی از تولیدکنندگان عمده تریاک است - جایی که تلاش های نظامی و ملکی ایالات متحده متمرکز بود، کاهش یافته بود. واحد چند اداره ای بریتانیا برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان و تیم های آن در کابل و لشکرگاه احساس کردند مجبور اند رهبری قانع کننده تری از خود نشان دهند، با توجه به اینکه اسباب فشار بیشتری در اختیار آنها بود، یا حد اقل باید در اختیار شان می بود.

اداره توسعه بین المللی بریتانیا نیز به درگیر شدن در مبارزه با مواد مخدر تمایل نداشت. این اداره از تلاش های گذشته حکومت اعلی حضرت برای کنترل مواد مخدر، مانند کمپاین محو کوکنار در برابر پاداش در سال ۲۰۰۲ آگاه بود و هراس داشت این اهداف با دستور کار قانونی این اداره، قانون ۲۰۰۲ توسعه بین المللی، که می گوید کمک های توسعه یی باید به کاهش فقر کمک کند، سازگاری ندارد^{۱۵}. اداره توسعه بین المللی بریتانیا به دلیل عدم حمایت از رهبری بریتانیا در مبارزه با مواد مخدر با انتقاد داخلی روبرو شد. این اداره با اداره توسعه بین المللی ایالات متحده مقایسه می شد. هرچند تاثیر تلاش های USAID برای کنترل مواد مخدر نیز به همان اندازه مورد تردید است، اداره توسعه بین المللی بریتانیا تحت فشار قرار گرفت تا چند برنامه کلان توسعه بدیل را راه اندازی کند تا مبالغ کلان پول به مناطق محل کشت کوکنار، به شمول مناطق جنوبی و ولایت هلمند، اختصاص داده شود^{۱۶}.

۱۰ مکاتبه شخصی، مقام ارشد پیشین حکومت بریتانیا #۱، اگست ۲۰۱۶.

۱۱ مکاتبه شخصی، مقام ارشد پیشین حکومت بریتانیا #۱، اگست ۲۰۱۶.

۱۲ تیو فارل، پیروزی ناممکن: جنگ بریتانیا در افغانستان ۲۰۱۱-۲۰۱۴، (نشر پنگوین، لندن: ۲۰۱۷)، ص ۱۴۸.

۱۳ تیو فارل، پیروزی ناممکن: جنگ بریتانیا در افغانستان ۲۰۱۱-۲۰۱۴، (نشر پنگوین، لندن: ۲۰۱۷)، ص ۱۴۸.

۱۴ نویسنده شاهد دادخواهی یکی از افسران ارشد نظامی برای سم پاشی هوایی بود، هرچند موضع بریتانیا مخالف آن بود.

۱۵ اداره توسعه بین المللی بریتانیا، حکومت بریتانیا، (قانون ۲۰۰۲ توسعه بین المللی)، بخش ۱، پاراگراف ۱

۱۶ مصاحبه با مشاور سابق اداره توسعه بین المللی بریتانیا، اپریل ۲۰۱۶.

به علاوه، سطح کشت کوکنار، بیش از گذشته به عنوان شاخصی دیده می شد که بر اساس آن بتوان در مورد کنشگران بین المللی، ملی و ولایتی قضاوت کرد. کاهش سطح کشت کوکنار به عنوان موفقیت در رهبری و برنامه ها تلقی می شد؛ این امر موجب تحسین و پاداش مالی بود. والی های ولایتی که تولید تریاک در آن کاهش یافته بود، (خوب) عنوان می شد و کمک های توسعه یی بیشتر دریافت می کرد. بر عکس، افزایش کشت کوکنار مایه سرزنش و انتقاد از سوی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد، حکومت ایالات متحده، رئیس جمهور کرزی و سایر سفرا در کابل بود. حتی رؤسای تیم های بازسازی ولایتی اعلام می کردند که «میزان کشت کوکنار زیر نظر من بالا نخواهد رفت» و می دانستند اگر این اتفاق بیفتد انتقاد و اتهام ناکامی متوجه آنها خواهد بود.^{۱۷}

به علاوه، با توجه به کارهای بریتانیا در عراق و عملکرد آن در مبارزه با مواد مخدر در افغانستان، این کشور می توانست انتقاد اندکی را برتابد. این درک در قصر سفید وجود داشت که تونی بلر نخست وزیر بریتانیا، شخصی که هم در ارائه تعهد بریتانیا به دستور کار مبارزه با مواد مخدر در افغانستان و هم نیروهای نظامی بریتانیا در هلمند نقش اصلی داشت، مشتاق دیدن پیشرفت در مبارزه با کشت کوکنار در این ولایت بود. به خصوص چنین پنداشته می شد که نخست وزیر با آنچه بسیاری ها موضع رئیس جمهور بوش در سم پاشی هوایی می دانستند، همسویی داشت. نگرانی هایی وجود داشت که ناکامی در تحقق کاهش چشم گیر کشت کوکنار در هلمند سبب می شود نخست وزیر با پشتیبانی از رئیس جمهور ایالات متحده بر حکومت افغانستان فشار وارد کند که سم پاشی هوایی را بپذیرد. بنا بر این، شرایط برای تلاش جدی تر و هماهنگ تر در مبارزه با مواد مخدر از سوی وزارتخانه های بریتانیا مهیا شد؛ بهتر بود یک سیاست بد را پیگیری کرد تا از سیاست بدتر خودداری شود.

۴. زون غذایی هلمند: طرح و مؤسسين آن

طرح واقعی زون غذایی هلمند به دو خارجی بر می گردد. یکی از آنها به عنوان عضو تیم مبارزه با مواد مخدر که از سوی ایالات متحده تمویل شد در دفتر والی ولایت هلمند مستقر بود. دیگری در تیم بازسازی ولایتی حضور داشت. هر دو دارای تجربه نظامی بود و هیچ کدام شان قبلا در مبارزه با مواد مخدر، زراعت یا افغانستان کار نکرده بودند. این افراد از هیاهوی موجود برای کاهش کشت کوکنار در هلمند آگاه بودند و از فرصت استفاده کردند. در حالی که پروپوزل پروژه زون غذایی هلمند از «تدوین الگوهای موفق مبارزه با مواد مخدر در ننگرهار و لغمان»^{۱۸} در شرق کشور و امکان اجرای آن در هلمند سخن می زد، در عمل شواهد اندکی در این باره وجود داشت. در حقیقت، فرضیه ای که زون غذایی هلمند بر آن استوار بود، ساده بود: در صورتی که اجبار کافی وجود داشته باشد، دهقان ها کشت کوکنار را ترک و محصول کم سود تر یعنی گندم را انتخاب خواهند کرد. پروپوزلی که از سوی دو مشاور بین المللی تدوین شده بود این گونه طرح ریزی شده بود که به دهاقین اطلاع داده شود که ممنوعیت قریب الوقوع کشت کوکنار اجرا خواهد شد. بر اساس طرح، اطلاع رسانی در این مورد از طریق کمپاین آگاهی دهی قبل از فصل کشت کوکنار انجام می شود. سپس به دهقان ها تخم گندم و کود کیمیاوی داده می شود تا بدیلی برای کوکنار و در نبود درآمد تریاک، منبعی برای غذا در اختیار آنها گذاشته شود. این طرح همچنان از دهقانان می خواست پیش از دریافت تخم گندم و کود، توافقنامه ای را امضا کنند - «قول رفتار خوب» - که دست به کشت کوکنار نمی زنند^{۱۹}. در نهایت، در فصل بهار کمپاین محو کوکنار برای تخریب مزارع دهقانان متمرکز که به هشدار مقامات اعتنا نکرده و از کشت کوکنار خودداری نکرده اند، راه اندازی شود.

این طرح «جانشین سازی محصول» است - مدلی که در دهه ۱۹۸۰ تا حد زیادی از سوی سازمان هایی مانند دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد کنار گذاشته شد. با توجه به اینکه جانشین سازی محصول تنها روی تعویض یک محصول با محصول دیگر متمرکز است و به زیربنای فیزیکی، پشتیبانی بازار و تغییر اجتماعی لازم برای کمک به دهاقین برای عبور از کشت مواد مخدر توجه ندارد، این روش در دهه ۱۹۹۰ با روش جامع تر توسعه روستایی با عنوان توسعه بدیل، جایگزین شد.

طرح زون غذایی هلمند نارسایی های مدل جانشین سازی محصول را با تمرکز بر گندم، تشدید کرد. در حالی که برنامه های جانشین سازی محصول در صدد تعویض محصول مواد مخدر با محصول ارزشمند باغداری است، زون غذایی هلمند بر دهاقین فشار آورد که کوکنار را با محصول پر مصرف غذایی یعنی گندم تعویض کنند. مشکل اینجا بود که گندم نه تنها برای مصرف کشت می شود، بلکه دارای الزامات کاملا متفاوت است، به خصوص نیازمند نیروی کاری به مراتب کمتر است. چنانچه در بخش های بعدی خواهد آمد، این موضوع به لحاظ تاثیرات درازمدت زون غذایی هلمند و پیامد آن بر الگوهای کشت کوکنار مهم بود.

پروپوزل زون غذایی هلمند که توسط دو مشاور کوتاه مدت فاقد کمترین درک از تجربیات گذشته یا معیشت روستایی در هلمند به زبان انگلیسی نوشته شده بود، به دری ترجمه شد و برای بررسی به والی هلمند داده شد. پروپوزل بدون هیچ گونه تغییر از دفتر والی بیرون آمد و عنوان آن «پلان والی»^{۲۰} گذاشته شد. با حمایت منگل والی ولایت، مقاومت در برابر این پروپوزل علی رغم همه کاستی های آن، تقریبا ناممکن شد.

نظامیان بریتانیایی در هلمند و تیم بازسازی ولایتی علاقه داشتند ابتکارهای جدید، به خصوص در زمینه مبارزه با مواد مخدر، «چهره افغانی» داشته باشد و والی جدیدالتقرر گلاب منگل این فرصت را فراهم کرد^{۲۱}.

والی منگل مشتاق بود تاثیر فوری از خود به جا بگذارد.^{۲۲} وی به عنوان یک مدیر پر دستاورد شهرت داشت^{۲۳}. منگل که تحصیل کرده پوهنتون است و عضو سابق حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دگروال اردوی افغانستان بوده است، در زمان رهبری ولایت در پکتیکا در سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۶ و در لغمان در سال های ۲۰۰۶-۲۰۰۸ به عنوان یک رهبر مؤثر معروف شده بود. ایالات متحده باور داشت وی «والی بسیار خوب در یک نقش خطیر» است.^{۲۴} بارنو جنرال امریکایی، قومندان سابق نیروهای ائتلاف در افغانستان گفت منگل «یکی از مؤثرترین - اگر

۱۸ دفتر والی هلمند، «استراتژی کوتاه مدت ولایتی برای مبارزه با مواد مخدر»، سند منتشر نشده پروژه، ۶ جولای ۲۰۰۸، ص ۴.

۱۹ دفتر والی هلمند، «استراتژی کوتاه مدت ولایتی برای مبارزه با مواد مخدر»، سند منتشر نشده پروژه، ۶ جولای ۲۰۰۸، ص ۱۵.

۲۰ مکاتبه شخصی، مقام ارشد پیشین حکومت بریتانیا #۴۶، آگست ۲۰۱۶.

۲۱ مکاتبه شخصی، مقام ارشد پیشین حکومت بریتانیا #۲، جولای ۲۰۱۶.

۲۲ گاردین، «گزارش های سفارت امریکا: ستایش هم پیمانان از والی هلمند»، ۲۶ می ۲۰۰۸، تاریخ انتشار ۲ دسامبر ۲۰۱۰.

۲۳ دیوید رینولدز، «جنگ بریتانیا در هلمند: یک گزارش تاریخی»، (انتشارات DRA: پلی موث، ۲۰۱۶)، ص ۷۵.

۲۴ گاردین، «گزارش های سفارت امریکا: تلاش کرزی برای تعیین جنگ سالار و جانی معروف»، ۲۷ جون ۲۰۰۹، تاریخ انتشار ۲ دسامبر ۲۰۱۰؛ گاردین، «گزارش های سفارت امریکا: گردون براون تاکید می کند کرزی نباید والی هلمند را تعویض کند»، ۲۲ آگست ۲۰۰۸، تاریخ انتشار ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۲.

نه یگانه - والی های افغانستان است»^{۲۵}. گزارش شده است همکار وی، جنرال امریکایی لارنس نیکلسون، گفته بود «این آدم ارزشمند ترین سلاح من در نبرد با طالبان است»^{۲۶}.

بریتانیا نیز در جریان رهبری منگل بر ولایت هلمند، وی را با این اوصاف می شناخت و در موارد متعدد، همراه با ایالات متحده، فعالانه از رییس جمهور کرزی خواست وی را در موقف اش نگه دارد^{۲۷}. والی برای جامعه بین المللی چنان معروف بود که، به گفته سفیر سابق بریتانیا، شیرارد کوپر کولس، «به نماد خوش شانسی قومندان های نیروی موظف در هلمند و روسای تیم های بازسازی ولایتی و به چهره ای در رسانه های بریتانیا و افغانستان تبدیل شد»^{۲۸}.

خود والی علاقمند بود در برنامه ها دست داشته باشد، زیرا بر ضرورت کسب حمایت کنشگران اصلی نظامی و ملکی آن ولایت آگاه بود و می دانست یکی از اسلاف وی، شیر محمد آخند زاده پس از کشف شدن نه متریک تن تریاک در محوطه ولایت، به درخواست بریتانیایی ها به عنوان پیش شرط استقرار در هلمند عزل شده بود^{۲۹}. یکی از مقامات ارشد پیشین بریتانیا تاکید کرد که والی هلمند برای حمایت از زون غذایی هلمند چند دلیل داشت. یکی از دلایل این بود که والی معتقد بود مواد مخدر منبع تامین مالی رقبای سیاسی وی در هلمند است، به خصوص کسانی که با ادارات گذشته ارتباط دارند. دوم، والی از ضعف جایگاه خویش در اداره کرزی آگاه بود. واضح بود که رییس جمهور طرفدار برگشت شیر محمد آخند زاده^{۳۰} بود و تقصیر عزل وی و در نتیجه بدتر شدن اوضاع امنیتی در هلمند را به گردن بریتانیایی ها می انداخت. والی منگل انتظار داشت با نمایش عملکرد قوی در مبارزه با مواد مخدر می تواند حمایت دو تمویل کننده عمده، بریتانیا و ایالات متحده، را کسب کند، بازیگرانی که می توانند در صورت تلاش رییس جمهور برای عزل والی، در برابر آن مقاومت کنند^{۳۱}.

دلیل آخر این بود که والی معتقد بود زون غذایی هلمند ابزار تدارکاتی و مالی لازم را در اختیار وی قرار می دهد تا در درون ولایت و فراتر از آن نفوذ سیاسی اش را مستحکم بسازد. در حالی که استفاده از دارایی های نظامی ائتلاف به والی اجازه می داد به اطراف ولایت سفر کند و قدرت و نفوذ خود را میان هم پیمانان و مخالفان خویش گسترش دهد، منابع مالی فراهم شده از طریق زون غذایی هلمند به وی امکان می داد از حامیان خویش پشتیبانی کند و - اگر شایعات مربوط به فساد درست باشد^{۳۲} - منافع شخصی خود را تامین کند. به علاوه، والی منگل به حیث یک شخص بلند پرواز و خواستار موقف وزارت، مانند گل آغا شیرزی در ننگرهار، معتقد بود عملکرد قوی در بخش کاهش کوکنار می تواند حمایت ایالات متحده و بریتانیا از عضویت وی در کابینه افغانستان را به ارمغان آورد. زون غذایی هلمند در نبود والی منگل هیچ گاهی به این اندازه طول نمی کشید، اما در نبود امکانات نظامی و ملکی بریتانیا احتمالاً برنامه اصلا راه نمی افتاد.

- ۲۵ وال استریت ژورنال، «هم پیمان ایالات متحده در دگرگونی افغانستان عزل شد»، ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۲.
- ۲۶ چاندراسکاران، ر. امریکای کوچک: جنگ در درون جنگ افغانستان، (نیویارک تایمز، ۲۰۱۲)، ص ۷۹.
- ۲۷ کارتر مالکیسیان، جنگ گرمسیر را فرا می گیرد: سی سال منازعه در جبهه افغانستان، (انتشارات پوهنتون آکسفورد، ۲۰۱۳) ص ۱۲۸.
- ۲۸ کوپر کولس، اس. گزارش هایی از کابل: داستان پنهان مبارزه غرب در افغانستان (لندن: انتشارات هارپر، ۲۰۱۱) ص ۱۶۶.
- ۲۹ تیو فارل، پیروزی ناممکن: جنگ بریتانیا در افغانستان ۲۰۱۱-۲۰۱۴، (پیکنینگ: لندن، ۲۰۱۷)، ص ۱۶۷.
- ۳۰ گاردین، «گزارش های سفارت ایالات متحده: تلاش کرزی برای تعیین جنگ سالار و جانی معروف»، ۲۷ جون ۲۰۰۹، تاریخ انتشار ۲ دسامبر ۲۰۱۰.
- ۳۱ مکاتبه شخصی، مقام ارشد پیشین حکومت بریتانیا #۲، جولای ۲۰۱۶؛ مایک مارتین، جنگ درونی: تاریخ شفاهی منازعه هلمند (هرست: لندن، ۲۰۱۴)، ص ۲۱۸.
- ۳۲ مکاتبه شخصی، مقام پیشین بریتانیا در تیم بازسازی ولایتی #۴۲، آگست ۲۰۱۶؛ مکاتبه شخصی، مقام پیشین اداره توسعه بین المللی بریتانیا #۵، آگست ۲۰۱۶؛ مایک مارتین، جنگ درونی: تاریخ شفاهی منازعه هلمند (هرست: لندن، ۲۰۱۴)، صص ۲۱۲-۲۱۳.

۵. زون غذایی هلمند: اجزا، تطبیق و بازیگران

تطبیق برنامه زون غذایی هلمند به چندین مرجع ذیدخل در حکومت های بریتانیا، ایالات متحده و افغانستان ارتباط داشت. هر یک از این حکومت ها در مورد اجرای عملی برنامه دیدگاه های متفاوت داشتند. هدف نسبتا واضح بود: کاهش چشم گیر کشت کوکنار. چگونگی اجرای آن و به خصوص توازن مناسب میان سرعت کاهش و تاثیر آن بر امنیت محلی و رفاه اقتصادی دهقانان چندان واضح نبود. به مرور زمان، دیدگاه های نهادهای ملکی و نظامی مختلف و حکومت ها در این مورد تا حد زیادی تفاوت پیدا کرد. مانند بسیاری از پالیسی های دیگر، نتیجه نهایی محصولی به کارگیری پروسه نابسامان مذاکره، سازش و گاهی سیاست قبول مخاطره بود.

علی رغم این شعار که این برنامه به رهبری افغان ها است و زون غذایی هلمند برنامه والی برای مبارزه با مواد مخدر است، تصویر زون غذایی هلمند به مرور عوض شد. بررسی های مکرر از سوی بریتانیایی ها نشان داد که زون غذایی هلمند به تلاش های حکومتداری و ثبات سازی کمک می کند و تاثیرات آن بر مبارزه با مواد مخدر، ناچیز است.^{۳۳} با گسترش حضور نظامی بین المللی در مرکز و شمال هلمند، محدوده زون غذایی هلمند افزایش یافت تا مسئولین ولسوالی های بیشتری موظف شوند به عنوان بخشی از برنامه ثبات سازی و حکومتداری تیم بازسازی ولایتی، مواد زراعتی را در ولسوالی های بسیار دور افتاده به شمار بیشتر دهقان ها توزیع کنند (به شکل ۴ نگاه کنید). زون غذایی هلمند به میکانیزمی بدل شد که می توانست نشان دهد حکومت افغانستان در حال خدمات رسانی به جمعیت کشور است؛ تنها مشکل این بود که الزام دهقان ها به انصراف از محصول شان یا رو برو شدن با خطر محو کشت کوکنار، درخواست بزرگی بود - این موضوع می توانست مشکلاتی را در پی داشته باشد.

۱.۵ تنها حرف؟ کمپاین اطلاع رسانی

نخستین عنصر مهم زون غذایی را کمپاین آگاهی دهی تشکیل میداد که هدف آن تشویق دهقان ها به خودداری از کشت کوکنار بود. والی منگل طرفدار پرو پا قرص این اقدام بود و از این فرصت استفاده کرد تا در تابستان و خزان قبل از فصل کشت به بخش های مختلف ولایت سفر کند. این دیدارها حامل این پیام بود که حکومت افغانستان در منطقه حضور دارد و می تواند کمک های انکشافی عرضه کند، هرچند در بدل انصراف از کشت کوکنار.

کمپاین اطلاع رسانی متشکل از چند بخش مختلف بود. مهم ترین بخش جلسات بزرگ یا شوراها بود که در لشکرگاه و مراکز ولسوالی ها برگزار می شد، جایی که نوعا والی منگل سخنران اصلی محفل بود.^{۳۴} موسفیدان به این محافل دعوت می شدند و در مورد مضرات اجتماعی کوکنار و خطر محو در صورت کشت کوکنار با آنها صحبت می شد. موسفیدان تشویق می شدند به مراکز ولسوالی های مربوطه یا روستاهای خویش برگردند و این پیام را به موسفیدان محلی و دهقانان برسانند.

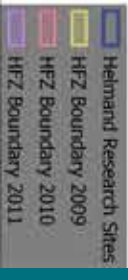
شورای اصلی در لشکرگاه شامل ۵۰۰ مهمان بود و قبل از هر فصل کشت کوکنار که نوعا ماه جولای است، جلسه ای را برگزار می کرد. پس از آن، محفل دیگری در آغاز کمپاین محو کوکنار در ماه جنوری همان سال برگزار می شد. با بهبود امنیت در ولایت هلمند و گسترش زون غذایی هلمند به شمار بیشتر ولسوالی ها، والی ولایت به مناطق دور دست سفر می کرد تا جلسات شورا را برگزار کند، هرچند اغلب حمل و نقل وی از سوی نظامیان بریتانیایی فراهم می شد.

بخش دیگر کمپاین اطلاع رسانی استفاده از پوستر، اعلامیه و سایر مواد رسانه ای چاپی بود تا پیام برنامه به عنوان بخشی از کمپاین آگاهی رسانی در رسانه های عمومی منتشر شود. این فعالیت شامل نشرات رادیویی و حتی تلویزیونی بود. در سال های پسین برنامه زون غذایی هلمند، کمپاین رسانه های همگانی پیچیده تر شد و برنامه های رادیویی تماس شنوندگان را دریافت و به کسانی که در صدد کشت محصولات غیر قانونی بودند مشورت های زراعتی می داد. در جریان برنامه زون غذایی هلمند، پوشش و استفاده تجارتي رادیو و تلویزیون افزایش یافت و طرحی به نام "رادیوی جبهه ای" به مناطق روستایی که به رادیو دسترسی کمتر داشتند، رادیو توزیع می کرد.

در حالی که پوشش کمپاین اطلاع رسانی عمومی در جریان برنامه زون غذایی هلمند گسترش یافت، چالش های گوناگونی در زمینه چگونگی ارائه اطلاعات وجود داشت. برخی از این چالش ها مربوط به رسانه و چالش دیگری مربوط به نحوه ارتباط با جمعیت عمدتا بی سواد بود که با به کارگیری انواع رسانه های مختلف تا حدودی حل شد. با این حال، چالش های دیگر وابسته به ماهیت پیام ها، نویسنده، و چگونگی عرضه آن بود.

۳۳ زیبیدی، گ. (مارچ ۲۰۱۰). بررسی پلان ولایتی مبارزه با مواد مخدر هلمند: گزارش دوم، بررسی درخواست شده از سوی تیم مخدر، تیم بازسازی ولایتی، هلمند.

۳۴ سرویس توزیع اطلاعات بصری دفاعی، «مقامات حکومتی هلمند شورای زون غذایی را برگزار کردند»، ۱۷ اکتبر ۲۰۱۰. <https://www.youtube.com/watch?v=cjBQTOeHV4A>



شکل ۴: محدوده ای در حال تغییر زون غذایی هلمند، ۲۰۰۹-۲۰۱۱.

بخشی از کمپاین ها در رسانه های چاپی فاقد محتوای مورد نظر بود. مثلا، پوسترهایی چاپ شده بودند که خطاب به دهقانان می گفت: «گندم بکارید، به خانواده تان غذا فراهم کنید». این یک پیام ساده بود که خواستار کمک به جایگزینی کوکنار با گندم بود. اما برای بسیاری از دهقان ها، به خصوص افراد کم زمین، این پیام اگر سوء ظن ایجاد نمی کرد، حد اقل باعث سردرگمی می شد. اگر این گروه تنها گندم می کاشتند، مواد کافی برای تامین نیازهای غذایی خانواده شان نداشتند - خانواده های شان گرسنه می ماندند. دهقان ها دقیقا به این دلیل کوکنار کشت می کنند که می توان تریاک را نقدا فروخت. پول نقد حاصله می تواند مقدار بیشتر گندم بخرد، بیش از آنچه اگر دهقان ها روی همین زمین گندم کشت کنند؛ این دهقان ها می دانستند اگر گندم بکارند، خود و خانواده شان با گرسنگی روبرو خواهند شد.

شاید این مساله که کدام پیام و چگونه پخش می شد در گفته های یکی از مقامات بریتانیایی مسئول بخش هایی از کمپاین به خوبی بازتاب یافته باشد. پیشنهاد می کردند «تاثیر این تولیدات و فعالیت ها با اعتبار حکومت افغانستان، منگل و زون غذایی هلمند ارتباط نزدیک دارد و نتایج مختلفی را در پی می آورد.»^{۳۵} مشکل این بود که با گذشت زمان، هیچ یک از این نهادها از اعتبار کافی برخوردار نبودند.

به خصوص، والی منگل به گونه فزاینده ای با فساد، نه تنها فساد در زون غذایی هلمند، بلکه سایر برنامه ها در هلمند مرتبط دانسته می شد. رابطه نزدیک وی با بریتانیایی ها و وجود این حس میان مردم محلی که مخاطب اصلی تلاش های وی جامعه بین المللی است و نه مردم افغانستان، سبب شد نام مستعار «بچه انگلیس ها» بر وی اطلاق شود. حتی استفاده از نظامیان بریتانیایی برای انتقال والی منگل به جلسات شورا در مراکز ولسوالی این برداشت را به وجود آورد که وی برای محفوظ نگه داشتن خودش به خارجی ها متکی است و خودش به نحوی «غیر افغان» یا خارجی محسوب می شود - به شمول اتهامات متعددی که وی مسلمان نیست. سایر فعالیت های زون غذایی هلمند وضعیت را بدتر ساخت، نه تنها این موضوع که گندم یک بدیل معتبر برای کوکنار بود، بلکه چالش های مرتبط با عملی سازی محو کوکنار در مناطقی که اغلب شدیداً ناامن بود (به بخش ۳.۳ نگاه کنید)؛ این برداشت را ایجاد کرد که والی زندگی و معیشت مردم محل را نمی فهمد یا برایش مهم نیست.

مشکل دیگر این بود که کمپاین اطلاع رسانی با سایر بخش های زون غذایی هلمند هماهنگ نبود. کمپاین اطلاع رسانی، خصوصا بخش رسانه های جمعی، به دلیل نوع ماهیت اش، در مقایسه با توزیع مواد زراعتی یا محو کوکنار، جمعیت بزرگ تری را در هلمند پوشش می داد. توزیع مواد زراعتی و محو کوکنار - در جایی که نیروهای بریتانیایی و افغان می توانستند زمینه دسترسی را فراهم کنند - با محدودیت امنیتی (به شکل ۲ نگاه کنید) و محدودیت مالی مواجه بود. کمپاین اطلاع رسانی با این محدودیت ها رو برو نبود، کل ولایت را در بر می گرفت و پیام های منتشره از سوی کمپاین ملی اطلاع رسانی با مشارکت وزرای حکومت افغانستان و علما^{۳۶}، آن را تقویت می کرد.

نتیجه، این پیام کلی بود که دهقان ها کمک دریافت می کنند و با اجرای برنامه محو کوکنار در معرض خطر جدی از دست دادن محصول شان قرار می گیرند. این پیام به صورت اختصاصی برای کسانی که دریافت کننده این خطر یا مزایا بود، تهیه نشده بود - این افراد بخش کوچکی از کل جمعیت را تشکیل می دهند. بسیاری از دهقان ها، به خصوص در جریان دو سال نخست زون غذایی هلمند، نه مواد زراعتی دریافت کردند و نه شاهد محو مزارع کوکنار شان بودند، امری که کمپاین اطلاع رسانی و حکومت افغانستان را زیر سوال می برد و این برداشت را به وجود می آورد که کمپاین تنها یک سر و صدای بیهوده است، چنانچه شماری از دهقان ها در مورد آن گفته بود «تنها گوز زدن است».

۳۵ مکاتبه شخصی با مقام بریتانیایی تیم بازسازی ولایتی، ۱۰ مارچ ۲۰۱۱

۳۶ نهاد خودمختار متشکل از رهبران مذهبی، تحت تمویل حکومت

۲. ۵ هرچه کشت کنی، همان را درو می کنی؟ توزیع مواد زراعتی

دومین و گران ترین بخش زون غذایی هلمند، توزیع مواد زراعتی به عنوان معیشت بدیل کوکنار بود. این بخش زون غذایی هلمند که به لحاظ تدارکاتی یک کابوس بود، بخش اعظم کمک مالی مستقیم و بخش بزرگی از وقت تیم بازسازی ولایتی و نظامی های بریتانیایی در هلمند را جذب کرد، به گونه ای که در مارچ ۲۰۱۰ چنین توصیف شد: «تیم مبارزه با مواد مخدر [مربوط به تیم بازسازی ولایتی] را به نقطه فروپاشی نزدیک کرده است.»^{۳۷}

تامین مواد زراعتی برای کمک به کشت محصول دیگر و جایگزینی کوکنار بر این اساس توجیه شد که برای کاهش مقاومت بالقوه گسترده از سوی دهقانان، چیزی باید به آنها داده شود - مقاومتی که رهبری ملکی و نظامی تیم بازسازی ولایتی و مقامات افغان در هلمند از آن هراس داشتند. گفتگوهای ابتدایی با تیم بازسازی ولایتی، به خصوص مشاورین اداره های توسعه بین المللی بریتانیا و ایالات متحده، روی اعطای مجموعه ای از بدیل های زراعتی مختلف، به شمول امکان توزیع تخم و نهال دارای ارزش مهم باغداری، متمرکز بود. با این حال، این گفتگوها پس از مدت کوتاه در اواخر اکتوبر ۲۰۰۸ به قصد پاسخ دادن به فصل معلق کشت کوکنار متوقف شد.

در حالی که تامین تخم گندم و کود کیمیاوی (یک بسته یوریا و دایامونیم فسفات) به عنوان یک استراتیژی کوتاه مدت دیده می شد - عنوان رسمی زون غذایی هلمند زمانی که در ماه جولای ۲۰۰۸ تدوین شد «پلان کوتاه مدت ولایتی مبارزه با مواد مخدر» بود - برنامه به گونه فزاینده ای به گندم به عنوان جایگزین کوکنار وابسته شد. وابستگی به گندم علی رغم تردید جدی مقامات در لندن بریتانیا و کابل و متخصصان توسعه اتفاق افتاد. در تابستان ۲۰۰۹ توصیه شد که برنامه آینده برای دوره ۲۰۱۰/۲۰۰۹ «به جای تنها جایگزین سازی، روی گوناگون سازی تمرکز کند».^{۳۸} دوباره، در مارچ ۲۰۱۰، بحث ادامه یافت و دیدگاه های مختلفی در تیم بازسازی ولایتی و بریتانیا عقلانیت توزیع تخم گندم در چنین مقیاس بزرگ در مرکز هلمند را مورد پرسش قرار داد و پرسیده شد «چگونه می توان از توزیع این مواد بهترین نتیجه را گرفت؟»^{۳۹} علی رغم طرح دوباره این نگرانی ها، تمرکز عمده زون غذایی هلمند تا پایان همچنان روی توزیع تخم گندم بود.

مراجع ذیدخل در نهادهای توسعه ای معتقد بودند که توزیع تخم گندم کمک هزینه ای «در دراز مدت به ضرر بازار است و در هر صورت به اندازه محصولات قابل فروش نقدی در مبارزه با مواد مخدر تاثیر ندارد».^{۴۰} در سال نخست، دهقان ها در تامین هزینه تخم گندم و کود کیمیاوی تنها سهم اندکی گرفتند - حدود هفت درصد. بررسی که در تابستان ۲۰۰۹ انجام شد خواستار توقف «اهدای رایگان» و «پلان گذاری به صورت چند ساله» شد.^{۴۱} در خزان ۲۰۱۰ - شروع سال سوم زون غذایی هلمند - مبلغ سهمیه مطابق پالیسی ملی وزارت زراعت، آبیاری و مالداري پرداخت می شد و ۳۵ درصد کل قیمت را تشکیل می داد. در حالی که نحوه برخورد با پول نقد جمع آوری شده^{۴۲} چالش دیگری برای تیم بازسازی ولایتی ایجاد کرده بود، کاهش کمک هزینه ای مورد استقبال قرار گرفت و تصور می شد به استراتیژی خروج کمک می کند و به عنوان بخشی از تغییر به سمت «طرح متنوع تر کمک، بر اساس استراتیژی زراعتی» تلقی می شد.^{۴۳} با این حال تمرکز زون غذایی هلمند روی تخم گندم و کود کیمیاوی ادامه یافت، به شمول تنها مقدار اندک کولتیوار (cultivar) بهاری و تابستانی در مراحل اخیر، و به سایر برنامه های توسعه ای که برای کمک به متنوع سازی زراعتی و درآمد ایجاد شده بود، متکی بود.

۳۷ زیبیدی، گ. (مارچ ۲۰۱۰). بررسی پلان ولایتی مبارزه با مواد مخدر هلمند: گزارش دوم، بررسی درخواست شده از سوی تیم مبارزه با مواد مخدر، تیم بازسازی ولایتی، هلمند.

۳۸ راید، م. و رید سی. (۲۰۰۹، اگست). بررسی پلان مبارزه با مواد مخدر هلمند. سند منتشر نشده برای واحد چند اداره ای مواد مخدر افغانستان.

۳۹ زیبیدی، جی. (۲۰۱۰، مارچ). بررسی پلان ولایتی مبارزه با مواد مخدر هلمند: گزارش دوم. بررسی درخواست شده توسط تیم مبارزه با مواد مخدر، تیم بازسازی ولایتی، هلمند، ص ۱۲.

۴۰ زیبیدی، جی. (۲۰۱۰، مارچ). بررسی پلان ولایتی مبارزه با مواد مخدر هلمند: گزارش دوم. بررسی درخواست شده توسط تیم مبارزه با مواد مخدر، تیم بازسازی ولایتی، هلمند، ص ۱۲.

۴۱ راید، م. و رید سی. (۲۰۰۹، اگست). بررسی پلان مبارزه با مواد مخدر هلمند. سند منتشر نشده برای واحد چند اداره ای مواد مخدر افغانستان.

۴۲ در خزان ۲۰۱۰، هشت کیسه پول افغانی، رویه پاکستانی و دالر امریکایی به مبلغ تخمینی ۱۰۵ میلیون دالر در یک اتاق در تیم بازسازی ولایتی در سنگر پیدا شد. پس از مدتی، این پول به یک حساب بانکی در لشکرگاه انداخته شد (گفتگوی شخصی، مقام پیشین حکومت بریتانیا، جولای ۲۰۱۵).

۴۳ زیبیدی، جی. (۲۰۱۰، مارچ). بررسی پلان ولایتی مبارزه با مواد مخدر هلمند: گزارش دوم. بررسی درخواست شده توسط تیم مبارزه با مواد مخدر، تیم بازسازی ولایتی، هلمند، ص ۱۲.

در تابستان ۲۰۱۰، انتظار می رفت برنامه زون غذایی هلمند دیگر تخم گندم توزیع نکند. گزارشی که به درخواست تیم بازسازی ولایتی تهیه شده بود به این نتیجه رسید که زون غذایی هلمند «صد در صد نیازمندی پنج ساله تخم گندم را توزیع کرده و نیازی به تکرار آن نیست».^{۴۴} گزارش چنین استدلال کرد که «حجم مصارف انکشافی که برای هلمند تعهد شده است بسیار فراتر از آن است که برنامه توزیع تخم گندم بتواند در مبارزه با مواد مخدر یا به لحاظ اقتصادی اثر بگذارد».^{۴۵} تیم بازسازی ولایتی بدون مشورت با والی بودجه ای را تصویب کرد که تنها یک میلیون دالر امریکایی را برای مبارزه با مواد مخدر تخصیص داد و گزینه توزیع تخم گندم برای یک سال دیگر با هزینه ۱۲ میلیون دالر را رد کرد.^{۴۶} رهبری تیم بازسازی ولایتی نتوانست مزایای اقتصادی و حمایت سیاسی را که والی و هم پیمانان وی از این برنامه کسب کرده بودند، درک کند. در خزان سال ۲۰۱۰، والی اصرار کرد که برنامه توزیع تخم گندم دوباره اجرا شود. اداره توسعه بین المللی ایالات متحده با تمام بی میلی^{۴۷} در دقایق آخر پا پیش گذاشت و ۴.۲۱ میلیون دالر^{۴۸} را برای تامین بخشی از کمبود منابع مالی پرداخت تا اطمینان یابد که والی برای سومین سال متوالی از برنامه تخم گندم بهره مند شود.

جدول ۲: مواد زراعتی توزیع شده از سوی برنامه زون غذایی هلمند، ۲۰۰۸-۲۰۱۱

سال	بسته	شمار استفاده کننده	موقعیت	هزینه
۰۹/۲۰۰۸	۱۰۰ کیلو گندم ۱۰۰ کیلو دایامونیم فسفات ۲۰۰ کیلو یوریا	۳۲,۸۵۰ ^۱	۶ ولسوالی	۱۲ میلیون دالر امریکایی
۱۰/۲۰۰۹	۱۰۰ کیلو گندم ۱۰۰ کیلو دایامونیم فسفات ۲۰۰ کیلو یوریا	۳۹,۶۴۰	۷ ولسوالی	۱۲.۹ میلیون دالر امریکایی
۱۱/۲۰۱۰	۱۰۰ کیلو گندم ۱۰۰ کیلو دایامونیم فسفات ۲۰۰ کیلو یوریا	۴۶,۵۳۴	۱۰ ولسوالی	۱۸ میلیون دالر امریکایی
۱	این رقم شامل ۱۹,۱۵۰ نفری است که از پروژه کیمونیکس اداره توسعه بین المللی ایالات متحده مواد زراعتی دریافت کرد و ۱۳,۷۰۰ نفری که از برنامه صرفا تخم گندم از والی کمک دریافت کرد. رایدن، م. و رید سی. (۲۰۰۹، اگست). بررسی پلان مبارزه مواد مخدر هلمند. سند منتشر نشده برای واحد چند اداره ای مواد مخدر افغانستان.			

در حالی که طرح توزیع تخم گندم و کود کیمیای به دهقانان در بدل تعهد برای ترک کشت کوکنار ساده به نظر می رسید، تطبیق آن در منطقه جنگ زده با مشکلات زیادی همراه بود. جدی ترین مشکل وضعیت امنیتی بود که در سراسر دوره زون غذایی هلمند به عنوان چالش باقی ماند، حتی اگر به مرور زمان وضعیت رو به بهبودی بوده باشد.

در سال نخست زون غذایی هلمند، سطح خشونت چنان بالا بود که توزیع تخم گندم و کود مانند یک تمرین نظامی تلقی می شد. در خزان سال ۲۰۰۸، مواد توسط نظامیان بریتانیایی به مراکز ولسوالی در لشکرگاه، گرشک، سنگین، موسی قلعه، کجکی و گرمسیر منتقل شد. با گسترش حضور نظامی، وضعیت امنیتی بهبود یافت و گسترش پوشش زون غذایی ممکن شد. در خزان سال ۲۰۱۰، مواد زراعتی از ۲۰ محل توزیع در ۱۰ ولسوالی توزیع شد و حمایت نظامی تنها برای انتقال آن به نهر سراج و بخش هایی از نادعلی و مارجه ضروری بود. وضعیت امنیتی به گونه ای بود که همه بخش های دیگر از سوی یک شرکت حمل و نقل که برای این کار استخدام شده بود، تحت پوشش قرار گرفت اما در موارد لازم کاروان های نظامی آن را همراهی می کرد. با این حال، علی رغم بهبود وضعیت، هنوز ضروری بود که نیروهای بین المللی یاری امنیت تیم مسئول را برای تحویل دهی تخم گندم و کود کیمیای به هر یک از مراکز توزیع از طریق هوا منتقل کند.

۴۴ Upper Quartile، «مبارزه با مواد مخدر و ارزیابی معیشت بدیل در هلمند»، گزارش منتشر نشده دفتر امور خارجه و کشورهای مشترک المنافع، اگست ۲۰۱۰، ص ۱۵.

۴۵ Upper Quartile، «مبارزه با مواد مخدر و ارزیابی معیشت بدیل در هلمند»، گزارش منتشر نشده دفتر امور خارجه و کشورهای مشترک المنافع، اگست ۲۰۱۰، ص ۱۵.

۴۶ اداره بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان، «مبارزه با مواد مخدر: درس هایی از تجربه ایالات متحده در افغانستان»، جون ۲۰۱۸، سیگار: واشنگتن دی سی، ص ۱۲۱. <https://www.ll.pdf-52-18-sigar.mil/pdf/lessonslearned/SIGAR>

۴۷ گفتگوی شخصی با مقام بریتانیایی تیم بازسازی ولایتی #۴۶، ۱۰ مارچ ۲۰۱۱

۴۸ اداره توسعه بین المللی ایالات متحده (۲۰۱۴) «همکاری با سکتور زراعت افغانستان، کشت کوکنار و تلاش های انکشافی USAID در افغانستان: پیش نویس» ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۴، ص ۲۹.

پس از انتقال مواد به مراکز توزیع، دهقان ها از روستاهای اطراف برای تحویل گیری تخم گندم و کود کیمیاوی سفر می کردند. همین مساله باعث می شد مشکلات بروز کند و ادعاهایی در باره فساد زون غذایی هلمند از ابتدا مطرح شود.^{۴۹} اکثر این ادعاها ناشی از آن بود که والی و سایر مقامات اصرار داشتند فهرست مستفید شوندگان تهیه شود، به جای اینکه به دهقان ها اجازه داده شود به صورت فردی ثبت نام کنند، رویه ای که مطلوب تر بود. گزارش های وسیعی وجود داشت که تخم گندم و کود کیمیاوی که قرار بود توزیع شود از سوی مقامات و موسفیدان نگهداری و سپس در بازار هلمند فروخته می شد. همچنان، گزارش های پیوسته حاکی از آن بود که فهرست نام های غیر واقعی تهیه می شد، تا به مقامات و موسفیدان اجازه دهد مواد بیشتری را تاراج کنند یا دهقان ها مجبور شوند به موسفیدان پول بپردازند تا نام شان در فهرست گنجانده شود.^{۵۰} ادعاهای دیگر فساد مربوط به کیفیت تخم توزیع شده بود. گفته می شد تخم با کیفیتی که از سوی تیم بازسازی ولایتی خریده می شود و قرار بود به دهقان ها داده شود، تبدیل می شود.^{۵۱} این ادعاها در سراسر دوره زون غذایی هلمند ادامه یافت و سبب دستگیری مقامات، به شمول مشاور خود والی منگل شد.

مشکلات دیگر توزیع تخم گندم ناشی از وضعیت امنیتی بود، به خصوص در سال های نخست. توزیع به موقع تخم گندم یک چالش اصلی بود. فصل کشت گندم محدود است و تحت تاثیر میزان حرارت و مقدار بارندگی تغییر می کند. توزیع دیر هنگام^{۵۲}، مانند اتفاقی که در خزان ۲۰۰۸ افتاد، وقتی سرمای غیر معمول سبب کشت قبل از وقت شد، باعث گردید دهقان ها از دریافت نکردن تخم در زمان مناسب، شکایت کنند.^{۵۳} ناامنی حتی پس از رساندن مواد به مراکز ولسوالی، سبب تاخیر شد. برای مثال، دهقان هایی که در ساحات تحت کنترل طالبان زندگی می کردند در مورد بازگشت از مراکز ولسوالی با تخم گندمی که از سوی حکومت داده می شد، ساکت بودند. برخی از آنها تخم گندم را در بوجی های ساده که مرجع توزیع گندم را نشان نمی داد دوباره بسته بندی می کردند، که بازگشت شان به خانه را به تاخیر می انداخت. دهقان های دیگر تخم گندمی را که از سوی برنامه زون غذایی هلمند دریافت کرده بودند در بازار ولسوالی یا ولایت می فروختند تا از سوی طالبان متهم به دریافت کمک حکومتی نشوند. بازار پر جنب و جوشی برای تخم گندم و کود کیمیاوی که از طریق برنامه زون غذایی هلمند توزیع شده بود به وجود آمد.

کسانی که این کمک را دریافت نکردند نیز با این برنامه سر ستیز داشتند. با تحلیل حسگر از راه دور حدود ۱۲۵،۰۰۰ مجموعه خانواده در محدوده زون غذایی هلمند مستندسازی شده بود و هر سال اکثر آنها کمک دریافت نمی کردند.^{۵۴} این واقعیت که برخی از اعضای با نفوذ تر روستا ها همه ساله مواد زراعتی دریافت می کردند این روایت محلی را تقویت کرد که مقامات حکومتی هلمند به فساد و شبکه های حمایتی آلوده اند. وقتی کمپاین محو کوکنار نیز مد نظر گرفته شد، تصویر حکومت در نزد مردم بدتر شد؛ نگاه غالب این بود که بیشتر احتمال دارد مزارع کوکنار افراد فقیر و فاقد ارتباط با شبکه های حمایتی تخریب شود اما احتمال اندکی وجود دارد که این افراد کمک های انکشافی دریافت کنند. چنانچه در بخش های بعدی خواهد آمد، این مساله هم در داخل زون غذایی هلمند و هم خارج از آن بر نگرش مردم نسبت به حکومت تاثیر جدی داشت.

۴۹ یادداشت، مامور پروژه اداره توسعه بین المللی بریتانیا، ۲۳ جون ۲۰۰۹.

۵۰ منسفیلد، دی. «مطالعه تاثیرات محو کوکنار» گزارش منتشر نشده برای واحد چند اداره ای حکومت بریتانیا برای مواد مخدر افغانستان، ص ۴۰.

۵۱ جین مکینزی، «پول خوب در راه بد در افغانستان»، گلوبل پست، ۱۸ جنوری ۲۰۱۰.

۵۲ گفتگوی شخصی با مقام بریتانیایی تیم بازسازی ولایتی در لشکرگاه، فیروزی ۲۰۰۹.

۵۳ منسفیلد دی. (۲۰۰۹) تداوم زوال؟ فهم ماهیت تغییر در معیشت روستایی خانوارهای درگیر کشت کوکنار در فصل کاشت ۲۰۰۸/۲۰۰۹. گزارشی برای واحد چند اداره ای حکومت بریتانیا برای مواد مخدر افغانستان، ص ۴۰.

۵۴ اطلاعات Alcis، ۹ اگست ۲۰۱۷.



شکل ۵: تراکتورها در حال عملیات محو کوکنار به رهبری والی، هلمند

۳.۵ مانند دزدی در شب؟ محو کشت کوکنار

به صورت رسمی، بخش نهایی زون غذایی هلمند تنفیذ قانون و محو کوکنار بود. در واقع، این عنصر تنها شامل تخریب مزارع کوکنار می شد؛ مسئولیت ممنوعیت آن به عهده مقامات تنفیذ قانون در حکومت افغانستان، ایالات متحده و بریتانیا بود و ربطی به بخش های دیگر زون غذایی هلمند نداشت و عمدتاً در منطقه برمچه در مرز پاکستان اتفاق افتاد که با «زون غذایی» ۲۴۰ کیلومتر فاصله دارد.

محو کوکنار همیشه اختلاف برانگیز ترین بخش برنامه زون غذایی هلمند (و مبارزه با مواد مخدر در افغانستان) بود، به خصوص با توجه به گذشته این کار در این ولایت. از سال ۲۰۰۰ به بعد، کمپاین محو کوکنار به شکلی از اشکال هر ساله در هلمند اجرا شده است. اشکال محو کوکنار شامل تخریب قسمت هایی از مزارع کوکنار در زمان طالبان در سال های ۲۰۰۱/۲۰۰۰ در فصل کشت و نیز کمپاین محو کوکنار در بدل پرداخت مشوق تحت حمایت بریتانیایی ها در اوایل ۲۰۰۰ می باشد. محو کوکنار در هلمند نوعاً با استفاده از تراکتور و پس از تاسیس نیروی محو کوکنار افغانستان (AEF) با استفاده از واسطه نقلیه همه جا رو (All-Terrain Vehicle) انجام شده است. تیمی از مردان چوب به دست نیز در سال های ۲۰۰۳/۲۰۰۲ در فصل کشت و در ۲۰۰۴/۲۰۰۳ زمانی که شیر محمد آخند زاده والی بود، به این هدف به کار گرفته شده است.

پس از سال ۲۰۰۶، محو کوکنار در هلمند نهادینه تر/رسمی تر شد. محو کوکنار از طریق دو عملیات مجزا انجام می شد که کمپاین هردوی آن در فصل بهار راه اندازی می شد. عملیات نخست، محو کوکنار به رهبری والی (GLE)، شمار زیادی از تراکتورها را به کار می گرفت (به شکل ۵ نگاه کنید). این عملیات تحت حفاظت پولیس ملی افغانستان و با مدیریت کمیته محو کوکنار والی هلمند انجام می شد.

عملیات دوم، نیروی محو کوکنار افغانستان (AEF) که بعداً به نام نیروی محو کوکنار (PEF) مسمی شد همزمان از تراکتور و وسایط همه جا رو استفاده می کرد. این عملیات با حمایت شمار زیاد نیروی امنیتی و کمک تدارکاتی انجام می شد (به شکل ۶ و ۷ نگاه کنید). عملیات دوم با تمویل حکومت ایالات متحده و با هزینه حدود ۶۰ میلیون دالر در سال انجام می شد و شرکت قراردادی خصوصی داین کورپ آن را تطبیق می کرد.^{۵۵} عملیات نیروی محو کوکنار افغانستان/نیروی محو کوکنار بین سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ تا زمانی ادامه یافت که منابع مالی آن از سوی اداره اوباما قطع شد. هرچند این نیرو از کابل اعزام می شد و به لحاظ نظری می توانست در هر بخش کشور عملیات کند، در جریان فصل محو کوکنار بخش اعظم وقت خویش را در هلمند می گذراند؛ بیش از ۹۰ درصد عملیات محو کوکنار از سوی این نیرو بین سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ انجام شد (به شکل ۸ نگاه کنید).

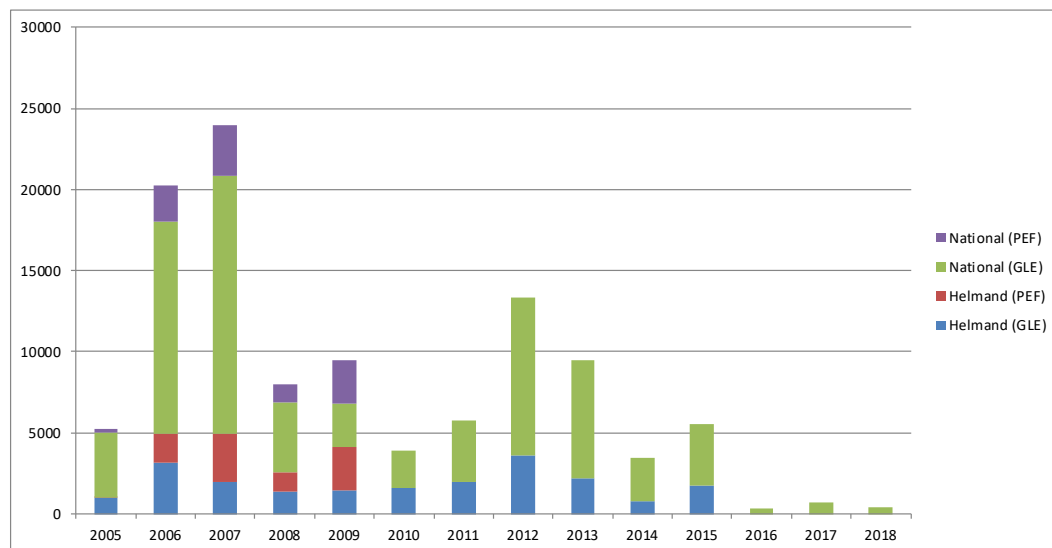


شکل ۶: نیروی محو کوکنار افغانستان/نیروی محو کوکنار در حال عملیات
با وسایط نقلیه همه جا رو و حمایت پولیس ملی افغانستان، هلمند



شکل ۷: کمپ استقرار نیروی محو کوکنار افغانستان/نیروی
محو کوکنار در منطقه صحرائی شمال بغرا، هلمند

شکل ۸: برآورد محو کوکنار در هلمند و کل کشور، ۲۰۱۸-۲۰۰۵



هم عملیات محو کوکنار به رهبری والی و هم عملیات نیروی محو کوکنار افغانستان/نیروی محو کوکنار در طی سال ها در معرض حملات خشونت بار قرار داشت که به تلفات شماری از پرسونل انجامید. ادعاهای متعدد فساد در مورد هر دو نیرو وجود داشت. گزارش ها نشان می داد که دهقان ها می توانستند در بدل پرداخت پول از محو کوکنار نجات یابند.^{۵۶} ارزیابی سطح تخریب محصول کوکنار توسط هر دو عملیات بسیار مشکل زا بود، به خصوص با وجود ناامنی شدید.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد در ابتدا نسبت به درگیر شدن در واریسی برنامه محو تمایلی نداشت، نگران امنیت کارمندان خویش و تاثیر بالقوه تایید برنامه محو کوکنار بر تطبیق سروی سالانه خویش بود. علی رغم تردید این اداره، مسئولین آن ترغیب شد تا برنامه محو کوکنار را واریسی کنند^{۵۷} و وجه مالی آن از سوی بریتانیا و ایالات متحده پرداخت می شد. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد روشی را به کار گرفت که در آغاز متکی به بازدید از مناطق روستایی بود که کمپاین محو کوکنار در آن تکمیل شده بود اما نگرانی های فزاینده در باره ارقام مبالغه آمیز در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ سبب شد از تصاویر حسگر از راه دور بیشتر استفاده شود. برای این کار خواستار حمایت فنی پوهنتون کرنفیلد شدند.^{۵۸} ارقام مربوط به محو کوکنار در سایر ولایات نیز به همین اندازه نامعتبر است.

چالش های روش شناختی و امنیتی مربوط به واریسی محو کوکنار تحت تاثیر سیاست محو کوکنار تشدید شد. مهم ترین موضوع مربوط به سیاست این بود که محو کوکنار به مثابه سنجه ای استفاده می شد که عملکرد مراجع ذیدخل در تحقق اهداف مبارزه با مواد مخدر مرتبط با دولت سازی و نیز دستاوردهای نهادی و فردی، بر اساس آن قضاوت می شد.^{۵۹} این امر سبب شد مسئولین افغان موضوع را فراتر از حد واقعی گزارش دهند و مراجع بین المللی به ارقام مبالغه آمیز متوسل شوند. این مساله خصوصا با گزارش غیر واقعی نیروی محو کوکنار افغانستان/نیروی محو کوکنار در بهار ۲۰۰۷ آشکار شد و به بررسی و سر انجام کاهش ارقام گزارش منجر شد.^{۶۰}

۵۶ گوردون، اس. تسخیر قلب و ذهن؟ بررسی رابطه بین کمک و امنیت در ولایت هلمند افغانستان (میدفورد، م. ا: مرکز بین المللی فاینستاین، پوهنتون تافتس، ۲۰۱۱)، ص ۲۸.

۵۷ این پروژه در سال ۲۰۰۴/۲۰۰۵ شروع شد و به نام «کمک به واریسی پروسه محو کشت کوکنار» یاد می شد. پروژه به صورت مشترک با وزارت مبارزه با مواد مخدر و وزارت امور داخله تطبیق می شد و روی محو کوکنار به رهبری والی متمرکز بود. قبل از این، هیچ نظارت مستقل بر برنامه محو کوکنار وجود نداشت و نگرانی های جدی وجود داشت که شماری از ولایات، به شمول هلمند، میزان محو کوکنار را بیش از اندازه واقعی گزارش می داد. برای مثال، در فصل کشت سال های ۲۰۰۲/۲۰۰۳، مقامات افغان گزارش دادند که ۲۱،۴۳۰ هکتار کوکنار نابود شد. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد این ارقام را در سروی سالانه شان ذکر کردند اما یاد آور شدند که «سروی ۲۰۰۳ کوکنار در افغانستان نه تحت نظارت بوده، نه مؤثریت کمپاین محو کوکنار را ارزیابی کرده است» (به «سروی ۲۰۰۳ کوکنار در افغانستان» نگاه کنید، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد: کابل، ۲۰۰۳، ص ۵۳). در سال ۲۰۰۴، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد ارقام محو کوکنار را گزارش نداد (به «سروی ۲۰۰۴ کوکنار در افغانستان» نگاه کنید، دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد: کابل، ۲۰۰۴، ص ۷۷).

۵۸ نگرانی در باره درستی ارقام اکثرا در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۶ وارد بود، زمانی که مجموع محصول تخریب شده به ترتیب ۱۵،۳۰۰ هکتار و ۱۹،۵۱۰ هکتار گزارش شده بود (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد، ۲۰۱۰: ۴۲). این ارقام آشکارا بالاتر از سطح محو کوکنار پیش از آن است. گزارش چالش های مرتبط به پروسه واریسی محو کوکنار در جریان سال های اولیه و خلاصه روش شناسی در سروی ۲۰۰۶ کوکنار در افغانستان (۲۰۰۶، ۶۴-۶۵) قابل دسترس است.

۵۹ نیومن، ر. ی. جنگ دیگر: برد و باخت در افغانستان. (واشنگتن، دی سی: کتاب های پوتوماک، ۲۰۰۹).

۶۰ پوهنتون کرنفیلد از گزارش نیروی محو کوکنار افغانستان و تصاویر ماهواره ای که قبل و بعد از کمپاین محو کوکنار در سال های ۲۰۰۶/۲۰۰۷ گرفته شده بود استفاده کرد تا میزان مبالغه ارقام در گزارش و احیای محصول تریاک را نشان دهد.

محو کوکنار به رهبری والی از عین مشکلات رنج می برد و قبل از ۲۰۰۸ از اعتبار کم برخوردار بود، به خصوص به این دلیل که حکومت های ایالات متحده و بریتانیا مبالغ سخاوتمندانه ای را برای هر هکتار مزرعه تخریب شده کوکنار^{۶۱} می پرداختند، امری که مشوق بیشتری برای ارائه گزارش های مبالغه آمیز و طرح ادعای فساد علیه خود والی منگل را فراهم ساخت.^{۶۲} با توجه به منفعت جدی ارقام بلند محو کوکنار، کارمندان دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد که در ساحه برای بررسی وضعیت محو کوکنار کار می کردند تحت فشار شدید قرار گرفتند تا میزان محصول تخریب شده را در گزارش بیش از حد واقعی ثبت کنند. فشار بر مامورین واریسی - همراه با درک این موضوع که مزارعی که به صورت درست نابود نشود می تواند با آبیاری و کود کیمیاوی احیا شود - نشان داد که لازم است ارقام محو کوکنار به صورت دقیق بررسی شود. در سال پایانی زون غذایی هلمند، پس از ختم کار نیروی محو کوکنار افغانستان، نظارت بر محو کوکنار به رهبری والی افزایش یافت. تراکتورها با سیستم موقعیت یابی جهانی (GPS) مجهز شد تا وسایط را ردیابی کرده و زمینه بررسی روزمره حرکت آنها را ممکن سازد.^{۶۳}

با تاکید اداره اوباما بر مبارزه با شورش گری (مثلا، «پاداش مردم است») و تعیین ریچارد هالبروک، مخالف صریح محو کوکنار، حکومت ایالات متحده موافقت کرد رویکرد هدفمندتری برای محو کوکنار در هلمند به کار گرفته شود و تخریب مزارع در مناطق مولدتر تحت پوشش کانال متمرکز شد. در نتیجه، بر عکس کمپاین محو کوکنار به رهبری ولی در فصل کشت سال های ۲۰۰۸/۲۰۰۷ و ۲۰۰۹/۲۰۰۸ - که بر اثر آن جوامع حاشیه نشین و زمین های کم ثمرتر هدف تخریب کوکنار بود و نیروی محو کوکنار افغانستان/نیروی محو کوکنار روی مناطق قبلا صحرایی در شمال بغرا تمرکز داشت - ۹۵ درصد تخریب کوکنار در فصل کشت ۲۰۱۰/۲۰۰۹ در زمین های مولدتر زراعتی اتفاق افتاد، جایی که تخم گندم و کود کیمیاوی توزیع شده بود. این کار با هدف اولیه زون غذایی هلمند تطابق داشت.^{۶۴} به علاوه، با افزایش چشم گیر شمار نیروهای ملی امنیتی دفاعی افغانستان و نیروهای نظامی بین المللی در مرکز هلمند، دهقان ها متوجه شدند که فرصت اندکی برای رشوت دادن به تیم محو کوکنار و اجتناب از تخریب مزارع کوکنار وجود دارد. با فرا رسیدن فصل کشت ۲۰۱۰/۲۰۰۹، محو کوکنار در منطقه تحت پوشش کانال قاطع تر اجرا می شد؛ دهقان ها مدعی شدند که تخریب مزارع کوکنار نسبت به کمپاین های پیشین جامع تر بود و زمین های اندکی نجات یافت. بر اساس گزارش، حتی تلاش برای رشوت دادن به تیم های محو کوکنار رد می شد زیرا تیم های محو می دانستند که تحت نظارت شدید قرار دارند.^{۶۵}

واقعیت این بود که افزایش نیروهای نظامی بین المللی و افغان باعث تخریب کمتر مزارع تریاک در مرکز هلمند شد زیرا دهقان های بیشتری از کشت کوکنار منصرف شدند. در حالی که حتی در ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ وقتی که دهقان ها کمپاین محو کوکنار را «دزدی در شب» می خواندند و از آن به عنوان اقدام کوتاه مدت - یک حمله - و از نبود حضور پایدار دولت یا خدمات رسانی، انتقاد می کردند، در اواخر ۲۰۱۰، حضور نظامی دایمی در مناطق تحت آبیاری کانال در ناد علی، ناوه بارکزی و لشکرگاه به صورت گسترده حس می شد. بسیاری از دهقان ها در این مناطق مرکزی با آگاهی از آنچه مارتین (۲۰۱۰) به عنوان «وجود یک پایگاه آیساف در هر دو راهی»^{۶۶} یاد می کند، خطر محو کوکنار را جدی می دیدند و از هزینه فرصت ناشی از تخصیص زمین، کار شدید، آب و کود برای محصولی که در آخر فصل در معرض تخریب است، مطلع بودند.

در این مرحله زون غذایی هلمند، تنها خطر محو کوکنار نبود که دهقان ها در مناطق تحت تسلط حکومت افغانستان و ناتو از آن می ترسیدند، دستگیری و زندانی شدن نیز ممکن بود. در خزان سال ۲۰۱۰، بر اساس طرح والی منگل، دهقان هایی که کوکنار کشت کرده بودند ممکن بود دستگیر شوند و تا زمانی که خانواده های آنها تضمین بدهند که مزرعه کوکنار تخریب شده و جریمه پرداخته اند، در زندان بمانند.^{۶۷} این طرح نوعی «محو خود انگیخته» بود که در سال ۲۰۰۵ به گونه موفقانه در ننگرها اجرا شده بود.^{۶۸} در اواخر سال ۲۰۱۰، زندان های هلمند رو به شلوغی بود و تیم بازسازی ولایتی از وضعیت حقوق بشری زندانیان نگران بود.^{۶۹} شکایت هایی نیز وجود داشت که پول هایی که بابت آزادی این زندانی ها گرفته شده است رشوت است و این مساله باعث دوری بیشتر جوامع روستایی از حکومت می شد.

۶۱ این مبلغ در ابتدا ۱۲۰ دالر امریکایی بابت تخریب هر هکتار مزرعه کوکنار بود، قبل از آنکه در سال ۲۰۰۹ به ۱۳۵ و در سال ۲۰۱۰ به ۲۵۰ دالر افزایش یابد. حکومت ایالات متحده بین سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ تنها بابت مزارعی که در منطقه مورد نظر تخریب شده بود، می پرداخت. در سال ۲۰۱۳ اما این کشور به شیوه قبلی باز گشت و بدون درنظرداشت موقعیت تخریب کوکنار، به شمول مناطق خارج از زون غذایی هلمند، به والی پاداش می داد.

۶۲ گفتگوی شخصی، مقام ارشد بریتانیایی تیم بازسازی ولایتی، ۷۳#، جون ۲۰۱۱

۶۳ کوپر کولس، اس. گزارش هایی از کابل: داستان پنهان مبارزه غرب در افغانستان (لندن: انتشارات هارپر، ۲۰۱۱) صص ۸۶-۸۷؛ دفتر حسابرسی حکومت ایالات متحده (۲۰۱۰)، «کنترل مواد مخدر افغانستان: تحول و پیشرفت استراتژی گزارش شده اما اهداف اجرایی موقت و ارزیابی تلاش های اصلاح عدالت ضروری است»، دفتر حسابرسی حکومت، ۲۹۱۰-۲۹۱۰، مارچ ۲۰۱۰، ص ۱۱.

۶۴ منسفیلد، دی. OSDR و Alcis Ltd. مدیریت خطرات همزمان و مکرر: توضیح کاهش تولید تریاک در مرکز هلمند بین سال های ۲۰۱۱-۲۰۰۸. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۱، صص ۲۴-۲۵.

۶۵ منسفیلد، دی. OSDR و Alcis Ltd. مدیریت خطرات همزمان و مکرر: توضیح کاهش تولید تریاک در مرکز هلمند بین سال های ۲۰۱۱-۲۰۰۸. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۱، صص ۳۹-۴۰.

۶۶ مایک مارتین، جنگ درونی: تاریخ شفاهی منازعه هلمند (هرست: لندن، ۲۰۱۴)، ص ۲۴۹.

۶۷ منسفیلد، دی. OSDR و Alcis Ltd. مدیریت خطرات همزمان و مکرر: توضیح کاهش تولید تریاک در مرکز هلمند بین سال های ۲۰۱۱-۲۰۰۸. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۱، صص ۴۰.

۶۸ منسفیلد، دی. (۲۰۰۵ الف). طردشدگی یا فقر؟ ممنوعیت تریاک در ولایت ننگرهار در فصل کشت ۲۰۰۴-۲۰۰۵ و تاثیر آن بر استراتژی های معیشت روستایی. پروژه اداره همکاری های تخنیکي آلمان برای معیشت بدیل در شرق افغانستان: سند داخلی شماره ۱۱، صص ۸-۷.

۶۹ گفتگوی شخصی، مقام پیشین تیم بازسازی ولایتی ۴۶#، جولای ۲۰۱۵.

دستگیری و زندان برای خود دهقان ها مشکل بزرگی بود. این کار آنها را از فعالیت های زراعتی فصلی باز می داشت؛ فعالیت هایی که زمانمند است و نمی شود آن را دیرتر و پس از فرا رسیدن فصل، کاهش آب یا وقتی که سایر فعالیت های دهقانی باید اجرا شود، انجام داد. زندانی شدن دهقان ها سبب می شد زنان و کودکان خانوار برای چندین روز بدون مرد بالغ می ماندند و بنا بر این، محافظت نشده و در برابر حمله، دستبرد و سایر اشکال خشونت آسیب پذیر بودند. نکته آخر اینکه زندانی ها نگران بودند در دوره زندان با ضرب و شتم و رفتار بد مواجه شوند و هزینه های بزرگی را برای آزادی خود بپردازند.

در بهار سال ۲۰۱۰، تلاش دیگری برای «محو خود انگیخته» کوکنار وضعیت در هلمند را پیچیده تر ساخت، تلاشی که این بار از سوی لوی اعزامی تفنگداران دریایی ایالات متحده انجام شد و بخشی از برنامه آنها برای بیرون راندن طالبان از ولسوالی مرکزی مارجه را تشکیل می داد. این ولسوالی قبلاً بخشی از ناد علی بود. این کار در جریان عملیات مشترک انجام شد و هرچند این ابتکار به صورت رسمی به نام برنامه انتقال سریع زراعتی مارجه یاد می شد که در اواخر اپریل ۲۰۱۰ راه اندازی شده بود، از دهقان ها می خواست مزارع کوکنارشان را در بدل دریافت ۳۰۰ دالر بابت هر هکتار تخریب کنند.^{۷۰} برنامه انتقال سریع زراعتی مارجه یک تلاش ناقص بود. در نتیجه ای آن، پوشش رسانه یی نیروهای دریایی ایالات متحده را در حال قدم زدن در مزارع در حال شگوفه کوکنار نشان می داد و باعث انتقاد شدید از سوء عملکرد در این زمینه شد.^{۷۱} برنامه انتقال سریع زراعتی مارجه با آگاهی از کمپاین محو کوکنار در مقابل پاداش که در بهار ۲۰۰۲ از سوی بریتانیا در هلمند اجرا شده بود، کوشید میکانیزم پاداش دهی را تغییر دهد و پرداخت پاداش را به پاک سازی مزارع کوکنار و کاشت محصول اول تابستانی مانند سبزی یا پنبه مشروط کرد.^{۷۲} این کار محو کوکنار در مقابل پاداش بود که با نام دیگر اجرا می شد و انتقاد جدی تیم بازسازی ولایتی،^{۷۳} اداره مواد مخدر بین المللی و امور تنفیذ قانون، والی منگل و وزارت مبارزه علیه مواد مخدر در کابل را بر انگیخت.

این انتقاد توجیه شد. از آنجایی که در بهار ۲۰۱۰، آفت مزارع کوکنار را فرا گرفت، برداشت محصول در آغاز هفته سوم اپریل تکمیل شد. ناکامی در تایید فوری این موضوع که دهقان ها مزارع کوکنارشان را تخریب کرده اند سبب شد پرداخت پاداش به بعد از برداشت محصول به تعویق بیفتد.^{۷۴} به علاوه، برنامه انتقال سریع زراعتی مارجه با پیام های قبلی که پیش از شروع عملیات مشترک از طریق سران قبیله و ملک^{۷۵} ها پخش شده بود، تناقض داشت. این پیام به دهقان ها گفته بود اگر مردم از تلاش حکومت برای پاک سازی منطقه از وجود شورشیان کمک کنند، محصول آنها تخریب نخواهد شد. تغییر پالیسی و درخواست از دهقان ها برای تخریب محصول شان پس از استقرار نظامی ها در منطقه این موضع را تضعیف و جمعیت محلی را از حکومت دور ساخت.

در کل، تدوین پالیسی منسجم برای محو کوکنار از سوی چندین طرف درگیر در هلمند ناممکن ثابت شد، حتی در درون زون غذایی هلمند که قرار بود یک برنامه واحد باشد. تخریب محصول تنها برای آن عده مقامات گزینه جذاب بود که در صدد دستیابی به اهداف کوتاه مدت در منطقه مورد نظر و تحت کنترل خود شان بود. این برداشت که کاهش سطح کشت کوکنار مترادف کنترل بیشتر و «عملکرد خوب» است - خواه مربوط به تیم بازسازی ولایتی باشد یا یک گروه یا لوی نیروی نظامی یا والی - سبب شد انگیزه توسعه ساحه محو کوکنار، بدون در نظر داشت وضعیت یا پالیسی موجود، تشدید شود.

در نتیجه، تلاش ها برای هدف قراردادن محو کوکنار در داخل محدوده زون غذایی هلمند چالش برانگیز شد. تا زمانی که نیروی محو کوکنار افغانستان/نیروی محو کوکنار فعال بود، اداره مواد مخدر بین المللی و امور تنفیذ قانون می خواست مزارع بیشتری تخریب شود - حتی به سطحی که تخمین آن بسیار مبالغه آمیز به نظر می رسید. اغلباً این بدان معنی بود که اداره مواد مخدر بین المللی و امور تنفیذ قانون (نیروی محو کوکنار)، را تاکید می کرد از شمال کانال بغرا به سمت مناطق قبلاً صحرایی خارج از زون غذایی هلمند پیش برود، جایی که محل تمرکز کوکنار بود، تدارک آسان تر بود و باشنده های آن از نفوذ کمتری بر مقامات در کابل و لشکرگاه برخوردار بودند. همچنان، جمعیت این مناطق به لحاظ اقتصادی در حاشیه بودند و از کمک های انکشافی بهره ای نمی گرفتند.

۷۰ خدمات تحقیقاتی کنگره، «افغانستان، مواد مخدر، و پالیسی ایالات متحده»، خدمات تحقیقاتی کنگره، RL۳۲۸۶، ۱۵ جولای ۲۰۱۰، صص ۱۵-۱۶.

۷۱ راد نوردلند، «ایالات متحده تریاک در شهر افغانستان را نادیده می گیرد»، نیویارک تایمز، ۲۰ مارچ ۲۰۱۰، <https://www.nytimes.com/2010/03/21/world/asia/21marja.html>؛ دیان نیسنام، «برداشت کوکنار در افغانستان چالش بعدی تفنگداران دریایی ایالات متحده است»، مک کالاجی، ۱۶ مارچ ۲۰۱۰، <https://www.mccclatchydc.com/news/nation-world/>؛ جیمز کلارک، «برداشت بذر حمایت: تفنگداران دریایی از طریق برنامه انتقال زراعتی به تغییر محصول کمک می کنند»، نیروی اعزامی تفنگداران دریایی، ۲۰ اپریل ۲۰۱۰، <https://archive.is/10MT6>.

۷۲ مارک چیشولم، «تفنگداران دریایی به دهقان های افغان برای تخریب مزارع تریاک پول می پردازند»، رویترز، ۱۵ اپریل ۲۰۱۰.

۷۳ تیم بازسازی ولایتی، «بذیل پیشنهادی تیم بازسازی ولایتی به جای «برنامه اعطای قرضه کوچک مارجه» آیساف، لوی اعزامی تفنگداران دریایی و برنامه پاسخ اضطراری فرماندهان»، ۲۰۱۰.

۷۴ منسفیلد، دی. «مطالعه تأثیرات محو کوکنار» گزارش منتشر نشده برای واحد چند اداره ای حکومت بریتانیا برای مواد مخدر افغانستان، می ۲۰۱۰، صص ۹-۱۰.

۷۵ بزرگ قبیله

به مرور زمان، والی منگل نیز خواستار عبور از کانال و تخریب محصول در مناطق قبلا صحرایی شد. این کار راهی بود برای اعمال اختیارات وی در این مناطق و جمعیت ساکن آن. برای دستیابی به این امر دشوار، محدوده زون غذایی هلمند توسعه یافت تا ساحاتی را که جمعیت آن هیچ بدیلی برای کوکنار نداشتند در بر گیرد، به دلیل اشغال آنچه زمین های دولتی تلقی می شد مستحق کمک نبودند و، چنانچه در بخش بعدی بیان خواهد شد، عمدتاً به این دلیل به این مناطق فرار کرده بودند که در منطقه تحت آبیاری کانال کشت کوکنار ممنوع بود و آنها از کمک های انکشافی بهره نگرفته بودند. تلاش برای محو کوکنار در این مناطق و مقاومت ناشی از آن این باور را در میان دهقان ها در منطقه کانال تقویت کرد که تنها راه محافظت از محصول شان دست زدن به مقاومت خشونت آمیز است، کاری که در صورت لزوم با حمایت شورشیان انجام می شد.

برنامه انتقال سریع زراعتی مارجه نمونه دیگر پالیسی ناهمگون و نامنسجم در جریان تطبیق زون غذایی هلمند بود. پس از نشر این پیام که محصول تریاک تخریب نخواهد شد، تفنگداران دریایی دست به این تغییر سیاست زد که در نتیجه به وجه مقامات حکومتی افغانستان و موسفیدانی که قبل از راه اندازی عملیات مشترک به دهقان ها گفته بودند مزارع شان تخریب نمی شوند، آسیب زد. به علاوه، لوی اعزامی تفنگداران دریایی کمپینی را برای محو کوکنار در مقابل پاداش راه اندازی کردند که مکرراً در افغانستان زینبختش ثابت شده بود. علی رغم انتقاد اداره مواد مخدر بین المللی و امور تنفیذ قانون، سفارت بریتانیا در کابل و والی منگل، هیچ راهی برای محدود کردن این برنامه نبود؛ دیدگاه مقامات در واشنگتن این بود که «مدیریت وضعیت در مارجه بدون استراتژی منظم» وظیفه آنها نیست. یک مقام بریتانیایی در صحبت در باره برنامه انتقال سریع زراعتی مارجه، مدعی شد که «به صورت عمومی [فهمیده شده بود که] این کار به نتیجه نمی رسد اما هیچ کسی - حتی [جنرال] پتریوس - نمی توانست تفنگداران دریایی را متوقف کند».^{۷۶}

نتیجه این نبود که پالیسی محو کوکنار زون غذایی هلمند نامنسجم است، نتیجه این بود که خود زون غذایی هلمند نامنسجم است. هرچه باشد، هدف زون غذایی این بود که کمک های انکشافی، برنامه محو و پیام رسانی در باره مبارزه با مواد مخدر به یک ساحه و جمعیت مشترک تنظیم شود. این کار اتفاق نیفتاد. در حالی که همگان در داخل و خارج زون غذایی هلمند از موضع پالیسی حکومت افغانستان در باره تولید تریاک آگاه بودند و شاید حتی پیام مشابهی را در ولسوالی شان از والی منگل و افراد وی شنیده باشند، تهدید محو کوکنار در زمان و مکان های مختلف متفاوت بود و به ندرت منطبق بر جمعیت محدودی بود که عملاً مواد زراعتی توزیع شده از سوی زون غذایی هلمند را دریافت می کردند. همین ناسازگاری باعث شد که بررسی حکومت بریتانیا در سال ۲۰۰۹ نتیجه گیری کند که «[محو کوکنار] اگر بدون بدیل باشد یا به شیوه غارتگرانه اجرا شود، تأثیرات مخربی به بار خواهد آورد»^{۷۷} و بررسی دیگر در سال ۲۰۱۰ محو کوکنار را به عنوان «ابزار خطرناک» عنوان کرد که «می تواند مردم را علیه حکومت بشوراند»^{۷۸} با این حال، علی رغم این ارزیابی ها و مشکلاتی که آثار آن به مرور آشکار می شد، زون غذایی هلمند ادامه یافت، و چنانچه در بخش بعدی بیان می شود، به نتایج متضاد - و اغلب متناقض - انجامید.

۷۶ گفتگوی شخصی، مقام پیشین بریتانیایی، ۱۰#، می ۲۰۱۶.

۷۷ رایدر، م. و رید سی. (۲۰۰۹، آگست). بررسی پلان مبارزه مواد مخدر هلمند. سند منتشر نشده برای واحد چند اداره ای مواد مخدر افغانستان.

۷۸ زبیدی، گ. (مارچ ۲۰۱۰). بررسی پلان ولایتی مبارزه با مواد مخدر هلمند: گزارش دوم، بررسی درخواست شده از سوی تیم مبارزه با مواد مخدر، تیم بازسازی ولایتی، هلمند، ص ۷.

۶. زون غذایی هلمند: نتایج

زون غذایی هلمند همزمان با شماری از برنامه های مختلف در هلمند اتفاق افتاد، و لازم است برای ارزیابی تأثیرات کلی زون غذایی هلمند هم در زمان تطبیق و هم پس از آن، همه این برنامه ها مد نظر گرفته شود. برجسته ترین آنها پاسخ به شورش فزاینده در سراسر افغانستان به خصوص در جنوب و افزایش چشم گیر نیروهای نظامی ملی و بین المللی در این ولایت بین سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ بود - آنچه بعدا به نام «افزایش نیرو (surge)» خوانده می شد.

در سال ۲۰۰۸، قبل از راه اندازی زون غذای هلمند و شروع رسمی «افزایش نیرو»، وضعیت پر مخاطره امنیتی در هلمند سبب استقرار یک کندک تفنگ داران دریایی ایالات متحده در گرمسیر در بخش جنوبی ولایت شد. در عین حال، کندک دیگر تفنگ داران دریایی امریکا بین گرشک در مرکز هلمند و موسی قلعه و نوزاد در شمال تقسیم شد. در تابستان ۲۰۰۸، نیروهای بریتانیایی به عنوان بخشی از عملیات چشم عقاب و تامین امنیت مسیر برای بیش از ۴,۰۰۰ سرباز بریتانیایی، امریکایی، کانادایی، استرالیایی و دنمارکی که در خزان همان سال برای انتقال توربین به بند کجکی موظف شده بودند، به سمت شمال در گرشک فرستاده شدند. عملیات دیگری تحت نام خنجر سرخ به هدف تصفیه منطقه نادعلی از وجود طالبان در دسامبر ۲۰۰۸ اتفاق افتاد که شامل ۱,۵۰۰ سرباز بریتانیایی بود.

در سال ۲۰۰۹، چندین عملیات نظامی پیاپی در بهار و تابستان رخ داد: شمشیر آبی، ظفر، پنجه پلنگ و خنجر. این عملیات ها موجب استقرار تقریباً ۴,۰۰۰ سرباز بریتانیایی، دنمارکی و استونیایی و ۱۱,۰۰۰ تفنگ دار نیروی دریایی امریکا در ولسوالی های مرکزی نادعلی و مارجه شد. هدف آن تصفیه شورش در آن مناطق بود. در نهایت، عملیات مشترک برای تصفیه مارجه در فبروری ۲۰۱۰ اتفاق افتاد که در بر گیرنده ۱۵,۰۰۰ نیروی امریکایی، دنمارکی، بریتانیایی و افغان بود. تأثیر مجموعی این عملیات ها به مرور زمان تثبیت حضور قاطع نظامی در منطقه ای بود که زون غذایی هلمند در آن تطبیق شد؛ آنچه مایک مارتین، مشاور نظامی در هلمند در آن زمان و بعدا نویسنده، چنین توصیف کرد: (یک پایگاه آیساف در هر دو راهی)^{۷۹} (به شکل ۹ نگاه کنید).

Expansion of Shawqat Base Nad Ali, Helmand Province, Afghanistan 2008 - 2010



Bost Runway Change Over Time: Lashkargah, Helmand



Legend

- Class Roadlines
- Revised Roadlines
- Area of Major Change

Data Sources

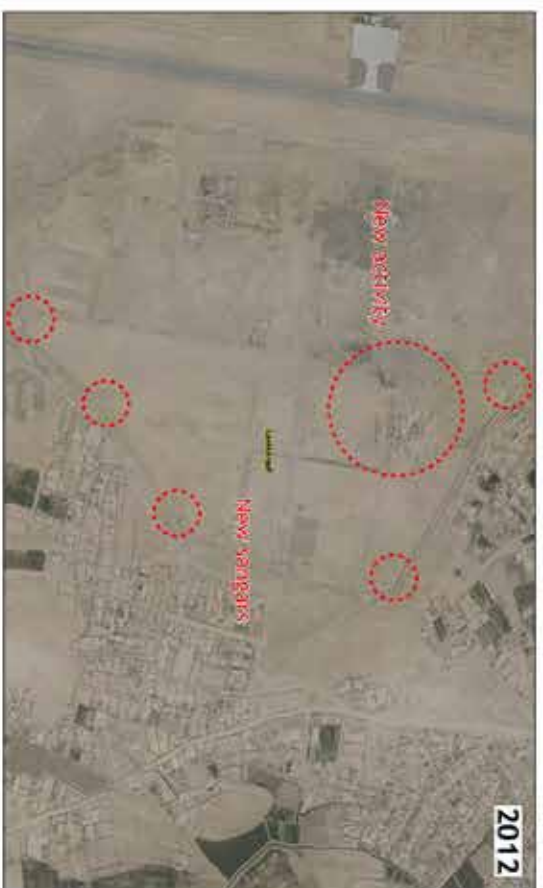
- Bosae Imagery
- 2008 Rampart Lion 2
- 2010 B. A. K. A. K.
- 2012 B. A. K. A. K.
- 2014 W. A. K. A. K.

Data Notes

Scale 1:12,000 at A1

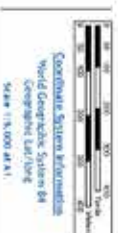


Bost Industrial Park



Data Sources
Data Imaging,
2008 Hampton Van Z
2010 Burke
2012 Burke
2014 WVS

Data Notice



Alcis

بنا بر این، مهم است که زون غذایی هلمند به مثابه یک واسطه (catalyst) دیده شود که هدف آن بازداشتن از کشت کوکنار در مناطق وسیعی در داخل هلمند است؛ کاری که بنفسه یک اقدام سیاسی است، نه انکشافی. ایجاد بدیل های مناسب اقتصادی برای کوکنار خارج از حیطه این برنامه است و در مواردی که مساله بدیل کوکنار مطرح شده است محصول سایر برنامه های سرمایه گذاری است که همزمان با زون غذایی هلمند تطبیق شده است. بهبود وضعیت حکومتداری و امنیت نیز چنین است. با این حال، می توان تاثیرات ممنوعیت کوکنار با حمایت کمک زون غذایی هلمند را بررسی کرد. بسیار مهم است بفهمیم دهقان ها در غیاب کشت کوکنار چه کار کردند، مثلاً: آیا دهقان ها به سایر منابع معیشتی روی آوردند؟ آیا این تغییرات اولاً پس از ختم برنامه زون غذایی هلمند در سال ۲۰۱۲ و سپس بعد از خروج نیروهای نظامی بین المللی در سال ۲۰۱۴، ادامه یافت؟ موضوع جالب دیگر تاثیرات کلان تر ممنوعیت کوکنار، چگونگی تاثیر آن بر نگرش دهقان ها نسبت به حکومت افغانستان، اقدام بین المللی و از دست رفتن مناطق سرزمینی بر اثر شورش گری است.

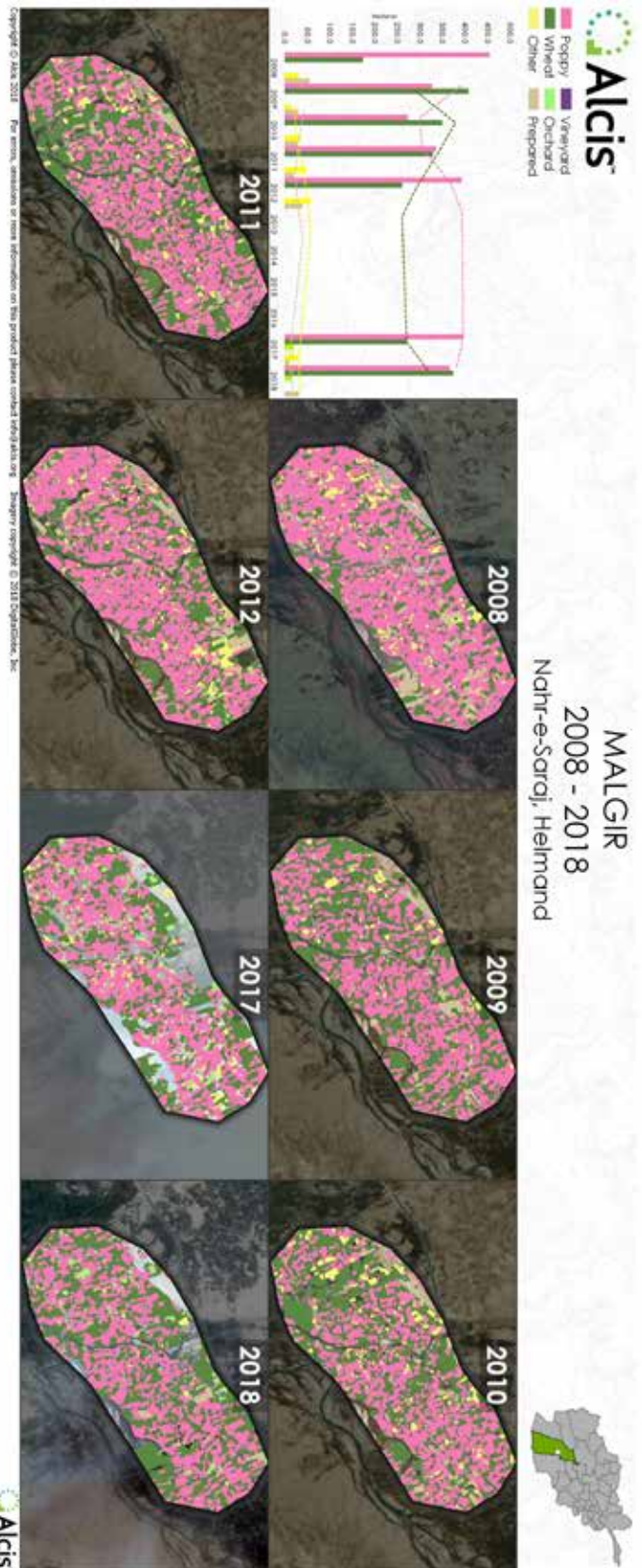
۱. ۶ داخل زون غذایی هلمند

۱. ۱. ۶ از کوکنار به گندم

در سال ۲۰۰۹، کاشت گندم هم در داخل زون غذایی هلمند و هم خارج از آن به گونه چشم گیر توسعه یافت (به جدول ۳ نگاه کنید). کمبود جهانی حبوبات، همراه با اعمال کنترل حکومت پاکستان بر انتقال گندم به خیبر پختونخواه (که تا سال ۲۰۱۰ به نام ایالت سرحدی شمال غرب یاد می شد) برای محدود ساختن گندم قاچاق شده به افغانستان، سبب صعود شدید قیمت گندم در سراسر افغانستان شد. در اواسط سال ۲۰۰۸، قیمت هر کیلو گرام گندم در جنوب افغانستان ۰.۷۰ دالر امریکایی بود در حالی که قیمت آن در عین دوره در سال ۲۰۰۷ تنها ۰.۲۵ دالر امریکایی بود. به طور همزمان، قیمت کوکنار پس از سال ها کشت مازاد به گونه چشم گیر نزول یافت. کشت مازاد در واقع پاسخی بود به قیمت بلندی که در نتیجه ممنوعیت موفقانه تریاک در فصل کاشت ۲۰۰۱/۲۰۰۰ از سوی طالبان اعمال شده بود. در اواسط سال ۲۰۰۸، قبل از راه اندازی زون غذایی هلمند، قیمت هر کیلوگرام تریاک به ۷۰ دالر نزول کرده بود، در حالی که یک سال قبل قیمت آن ۱۲۰ دالر و در سال ۲۰۰۱ در زمان سقوط طالبان، قیمت آن ۵۰۰ دالر امریکایی بود.

جدول ۳: ساحه تحت کشت در داخل و خارج زون غذایی هلمند در سال های ۲۰۰۷-۲۰۰۹ (به هکتار)^{۸۹}

تغییر از ۲۰۰۸ به ۲۰۰۹ (هکتار)	تغییر از ۲۰۰۸ به ۲۰۰۹ (%)	تغییر از ۲۰۰۸ به ۲۰۰۹ (هکتار)	تغییر از ۲۰۰۸ به ۲۰۰۹ (%)	۲۰۰۷ (هکتار)	۲۰۰۸ (هکتار)	۲۰۰۹ (هکتار)
داخل زون غذایی						
کشت کوکنار	۳۸,۲۳۵	۳۳,۹۳۷	۲۱,۴۵۲	- ۱۲,۴۸۵	۳۷-%	
حبوبات	۱۵,۹۲۴	۱۸,۶۰۳	۳۶,۵۹۱	۱۷,۹۸۷	۹۷-%	
سایر	۴۰,۴۸۸	۴۵,۵۱۴	۳۶,۶۸۵	- ۶,۸۲۹	۱۵-%	
زمین فعال زراعتی	۹۴,۶۴۶	۹۸,۰۵۴	۹۶,۷۲۸	- ۱,۳۲۶	۱-%	
خارج زون غذایی						
کشت کوکنار	۵۰,۴۱۸	۴۹,۸۷۲	۵۳,۶۲۴	۳,۷۵۲	۸-%	
حبوبات	۲۳,۳۳۹	۲۴,۶۸۹	۴۸,۹۰۲	۲۴,۲۱۳	۹۸-%	
سایر	۱۱۱,۱۰۵	۱۱۴,۵۵۷	۱۰۷,۹۶۲	- ۶,۵۹۶	۶-%	
زمین فعال زراعتی	۱۸۴,۶۸۱	۱۸۹,۱۱۸	۲۱۰,۴۸۸	۲۱,۳۷۰	۱۱-%	



شکل ۱۲: الگوی کاشت محصول در مالگیر، نهر سراج، هلمند، ۲۰۰۸-۲۰۱۸

تغییر تجارت بین گندم و کونکار تاثیر جدی بر الگوهای کشت داشت. در سایر بخش های افغانستان، مانند مناطق مرکزی و شمال شرقی، جایی که سود کونکار کمتر است، یک دهقان اگر روی زمین خویش گندم بکار می تواند به همان اندازه گندم برداشت کند که اگر به جای آن کونکار بکار و از سود آن آرد گندم بخرد. در هلمند، ماهیت محصول تریاک که نیازمند مواد بیشتر است سبب شد تغییر قیمت نسبی تریاک و گندم باعث تفاوت در درآمد شود. نگرانی جدی در مورد امنیت غذایی، به خصوص زمانی که قیمت گندم در حال افزایش بود و خشونت رو به افزایش در جنوب غرب خرید گندم از بازار را برای دهاقین دشوار کرده بود، بسیار مهم تر از مساله سود بود. در آن زمان، دهقان ها در هلمند از چالش های خرید گندم از بازار و همسایه ها، خبر دادند.^{۹۰} نمونه هایی حتی از رویارویی خشونت بار بین صاحبان زمین و اجاره داران به خاطر نزاع روی سهم مربوطه حاصل گندم، وجود داشت.^{۹۱}

ترسیم نقشه محصول ادعای گرایش وسیع به گندم در داخل و خارج زون غذایی هلمند را تایید می کند. برای مثال، تحلیل تصاویر ۲۳ سایت تحقیقاتی نشان داد حجم زمین اختصاص داده شده به گندم بین ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ دو برابر شده است، بدون در نظر داشت وضعیت و اینکه دهقان ها تخم گندم دریافت کرده بودند یا با تهدید محو کونکار مواجه بودند.^{۹۲}

در اکثر بخش های نادعلی، ناوه بارکزی و نهر سراج، دهقان ها تصور می کردند در سال ۲۰۰۹ تهدید اندکی متوجه کشت کونکار بود و در بسیاری مناطق، شواهد اندکی از تخریب محصول خواه در جریان کمپاین ۲۰۰۸ یا ۲۰۰۹ محو کونکار وجود داشت.^{۹۳} دهقان ها علی رغم این حقیقت که از محو کونکار هراس نداشتند، میزان زمین زیر کشت کونکار را در سال ۲۰۰۸/۲۰۰۷ و ۲۰۰۹/۲۰۰۸ کاهش دادند و گندم بیشتری کشت کردند. حتی در نوامبر ۲۰۰۹، در بخش های ناامن تر نادعلی و نهر سراج، جایی که کنترل حکومت محدود بود، دهقان هایی بودند که هیچ گاهی مزارع شان تخریب نشده بود و هیچ هراسی از محو کونکار نداشتند اما هنوز گندم کشت کردند و سطح کشت کونکار را پایین آوردند (به شکل های ۱۲ و ۱۳ نگاه کنید).

۹۰ "من در سال ۲۰۰۸/۲۰۰۷، روی زمین خویش شش جریب کونکار و تنها یک جریب گندم کشت کردم. این مقدار گندم برای خانواده من کافی نبود. در زمان برداشت محصول از همسایه ها خواستم به ما گندم بفروشد زیرا قیمت گندم در شهر [لشکرگاه] بسیار بالا بود. در آن وقت، برای خرید گندم از شهر پول کافی نداشتیم زیرا تریاک هنوز نو بود و قیمت پایینی به ما می دادند. اما همسایه ها قبول نکردند. مجبور شدم از شخص دیگری برای خرید آرد از لشکرگاه، پول قرض بگیرم. در ۲۰۰۸/۲۰۰۷، تصمیم گرفتم سه جریب زمین را کونکار و چهار جریب را گندم بکارم تا دوباره با این مشکل روبرو نشوم. عین مقدار را امسال [۲۰۱۰/۲۰۰۹] کشت کرده ام" (#۴ نادعلی، هلمند، ۲۰۱۰)

۹۱ منسفیلد، دی. OSDR و ALCIS Ltd. مدیریت خطرات همزمان و مکرر: توضیح کاهش تولید تریاک در مرکز هلمند بین سال های ۲۰۰۸-۲۰۱۱. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۱، صص ۴۷.

۹۲ منسفیلد، دی. OSDR و ALCIS Ltd. مدیریت خطرات همزمان و مکرر: توضیح کاهش تولید تریاک در مرکز هلمند بین سال های ۲۰۰۸-۲۰۱۱. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۱، ضمیمه ۱.

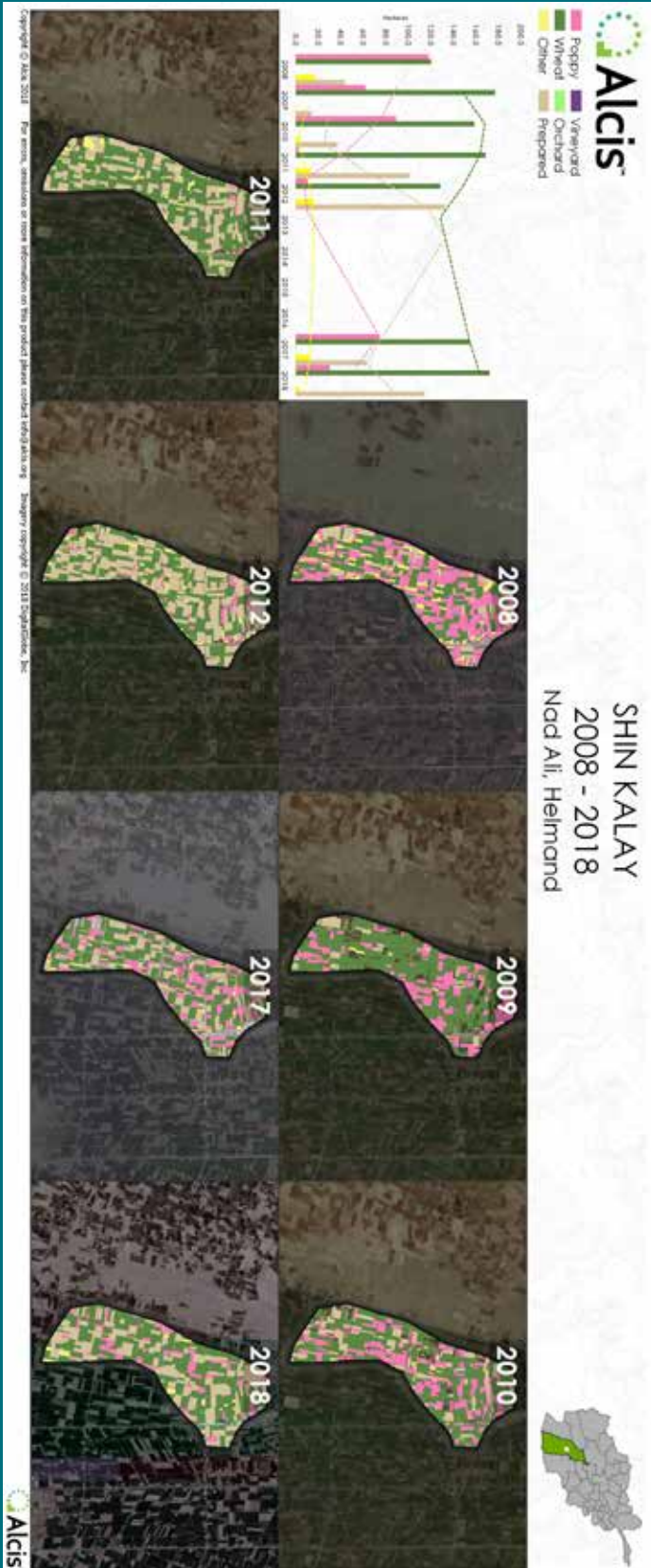
۹۳ این موضوع هم شامل برنامه محو کونکار به رهبری والی و هم برنامه نیروی محو کونکار است که از مرکز مدیریت می شد.

نگرانی ها در باره قیمت در حال افزایش گندم چنان جدی بود که حتی در مناطق داخل زون غذایی هلمند که به لحاظ تاریخی کمتر کوکنار کشت کرده بودند، جاهایی مانند بولان و مهاجرین در ولسوالی لشکرگاه، در سال ۲۰۰۹ گندم بیشتری کشت کردند (به شکل ۱۴ نگاه کنید). دهقان ها با اختصاص زمین کمتر به کوکنار، این کار را به قیمت کلتیوارهای بهاری، به شمول محصولات باغداری ارزشمند، انجام دادند. بنا بر این، اقدامات زون غذایی هلمند در سال نخست تاثیر اندکی بر سطح کشت کوکنار داشت؛ دهقان ها پیش از این برنامه به دلیل نگرانی های امنیت غذایی شروع کرده بودند به تغییر جهت به سوی کاشت گندم، در برخی از جاها حتی به قیمت محصولات قانونی ارزشمند مانند سبزیجات و میوه.

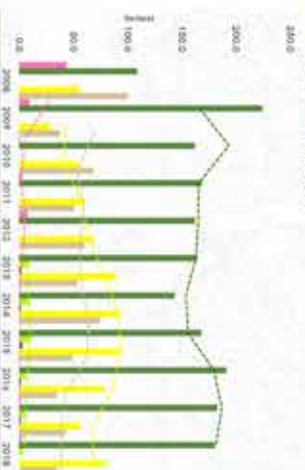
۲. ۱. ۶ لازم، اما نه کافی

افزایش کشت گندم به عنوان پاسخی به نگرانی هایی در باره امنیت غذایی، نه گواه رشد اقتصادی بود نه عبور پایدار از کشت کوکنار در داخل زون غذایی هلمند. از آنجایی که ممکن است در سال های بعدی گندم به آسانی با کوکنار تعویض شود، همیشه خطر بازگشت کوکنار وجود داشت. به علاوه، قیمت بلند گندم که یک محصول اصلی غذایی است تا محصول فروختنی، معمولا به سود بالاتر نمی انجامد، بلکه سفره غذایی خانوارها را تامین می کند. تنها دهقان هایی که می توانستند گندم مازاد تولید کنند - که تابع اندازه زمین، اجاره زمین و شمار اعضای خانواده است - می توانند از افزایش قیمت گندم سود بگیرند. حتی در چنین شرایطی، به دلیل رقابت با محصولات پاکستان و قزاقستان، کشورهایی که هر دو آسباب شده با کیفیت و اغلب به نرخ کمک هزینه تولید می کنند، ضریب سود پایین است.

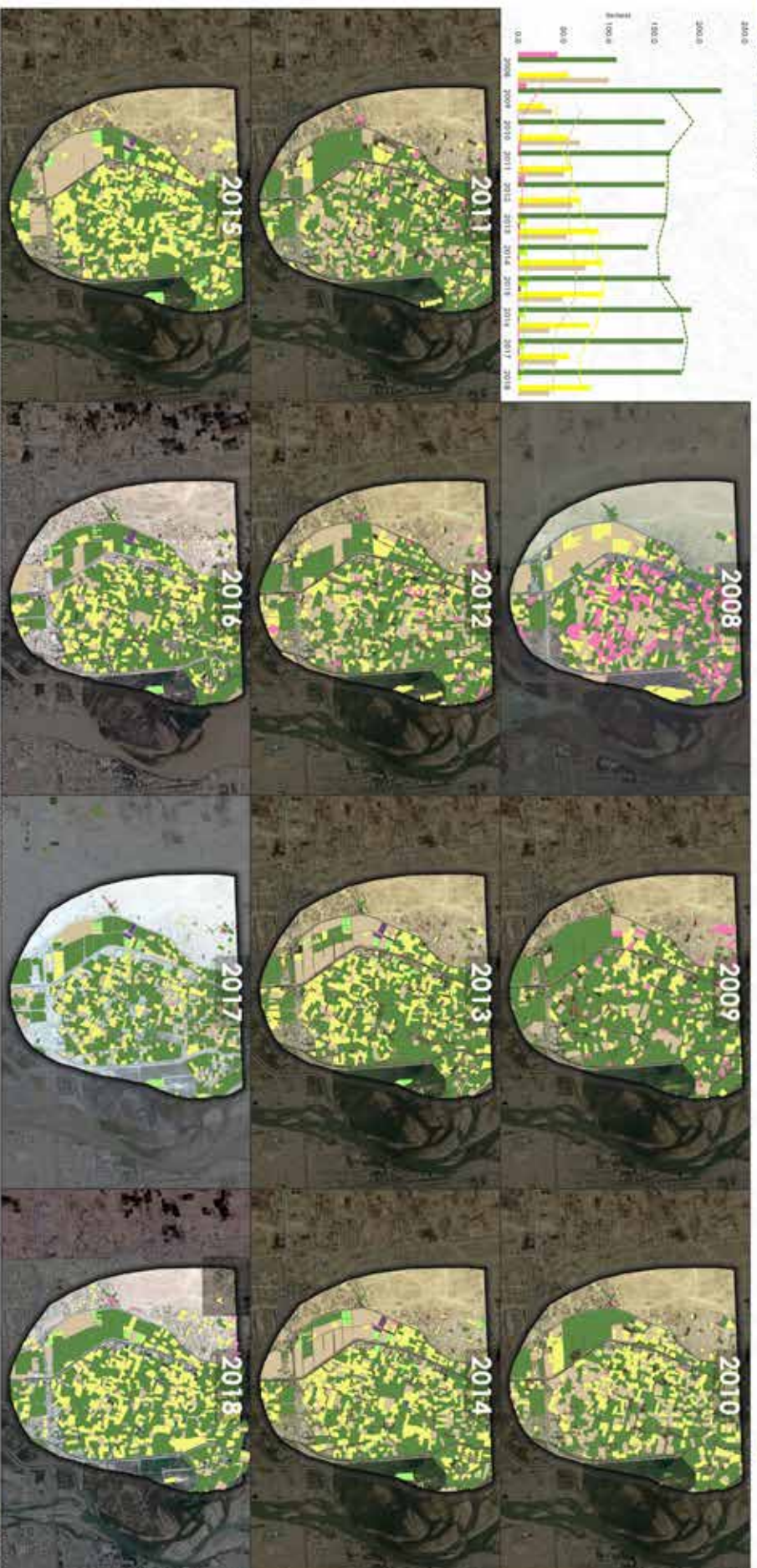
برای اینکه دهقان ها به صورت دوامدار از کشت کوکنار دست بکشند، به گونه ای که نیازمند حضور نظامی مستمر مانند آنچه افزایش نظامی در سال ۲۰۰۹ ایجاد کرد یا سطحی از خشونت که ممکن است سبب تقویت شورش گری نشود، لازم است بدیل اقتصادی پایدار وجود داشته باشد. در ارتباط با هلمند، این بدین معنی است که یا محصول قابل فروش با درآمد بالا و/یا درآمد غیر زراعتی وجود داشته باشد. با توجه به این، می توان تاثیرات محدودتری را که زون غذایی هلمند را ناپایدار ساخت، درک کرد. برای مثال، هم کار ساحوی و هم تصاویر باکیفیت ماهواره ای گواه محدودیت های جغرافیایی و زمانی افزایش سایر محصولات با ارزش است (به ضمیمه مراجعه کنید). در حالی که در مناطق نزدیک تر به مرکز ولایت یعنی لشکرگاه مانند قلعه بست و بولان، شواهد واضحی در باره متنوع سازی محصولات از طریق کاشت محصولات باغداری با ارزش پس از سقوط قیمت گندم و ممنوعیت کشت کوکنار وجود دارد، بررسی مناطق دورتر یا ساحات خشک که قبلا دشت بوده در محدوده زون غذایی هلمند، شواهد اندکی را به دست می دهد.

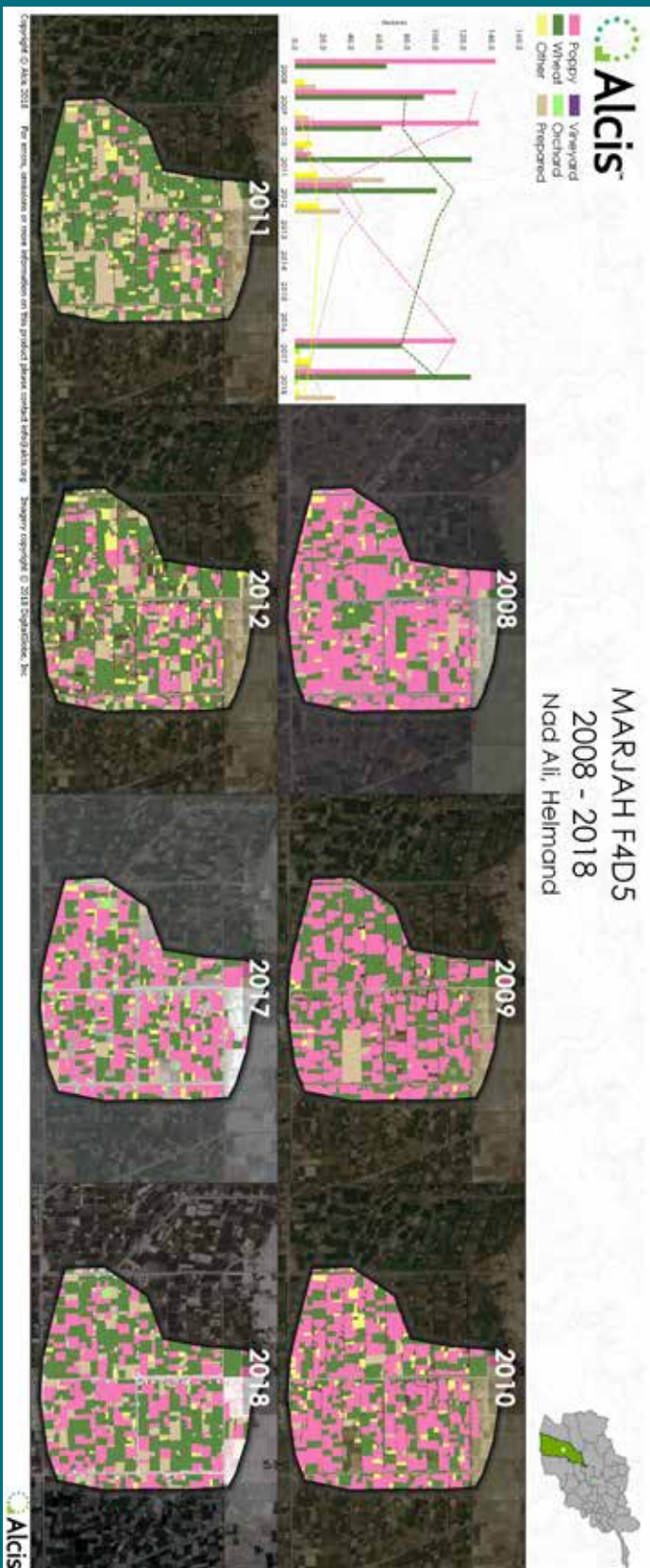


شکل ۱۳: الگوی کاشت محصول در شین کلی، نادللی، هلمند، ۲۰۰۸-۲۰۱۸



BOLAN
2008 - 2018
Lashkar Gah, Helmand





شکل ۱۵: الگوی کاشت محصول در مارجه F4D5 نادعلی، هلمند، ۲۰۱۸-۲۰۰۸

ساحات دورتر از لشکرگاه، برعکس بولان و قلعه بست از مزایای بازار برخوردار نیست. هزینه حمل و نقل بلند تر است - به خصوص در دوره های ناامنی - خاک رقیق تر و بیشتر شوره زار است. تقاضا برای محصولات باغداری با ارزش در این مناطق با توجه به حجم جمعیت در لشکرگاه و تا حدی گرشک و وفور تولیدات باغداری در مناطق همجوار - مناطقی مانند قلعه بست و بولان - با محدودیت مواجه است. مناطق قبلا صحرایی - مانند لوی باغ، دشت شرشک و دشت عینک - از کانال آبیاری نمی شوند بلکه از پمپ آب از سیستم زهکشی یا چاه های عمیق که تا ۹۰ متر پایین تر از سطح زمین رسیده استند، آبیاری می شوند. بر این اساس، هزینه تولیدات زراعتی در این مناطق قبلا صحرایی بالا است و در غیاب کوکنار یا محصول دیگر که بتواند درآمد معقول و امن ایجاد کند، زمین اغلب بلا استفاده رها می شود زیرا دهقان ها نمی توانند هزینه آبیاری را تامین کنند.

در هردو نوع این ساحات، انصراف از کوکنار موقتی و ناپایدار بود. در این مناطق، کوکنار نوعا با افزایش ترکیبی کاشت گندم در جریان فصل کاشت زمستانی و پس از آن محصول پنبه یا خربوزه/تربوز در بهار تعویض می شود. در تابستان، جواری و لوبیای مانگ کشت می شود (به شکل ۱۵ نگاه کنید). بر خلاف سایت های تحقیقاتی مانند بولان و قلعه بست که از امتیاز نزدیکی به لشکرگاه برخوردار است، در مناطق دورتر در جریان برنامه زون غذایی هلمند و پس از ختم آن، باغداری سالانه محصولات ارزشمند خواه در فصل بهار یا تابستان، افزایش اندکی داشته است. برخی از دهاقین به کشت محصولات چند ساله، به خصوص میوه هایی مانند انار و انگور، دست زده اند اما این کار وسیع نیست و محدود به صاحبان زمین است.

الگوی کاشت گندم در ماه های زمستان، و خالی ماندن بخشی از زمین برای پنبه و یا خربوزه و تربوز، و بعد از آن جواری و لوبیا در فصل بهار الگوی دارای خطر است، نه بازده بالا. همه این محصولات، به جز خربوزه و تربوز دارای قیمت های پایین است اما در خانوارها ارزش کاربری زیادی دارد. این محصولات را می توان برای فروش در زمان دیرتر ذخیره کرد و زمان بندی آبیاری و برداشت آن مانند محصولات باغداری حساس نیست، که در نتیجه به دهقان ها اجازه می دهد فعالیت های زراعتی مهم را در صورت جنگ یا سایر اشکال ناامنی به تاخیر اندازند. اما این محصولات برای خانواده ها درآمد کافی برای تامین نیازهای اولیه شان فراهم نمی کند (به جدول ۴ نگاه کنید).

جدول ۴: درآمد ناخالص خانوارهای فاقد تنوع سیستم کاشت محصول در زون غذایی هلمند

محصول	زمین (جریب)	برداشت (من/جریب)	فروش (من)	قیمت (دالر امریکایی)	بازده (دالر امریکایی)
خران					
گندم	۶	۲۱۵	۹۰۰	۱.۳۶	۱۲۲۴
پنبه	۳	۱۷۰	۵۱۰	۳	۱۵۳۰
رشقه	۱		۰		۰
تابستان					
جواری	۴	۱۶۰	۶۰۰	۰.۸۶	۵۱۶
لوبیا	۲	۲۵	۵۰	۲.۵۵	۵۱۶
مجموع					
درآمد ناخالص					۳,۳۹۷.۵
درآمد ناخالص روزانه					۹.۳۱
درآمد ناخالص روزانه هر شخص					۰.۹۳

در حالی که افزایش باغداری محصولات با ارزش در اکثر بخش های زون غذایی هلمند کمتر محسوس است، مناطقی وجود دارد که تغییرات چشم گیری رخ داده است. به خصوص، بولان به یک منبع پر جنب و جوش سبزیجات بهاری و تابستانی بدل شده بود که تا سال ۲۰۱۸ ادامه داشت و شواهد اندکی از بازگشت کوکنار در آن وجود دارد (به شکل ۱۶ نگاه کنید). در عوض، دهقان ها در این منطقه از امتیازات حکومت و فرصت های اقتصادی ناشی از امنیت سخن می گویند. چنانچه یک دهقان در قلعه بست نزدیک لشکرگاه گفت: «به خاطر وجود حکومت، ما زندگی و اقتصاد خوب داریم»^{۹۴} - حس مشترکی که در سراسر بولان وجود دارد.

طیف وسیع محصولاتی که در فصل های زمستان، بهار و تابستان در این محلات کشت می شوند چشم گیر است. بسیاری از دهقان ها شش تا هشت نوع سبزی می کارند، اگر گندمی هم کشت شود اندک است. بر خلاف مکان های خشک تر و دورتر در داخل زون غذایی هلمند، در این مناطق جواری و لوبیا کمتر کشت می شود؛ سبزیجات تابستانی مانند زردک، بادنجان رومی، شلغم، گلپی و مولی ترجیح داده می شود. هر کدام این محصولات می تواند در هر جریب^{۹۵} حداقل ۲۲۰ دالر درآمد ناخالص ایجاد کند، حتی در سال ۲۰۱۸ که فشار تورمی مانند آنچه قبل از خروج نیروهای ناتو در ۲۰۱۴ دیده می شد، در هلمند وجود نداشت.

بازده محصولات زمستانی و بهاری معمولاً بالاتر است. مثلاً در سال ۲۰۱۳، هر جریب زمین زیر کشت بامیه، پیاز و بادنجان رومی می توانست در زمان اوج آن تا سقف ۷۶۵ دالر امریکایی بازده ناخالص تولید کند.^{۹۶} به دلیل وجود ظرفیت برداشت چهار فصل محصول و استفاده از گلخانه و کشت خارج از فصل - رویه ای که هم از سوی کمک های انکشاف (کوپن افغانستان برای زراعت مولدتر) و هم سکتور خصوصی حمایت شد - درآمد افراد بیشتر افزایش یافت. به علاوه، به دلیل نزدیک بودن لشکرگاه - بازار اصلی این اقلام زراعتی - هیچ یک از چالش های حمل و نقل و ضایع شدن محصولات که در سایر بخش های زون غذایی هلمند شایع بود، به خصوص در دوره های جنگ شدید که تاخیر در برداشت محصول می تواند سبب خسارات جدی به دهقان شود، در این منطقه وجود ندارد. این مناطق با توجه به شرایط مسلط اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و محیط زیستی، به خصوص مجاورت با بازار اصلی لشکرگاه، ظرفیت دارد که حتی در غیاب کوکنار به رونق برسد.

۹۴ قلعه بست #۳.

۹۵ واحد اندازه گیری زمین، مشابه یک هکتار

۹۶ دیوید منسفیلد، «برخاستن از زمین: جمعیت روستایی هلمند با گذشت بیش از یک دهه دولت سازی در کجا قرار دارد» گزارش منتشر نشده برای واحد چند اداره ای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان، ۲۱ می ۲۰۱۴.

Greenhouses in Bolan

Lashkar Gah, Helmand Province
Afghanistan



2011



شکل ۱۶: گلخانه در بولان، لشکرگاه، هلمند، ۲۰۱۴

۳. ۱. ۶ اهمیت درآمد غیر زراعی

واقعیت آن است که حتی با انتخاب سیستم های پیچیده - و تا حدی سودآور - کاشت محصولی که در مناطقی مانند بولان و قلعه بست دیده می شود، اکثر خانوارها برای تامین درآمدی که بتواند نه تنها نیازمندی های اولیه آنها را برآورده سازد بلکه درآمدی بیشتری نیز خلق کند تا بتوانند برای رویدادهای زندگی مانند نامزدی و ازدواج (که می تواند ۶،۶۰۰ تا ۸،۸۰۰ دالر امریکایی هزینه به بار آورد) پول ذخیره کنند، توانایی برخورد با شوک هایی مانند مریضی جدی یا مرگ را داشته باشند و نیز پول کافی برای سرمایه گذاری در تصدی های بالقوه مولد مانند خرید زمین، کسب و کارهای کوچک، نگهداری مواشی یا تحصیلات عالی فرزندان شان را داشته باشند، نیازمند اضافه شدن منبع درآمد دیگری است.

این جاست که مزایای بیشتر کسانی که در نزدیکی لشکرگاه موقعیت دارند و کاستی کسانی که دورتر موقعیت دارند، آشکار می شود. برای مثال، خانوارهای بسیار اندکی در بولان و قلعه بست وجود دارد که حداقل یک عضو خانواده شان دارای درآمد غیر زراعی نباشد. حتی اگر این یک نفر تنها عضو خانواده باشد که به عنوان کارگر غیر ماهر در لشکرگاه کار می کند، در سال ۲۰۱۸ روزانه ۴.۳ دالر امریکایی درآمد بیشتر دارد، هرچند که این رقم در سال ۲۰۱۲، ۵.۵ دالر بود. این مبلغ کمک ارزشمندی به درآمد عمومی خانوار است. اغلب، عضو دوم خانواده راننده زرنج^{۹۷} است (۴.۵ - ۱۱ دالر در روز)، تراکتور اجاره می دهد (۷۳۰-۹۱۰ دالر در یک فصل)، صاحب دوکان است (۳۶۰-۱۵۰ دالر در ماه) یا وظیفه دولتی دارد (۲۵۵ دالر در ماه)، وضعیتی که سبب افزایش بیشتر درآمد خانوار می شود.

همچنان، لازم به یادآوری است که مزایای درآمد غیر زراعی برای یک خانواده تنها پولی نیست؛ مجموع درآمدی که یک عضو مشخص خانواده از شغل خود به دست می آورد. کسانی که یک عضو خانواده شان در بازار کار می کند - بدون توجه به نوع شغل - به مصرف بیشتر اقلام غذایی مانند گوشت و میوه اشاره کرده اند؛ اقلامی که زمانی تجملی محسوب می شد، تنها زمانی مصرف می شود که باید یک عضو خانواده به بازار سفر کند، که موجب هزینه حمل و نقل است، شاید مجبور به پرداخت رشوت شود و خطر ضرر فیزیکی را قبول کند، به خصوص در اوج منازعات. در سال ۲۰۱۳، این کارها بسیار راحت تر بود، با داشتن پسر یا برادری در بازار که در پایان هر روز گوشت و گاهی میوه از مارکیت می آورد.^{۹۸}

با وجود این، فراتر از حومه لشکرگاه، این فرصت ها کمتر میسر است و درآمد حاصله پایین تر می باشد. همچنان، دسترسی به انواع زیربنای فیزیکی و اجتماعی که افراد نزدیک شهر می توانند از آن بهره مند شوند و کیفیت زندگی شان را بهبود ببخشند، در مناطق دورتر دیده نمی شود. به علاوه، در بسیاری از گفتگوها با دهقان ها در این مناطق، لشکرگاه بیشتر با قرینه فاصله جغرافیایی و فرهنگی توصیف می شود، حتی برای کسانی که تنها ۱۰ کیلومتر دورتر از آن زندگی می کنند؛ لشکرگاه جایی است که مردم در مورد سران قبیله و ملک ها سخن می گویند و حتی نیروهای ملی امنیتی دفاعی افغانستان (به آنجا فرار می کنند، یا جایی که مقامات در آن پنهان می شوند). آنجا جایی است که اعضای خانواده در هنگام بیماری برای مداوا می روند یا خانوارهای ثروتمندتر فرزندان شان را برای ادامه تحصیل یا تحصیلات عالی می فرستند. لشکرگاه جای (آشنا) نیست. کسانی که بر شهر حکومت می کنند و از آن طریق بر ولایت حاکم اند، با کسانی که در مزارع دورتر کار می کنند وجه مشترک اندکی دارند و با افزایش سطح خشونت ها در جریان تلاش مجدد نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان برای تسخیر دوباره قلمرو در سال های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، لشکرگاه بیش از گذشته دور شد. حس فاصله بین دهقان ها در ولسوالی هایی مانند مارجه، نادعلی و نهر سراج و حکومت و ارزش های آن بیش از پیش عمیق شد.

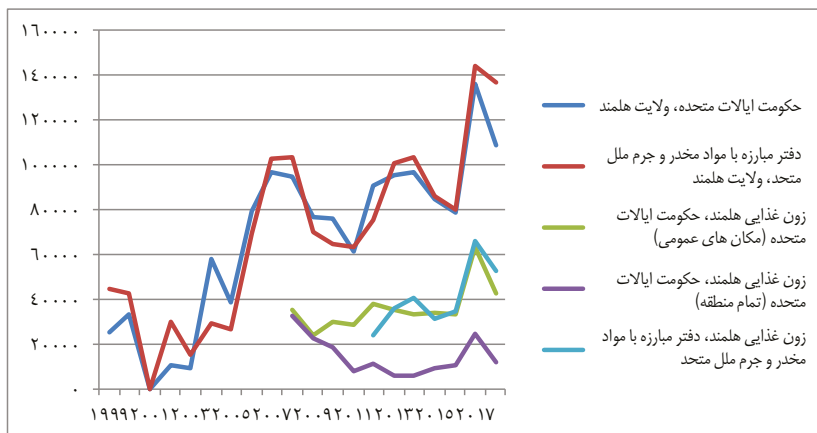
۹۷ نوعی از واسطه نقلیه

۹۸ زرغون کلی #۱۱.

۴. ۱. ۶ طغیان مجدد کشت کوکنار

سطح کشت کوکنار در هلمند، حتی در محدوده زون غذایی هلمند، تابع چندین عامل مختلف است. زون غذایی هلمند در سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ با سطوح پایین تر کشت کوکنار روبرو بود، عمدتاً تحت تاثیر عواملی که در بالا توصیف شد. با فرا رسیدن سال ۲۰۱۲، کشت کوکنار در محدوده اصلی زون غذایی هلمند بار دیگر رو به افزایش نهاد (به شکل ۱۷ نگاه کنید)، تا پس از سه سال متوالی برداشت اندک در هلمند و جنوب، به ثبات برسد. در سال ۲۰۱۷، پنج سال پس از پایان برنامه زون غذایی هلمند و سه سال بعد از خروج نیروهای نظامی خارجی، سطح کشت کوکنار بار دیگر بالا رفت - این بار اما به گونه شگرف.

شکل ۱۷: کشت کوکنار در هلمند و زون غذایی هلمند، ۱۹۹۹-۲۰۱۸



متأسفانه، تحلیل تصاویر با کیفیت ماهواره ای برای همه سایت های تحقیقاتی برای سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶ قابل دسترس نبود تا به فهم در مورد بازده کوکنار در هر موقعیت کمک کند. با وجود این، کار ساحوی مربوط به دوره بین این دو سال بخشی از مشکل را رفع می کند.

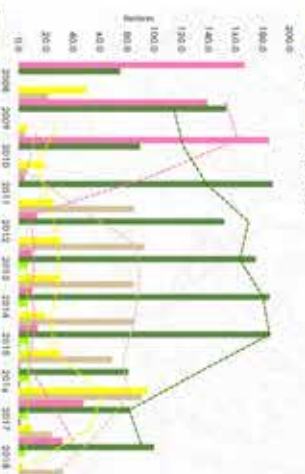
آنچه در ترسیم نقشه محصولات در بلاک ۲ الف مارجه (به تصویر ۱۸ نگاه کنید) دیده شده و پشتیبانی می‌گردد، و نیز تصاویر بسیار جزئی تر منطقه اطراف مرکز ولسوالی (شکل ۱۹) نشان می دهد، هجوم برای کاشت کوکنار در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به مشاهده می‌رسد زیرا دهقان های دورتر از سرک و کانال اصلی با کشت مقدار اندک کوکنار وضعیت را امتحان کردند تا ببینند مزارع شان تخریب خواهد شد یا نه. در این سال های اولیه نیروهای ملی امنیتی دفاعی افغانستان خود شان یا از طریق گروه های نیابتی به شکل پولیس محلی بخش اعظمی از مناطق را در اختیار داشتند.^{۹۹} از کشت کوکنار به خصوص به دلیل بازده پایین بین ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ جلوگیری شد، حتی کشت محدود در مناطق قبلا صحرائی شمال بغرا جایی که هیچ کنترل حکومتی بر کشت کوکنار وجود نداشت. با فرا رسیدن ۲۰۱۷، کوکنار به شکل بسیار وسیعی در مارجه کشت شد. کشت این بار با محصول کوکنار در سال ۲۰۱۰ - سال عملیات مشترک - شباهت نداشت. در ۲۰۱۰، تا حد ۶۰ درصد از زمین های زراعتی به خشخاش اختصاص داده شده بود، اما پس از جابجایی لوای اعزامی تفنگداران دریایی در فصل بعد، بیشتر از شش درصد اراضی به محصول کوکنار اختصاص یافت.

۹۹ دیوید منسفیلد، «برخاستن از زمین: جمعیت روستایی هلمند با گذشت بیش از یک دهه دولت سازی در کجا قرار دارد» گزارش منتشر نشده برای واحد چند اداره ای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان، ۲۱ می ۲۰۱۴.

در حالی که درگیری های مداوم ، میزان کشت در بلاک ۲ الف را در ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ و تعدادی از سایت های تحقیقاتی دیگر محدود کرد، محدودیت اندکی بر کشت گسترده کوکنار در بیشتر قسمت های زون غذایی هلمند وجود داشت. گفته می شود خروج نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان و به خصوص بازگشت طالبان، به عودت کشت گسترده تر کوکنار در این منطقه کمک کرده است. همان طور که یکی از دهقان ها در مارجه F4D5، در مرز ولسوالی نادعلی گفت: «طالبان بهتر از دولت است. آنها تریاک را ممنوع نمی کنند، آنها فقط از کوکنار مالیات می خواهند.»^{۱۰۰}

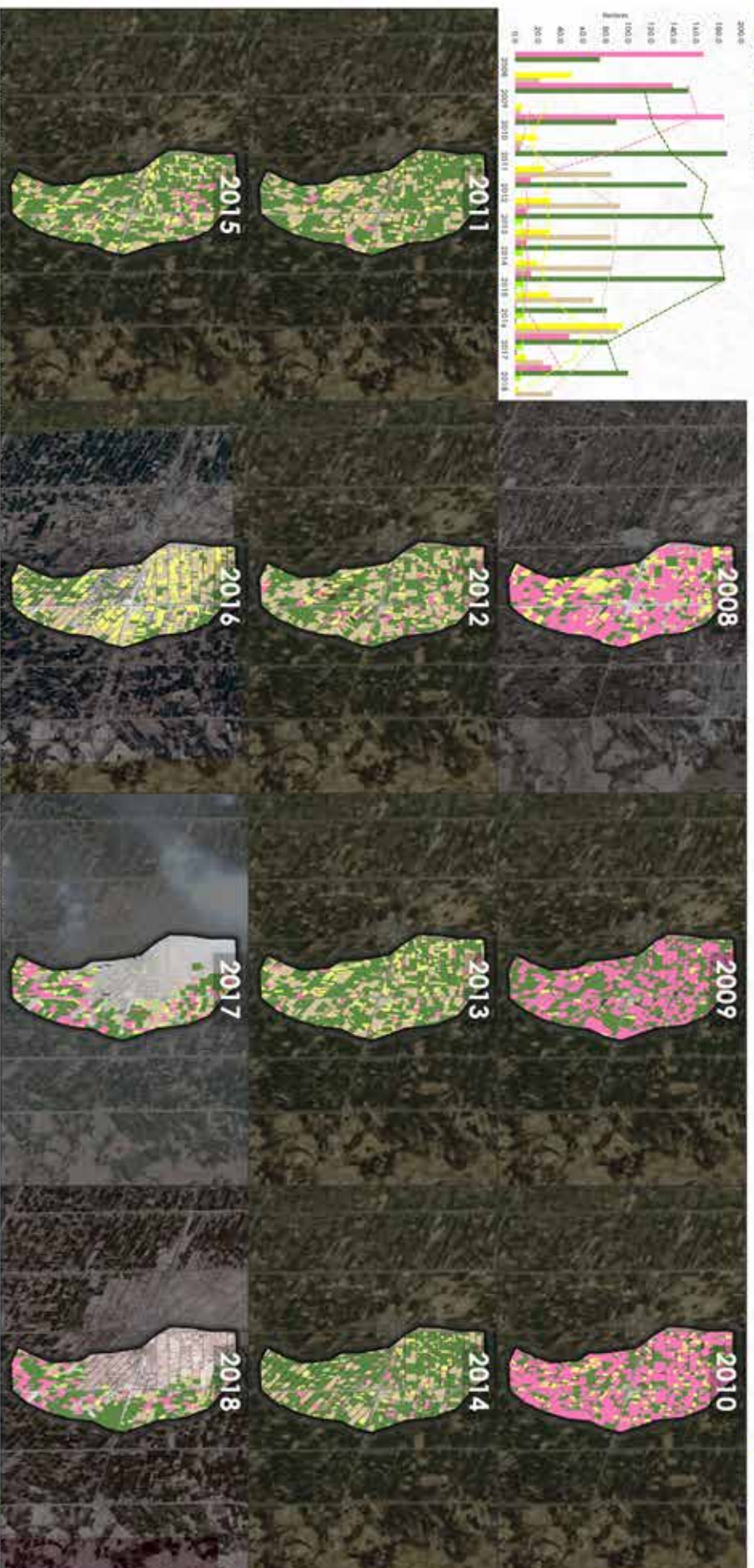
بازده کشت کوکنار به گونه ای بود که در سال ۲۰۱۷، حکومت ایالات متحده تخمین زد که کشت کوکنار در زون غذایی هلمند، براساس محدوده تعیین شده سال ۲۰۰۹، از ۳۵،۰۰۰ هکتار در سال ۲۰۰۹ به ۶۳،۵۰۰ هکتار افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۷، گستردگی کشت کوکنار در همه سایت های تحقیقاتی در داخل زون غذایی هلمند، به جز بولان، به وضوح دیده می شود. حتی در بولان، شکایت هایی امنیتی وجود داشته است، که پیامد نفوذ طالبان در ماه فیبروری ۲۰۱۷ در این مناطق است. در خوشحال کلی، شین کلی و لوی باغ و نیز هر دو سایت تحقیقاتی در مارجه، امنیت در سال ۲۰۱۷ به صورت چشم گیری به وخامت گراییده است. به دلیل درگیری بین نیروهای حکومتی و طالبان، مناطق وسیعی از زمین در دوره برداشت محصول بلا استفاده رها شده بود و در سال های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ تعداد قابل توجهی از زخمی ها و کشته ها نیز گزارش شده است. بخش اعظم انتقادات متوجه حکومت است؛ حکومت از یک سو نتوانسته است این مناطق را کنترل و امنیت را حفظ کند، از سوی دیگر شایعاتی وجود داشت که نیروهای محلی افغانستان در مقابل پرداخت پول از سوی طالبان پایگاه های خود را رها کرده اند. این مورد، نمونه دیگر فساد گسترده ای است که با نمونه های قبلی ذکر شده، از جمله تهیه تخم گندم و محو کوکنار شباهت دارد و حمایت روستایی از حکومت افغانستان را تضعیف می کند.

بدین ترتیب، پنج سال پس از خروج رسمی نیروهای ناتو از هلمند و هفت سال پس از پایان زون غذایی هلمند، کوکنار به صورت گسترده به منطقه باز گشته است. کاهش سریع کشت کوکنار در زون غذایی هلمند که در سال ۲۰۰۹ مشاهده شد، و چند سال پس از آن دوام یافت، نه تنها در محدوده زون غذایی هلمند، بلکه چنانچه در بخش بعدی نشان داده می شود، در مناطق بیرون از آن نیز از نو جان گرفته است.



MARJAH BLOCK 2A

2008 - 2018
Nad Ali, Helmand



Copyright © Alcis 2018. For errors, omissions or more information on this product please contact sales@alcis.org.

Imagery copyright © 2018 DigitalGlobe, Inc. Imagery copyright © CNES 2018, distributed ASBUTS OS.



Poppy Security Infrastructure

A regular grid of points at 15m spacing has been attributed according to the presence of poppy. Only points that are located within a poppy crop have been shown.

MARJAH 2013 - 2018 Nad Ali, Helmand



Copyright © Alcis 2018 For errors, omissions or more information on this product please contact info@alcis.org

Imagery copyright © 2018 DigitalGlobe, Inc; Imagery copyright © GIE5 2018; distribution AIRBUS DS



شکل ۱۹: طلیان مجدد کشت کوکادر اطراف "مرکز ولسوالی" مارجه ۲ الف، نادرلی، هلمند، ۲۰۱۸-۲۰۱۳

۲. ۶ خارج از زون غذایی هلمند

در حالی که محدوده داخل زون غذایی هلمند در سال های نخست برنامه شاهد کاهش چشم گیر کشت کوکنار بود، زمان زیادی نگذشت که این دستاورد با افزایش سریع تولید تریاک در مناطق قبلا صحرایی شمال بغرا از بین رفت. ممکن است افزایش سریع تولید تریاک به عنوان پیامد اجتناب ناپذیر ممنوعیت کوکنار یا آنچه اثر بالونی خوانده می شود، رد شود: اثر بالونی بدین معنی است که وقتی عرضه در یک منطقه محدود شود، تا زمانی که تقاضا ثابت باقی بماند، عرضه در سایر مناطق افزایش خواهد یافت. اما، می توان مشاهده کرد که زون غذایی هلمند نقش مستقیم تری در افزایش کشت کوکنار در مناطق قبلا صحرایی داشته است. این کار نه تنها سبب تغییر موقعیت تولید تریاک شد، بلکه همچنان سبب جابجایی افرادی شد که معیشت آنها وابسته به کشت کوکنار است. برنامه زون غذایی هلمند با انجام این کار، شرایط پیگیری کشت در زمین های جدید و افزایش تصاعدی تولید تریاک را فراهم کرد و همراه با آن، رشته ای از تاثیرات درجه دوم و سوم را پدید آورد که فرجام برخی از آنها هنوز به صورت کامل روشن نیست.

۱. ۲. ۶ افزایش جمعیت و تراکم کوکنار

جمعیت منطقه شمال بغرا قبل از برنامه زون غذایی هلمند در حال افزایش بود. با این حال، این برنامه عوامل مختلفی را پدید آورد که نه تنها سبب افزایش نرخ اسکان در مناطق قبلا صحرایی شد، بلکه بخش های بیشتری از این منطقه را زیر کشت برد و تولید تریاک را شدت بخشید. با فرا رسیدن سال ۲۰۱۸، تقریباً ۶۰۰،۰۰۰ نفر در محدوده ی تقریباً ۶۰،۰۰۰ هکتار از اراضی زراعتی زندگی می کنند، رقمی که در مقایسه با ۸۸۲ هکتار زمین زیر کشت در سال ۲۰۰۲ و کمتر از ۱۰،۰۰۰ نفر ساکنین، افزایش چشم گیری را نشان می دهد.

در ابتدا، مسکونی سازی مناطق قبلا صحرایی بطلی بود و عمدتاً در نتیجه غصب زمین توسط بازیگران قدرتمند مرتبط با والی شیر محمد آخند زاده (۲۰۰۲-۲۰۰۵) و حکومت کرزی شکل گرفت. این افراد - که بسیاری از آنها دارای موقف رسمی بودند و برخی دیگر با حکومت مرکزی یا ولایتی آن وقت روابط غیر رسمی داشتند - در قریه های منطقه صحرایی جنوب کانال سکونت می کردند و مدعی حق سنتی بر زمین های صحرایی بودند. زمین ابتدا توسط این افراد تصرف شد و به طرفداران آنها و روستایی ها اهدا شد، سپس در ابتدا با قیمت های نسبتاً پایین فروخته شد. در نبود پاسخگویی معنی دار مسئولان دولتی، زمین های بیشتر گرفته شد و هم میزان فروش و هم قیمت زمین افزایش یافت.

برنامه زون غذایی هلمند افراد کم زمین را به مناطق قبلا صحرایی شمال کانال بغرا راند، جایی که آنها شروع به کشت بیشتر کوکنار نمودند (به شکل ۲۰ نگاه کنید). به خصوص، ممنوعیت وسیع کوکنار در زون غذایی هلمند سبب شد شمار بیشتر خانوارهای زمیندار در منطقه زیر آبیاری کانال از کشت کوکنار دست بکشند و به محصولات کم کاربر تر، خصوصاً مانند گندم، رو آورند. این بدان معناست که بسیاری از خانوارهای صاحب زمین برای کار روی زمین خود نیازی به استخدام دهقانان مستاجر یا اجاره داران سهم گیر، ندارند. در نتیجه، افراد کم زمین مجبور بودند جای دیگری زمین پیدا کنند، نه تنها برای اینکه از طریق تولیدات زراعتی درآمد داشته باشند، بلکه بتوانند برای خود سرپناه، آب و غذا پیدا کنند. این افراد همان دهقانانی بودند که در زون غذایی هلمند کمترین احتمال دریافت کمک های انکشافی را داشتند؛ افراد کم زمین دیدند که از پلان کمک به زمین دارها حذف شده اند و با مکانیزم های توزیع کمک روبرو شدند که بر اساس حمایت و فساد عمل می کردند.

افراد کم زمین بدون دریافت کمک هدفمند و با دسترسی به زمین کمتر برای زراعت سهمیه ای یا اجاره در مناطق زیر آبیاری کانال در محدوده زون غذایی هلمند، در جستجوی زمین قابل کشت به منطقه شمال کانال بغرا منتقل شدند (به شکل ۲۱ نگاه کنید). کسانی که در این منطقه صاحب زمین بودند، مشتاق این جریان کار ارزان و نسبتاً ماهر بودند. در این زمان، بخش اعظم زمین های شمال کانال بغرا قبلاً گرفته شده و از طریق اهدا یا فروش به قیمت نسبتاً ناچیز، توزیع شده بود، اما مقدار قابل توجهی از آن هنوز غیر قابل استفاده مانده بود. زون غذایی هلمند به عرضه این نیروی عظیم کارگر نیازمند زمین و درآمد پایدار کمک کرد و شرایط را برای رشد بیشتر کوکنار فراهم ساخت.

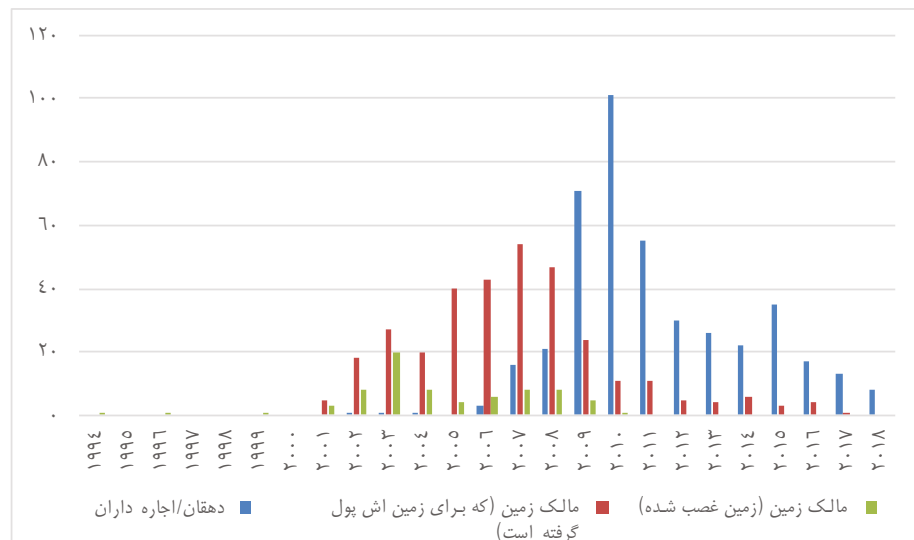
AGRICULTURAL EXPANSION

North of Bogra Canal
Helmand



شکل ۲۰: مساحت زیر کشت در شمال بغرا ۲۰۱۸-۲۰۰۲

شکل ۲۱: سال اسکان در منطقه شمال بغرا، از طریق اجاره زمین، ۱۹۹۴-۲۰۱۸



افراد کم زمین پس از کوچ به سمت شمال کانال بغرا، با ترتیبات کاملاً متفاوتی برای اجاره سهمیه ای زمین مواجه شدند؛ ترتیباتی که آنها را وادار کرد نسبت به گذشته کوکنار بیشتر تولید کنند. در حالی که افراد کم زمین در مناطق زیر آبیاری کانال در نادعلی، مارجه و لشکرگاه، به طور معمول یک سوم محصول نهایی تریاک را دریافت می کردند، در مناطق قبلا صحرایی فقط یک پنجم محصول را دریافت می کردند. در نتیجه، خانوارهای اجاره دار پس از انتقال به مناطق قبلا صحرایی مجبور شدند برای حفظ استاندارد زندگی که در زون غذایی هلمند داشتند، زمین بیشتری را کوکنار کشت کنند.

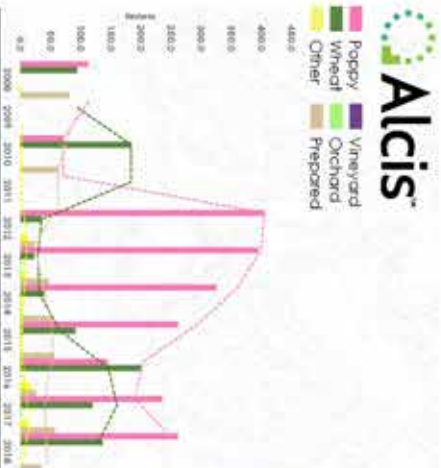
واقعیت این است، وقتی که این افراد به شمال بغرا نقل مکان کردند، خانوارهای اجاره دار سهمیه ای به امید اینکه شاید بتوانند آنجا زمین بخرند، به کشت کوکنار بیشتر ترغیب شدند. در حالی که قیمت هر جریب زمین در قسمت های آبیاری شده زون غذایی هلمند بین سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ به ۱۰ هزار دالر آمریکایی می رسید، قیمت هر جریب زمین در مناطق قبلا صحرایی از ۱۹۰ دالر تا ۳۷۵ دالر بود. به امید "سال خوب" - هم از نظر محصول و هم قیمت بالا - که به آنها فرصت می داد در مناطق صحرایی سابق زمین بخرند، میزان زمینی که به کشت کوکنار اختصاص داده می شد مدام افزایش یافت زیرا تعداد بیشتر اجاره داران سهمیه ای به این مناطق قبلا صحرایی منتقل شدند و کوکنار بیشتری کشت کردند. (به شکل ۲۲ نگاه کنید).

حتی پس از بسته شدن زون غذایی هلمند در اواخر سال ۲۰۱۱، دهاقین به کوچ به مناطق قبلا صحرایی ادامه دادند. الگوی ورود و اسکان در این منطقه مؤثر ثابت شد و علی رغم شرایط سخت در بدو ورود، مانعی برای جلوگیری از کوچ دهقان های بیشتر به آنجا وجود نداشت. در حقیقت، حتی بازدهی پایین تریاک برای سال های متوالی بین ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵، مهاجرت به منطقه قبلا صحرایی را به طور کامل جلوگیری نکرد، حتی اگر تأثیر اندکی داشته است.

در سال ۲۰۱۸، تقریباً ۶۰،۰۰۰ هکتار زمین زیر کشت در مناطق صحرایی سابق وجود داشت، رقمی که نشان دهنده افزایش چشم گیر از ۸۸۲ هکتار در سال ۲۰۰۲ و ۱۵،۱۴۳ هکتار از زمان آغاز زون غذایی هلمند است. از سال ۲۰۱۴، عمدتاً تشدید جنگ باعث انتقال خانوارها به شمال بغرا شده است، بر علاوه بهبود محصول تریاک در سال ۲۰۱۶، با این حال، هنوز برخی از دهقان ها از تلاش های مداوم حکومت جمهوری اسلامی افغانستان برای ممنوعیت کشت کوکنار و اجبار آنها برای جستجوی زمین در مناطق صحرایی، شکایت دارند. در سال ۲۰۱۸، بیشتر این دهقان ها از مناطقی مانند لوی باغ و شین کلی آمده بودند، جایی که نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان تلاش های تازه ای را برای بیرون راندن طالبان از این منطقه آغاز کرده بود؛ عملیاتی که موجب اختلال در فصل کاشت خزانی و جابجایی اجباری بخش هایی از جمعیت شد (به شکل ۲۳ نگاه کنید). بدین ترتیب، منطقه صحرایی سابق همچنان به عنوان پناهگاه برای کسانی تلقی می شود که به دنبال فرار از پالیسی های حکومت جمهوری اسلامی افغانستان و در جستجوی فرصت اقتصادی اند، دقیقاً مانند دوره زون غذایی هلمند.

۱۰۱ «هیچ علاقه ای به این حکومت ندارم به خاطری که از این حکومت فرار کردیم و اینجا آمدیم.» (شنه جامه #۶؛ در سال ۲۰۱۶ به دلیل جنگ زرغون کلی را ترک کرد)؛ «من به خاطر این حکومت به صحرا فرار کردم. حکومت خوبی نیست. برای مردم مشکل خلق می کند»، (دشت نوباد شوال #۱۰، در سال ۲۰۱۸ به دلیل جنگ نوباد شوال را ترک کرد).

SHNA JAMA 2008 - 2018 Nad Ali, Helmand



2011

Data not available

2015

2008

2009

Data not available

2010

2012

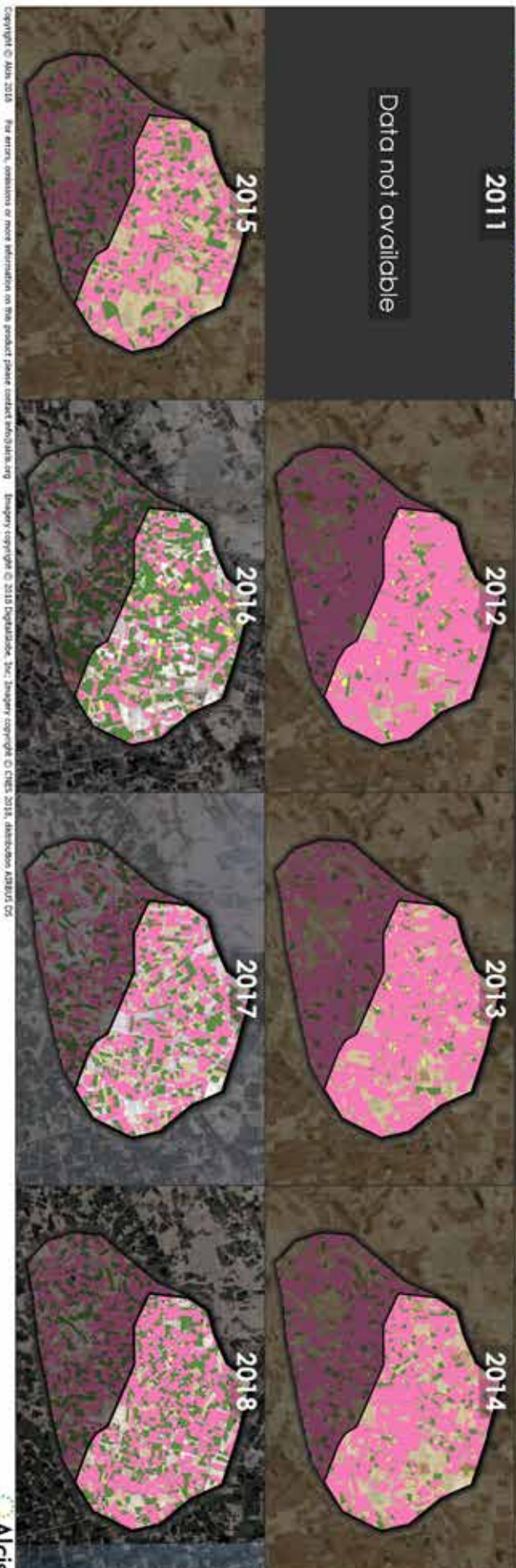
2013

2014

2016

2017

2018



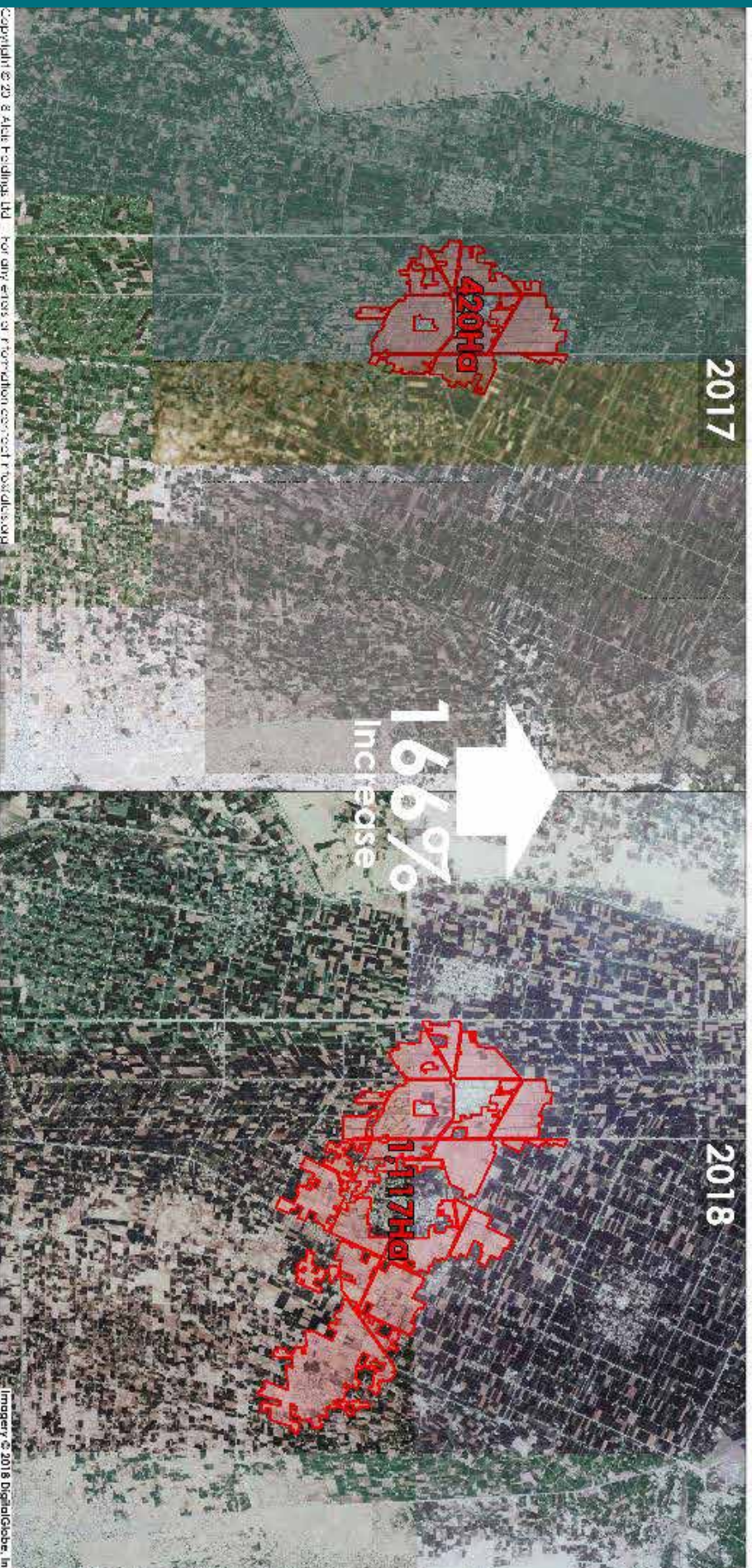
Copyright © Alcis 2018. For errors, omissions or more information on this product please contact sales@alcis.org. Imagery copyright © 2010 DigitalGlobe, Inc.; Imagery copyright © CNES 2018; distribution Airbus DS.



شکل ۱۲: تراکم بیشتر کشت کوکار در مناطق قیلا صحرائی شمال بغا در شنه جامه، نادعلی



Abandoned Agriculture Luy Bagh, Nade Ali



شکل ۱۳: زمین‌هایی که به دلیل جنگ در لوی باغ ناده‌الی در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ رها شدند

۶. ۲. ۲. رشد اقتصادی و نوآوری زراعتی

با استقرار بیشتر جمعیت منطقه بغرا و نبود مقاومت در برابر ورود فزاینده افراد، این منطقه شاهد سرمایه گذاری بیشتری بود. تا سال ۲۰۱۲، بازارهای دائمی در تعدادی از مناطق ایجاد شد که جایگزین بازارهای موقت هفتگی یا میله شدند. این امر دسترسی به اجناس و خدمات را در منطقه صحرایی سابق افزایش داده و ضرورت سفر به بازارهای مراکز ولسوالی ها و لشکرگاه را کاهش داد. برخی از این بازارها بزرگ است و از ۸۰ تا ۱۰۰ دکان دارد، مانند بازارهای کاظم و تریاک در مناطق قبلا صحرایی نادعلی. این بازارها نماد جمعیتی است که در آن ریشه کرده است (به شکل ۲۴ و ۲۵ نگاه کنید).

افزایش قیمت زمین در مناطق قبلا صحرایی نمایانگر رشد اقتصادی نیز هست. از زمان استقرار نخستین ساکنین این منطقه، قیمت زمین به صورت تصاعدی افزایش یافته است. در سال ۲۰۰۳، امکان داشت یک جریب زمین با قیمت حدود ۸۵ دالر امریکایی خریداری شود. در سال ۲۰۱۶، در مناطق نزدیک به کانال، مانند دشت نوباد شوال و دشت لوی منده، قیمت هر جریب زمین به ۵۲۵،۱ دالر امریکایی رسیده است. حتی در فاصله کمی از کانال در شنه جامه، در عین سال هر جریب زمین به قیمت ۱،۲۴۹ دالر فروخته شده است.

توجه به این نکته مهم است که بخش اعظم این منطقه بهبود یافته است و امروزه آن بیابان خشکی که هنگام ورود ساکنین اولیه آن بود، نیست. سنگ ها از روی زمین پاک شده است، سطح آن برای آبیاری هموار شده و چاه های عمیق حفر شده است. در برخی موارد، خریداران جدید در کنار زمین اقدام به خرید یک خانه ابتدایی و محوطه می کنند. با این وجود، کسانی که به آنها زمین داده شده یا آن را تصرف کرده اند، یا حتی آنهایی که در سال های اولیه مسکونی شدن این منطقه زمین را خریداری کرده اند، سود خوبی از سرمایه گذاری های خود به دست آورده اند. احتمالاً بابت فروش ده جریب زمین تا ۸،۴۰۰ دالر امریکایی درآمد کسب کرده اند که ۸۴۰ دالر برای هر جریب است.^{۱۰۲}

^{۱۰۲} این محاسبه شامل هزینه ی ساختن یک خانه ساده و حفر یک چاه به قیمت ۳۲۵،۰۰۰ روپیه پاکستانی و اهدا یا تصرف زمین و فروش هر جریب زمین به قیمت ۱۶۰،۰۰۰ روپیه پاکستانی است.



شکل ۲۴: تغییرات بازار کاظم، مناطق صحرایی نادعلی، هلمند، ۲۰۱۸-۲۰۰۸



Alcis

TARIYAK BAZAAR

Nad-e-Ali
Helmand

مرحله بعدی فروش زمین ممکن است حتی قیمت های بالاتری را جلب کند، عمدتاً به دلیل استفاده گسترده از تکنالوژی برق آفتابی، که نه تنها مستلزم سرمایه گذاری بیشتر روی زمین است بلکه تصور موفقیت مدل اقتصادی در مناطق صحرایی سابق را تقویت کرده است - حداقل در کوتاه مدت و میان مدت (به شکل ۲۶ نگاه کنید). سرمایه گذاری روی این تکنالوژی، تا حدودی، نتیجه کاهش محصول تریاک و سود پایین تر آن بین سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ است. هزینه دیزل (به خصوص در سال ۲۰۱۳) و هزینه بالای تعمیرات در کنار منفعت کم باعث شد که بسیاری از دهاقین در این دوره از لحاظ محصول تریاک متحمل خسارت شوند (به ویژه، دهاقین اجاره دار و صاحب خانه هایی که در هنگام برداشت محصول به کارگر اجیر متکی بودند).^{۱۰۳}

گرچه تکنالوژی برق آفتابی در سال اولیه با هزینه قسطی حدود ۵،۰۰۰ دلار امریکایی گران بود، اما هزینه های مکرر دیزل و بسیاری از هزینه های تعمیر را - که عمدتاً ناشی از استفاده گسترده از دیزل قاطی غیر استاندارد بود - از بین برد و بار دیگر به دهقان ها فرصت داد از کوکنار سود خالص به دست آورند.^{۱۰۴} دهقان ها هزینه های بیشتری برای نصب یک چاه لوله ای با برق آفتابی متحمل شدند، که عمدتاً ناشی از ایجاد ذخیره است که آب زیرزمینی به سطح زمین کشیده شده و قبل از آبیاری محصولات، در این ذخیره نگهداری می شود. با این حال، اینها عمدتاً هزینه های غیر نقدی بودند.

^{۱۰۳} منسفیلد دی. «از بد بدتر شد: تمرکز کوکنار در ساحات جنگ زده در ولایت های هلمند و ننگرهار»، رشته مطالعات موردی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۴).

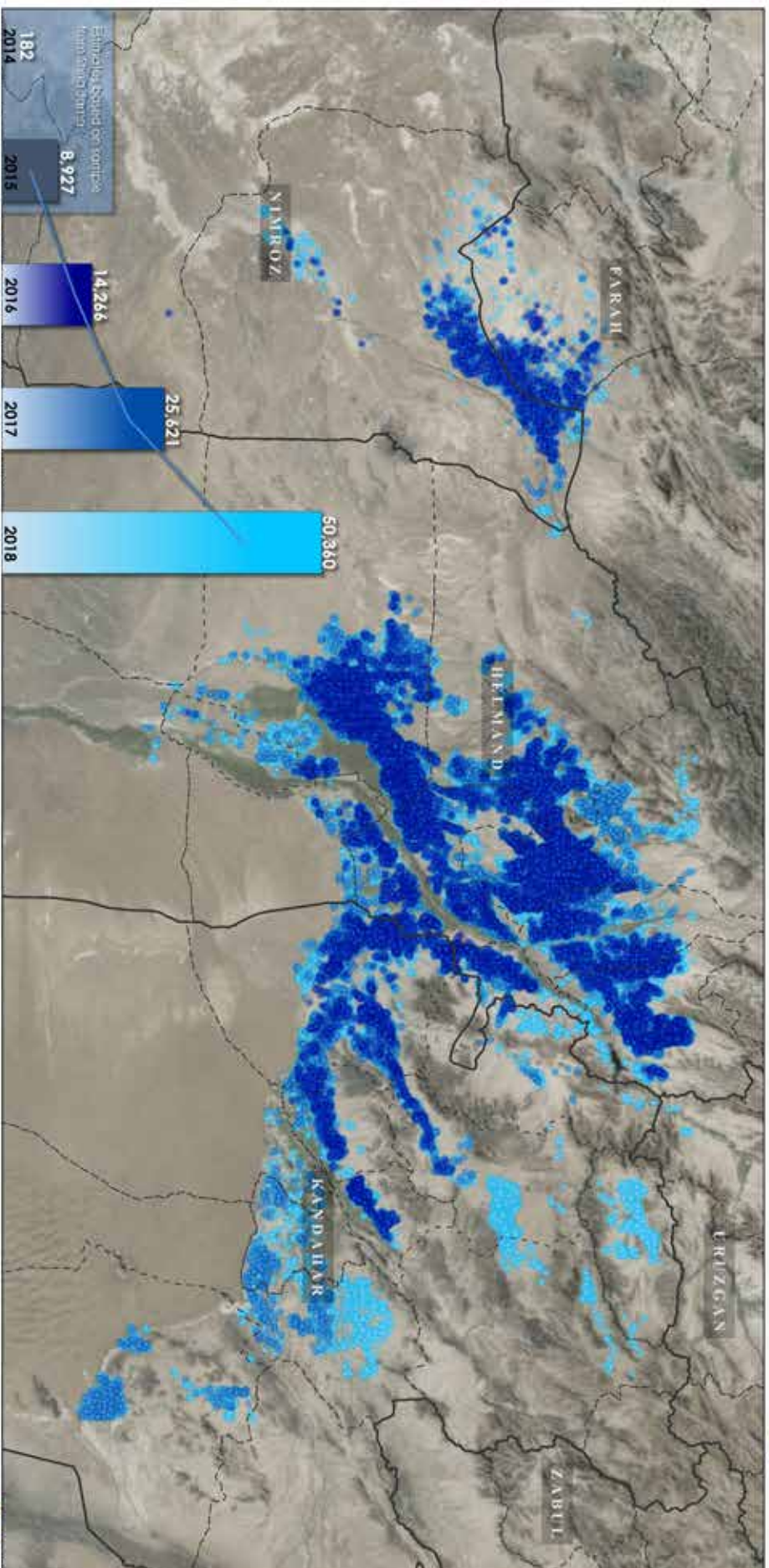
^{۱۰۴} دیوید منسفیلد، پاول فیشتاین و OSDR. «زمان حرکت فرا رسیده است: تدوین پاسخ درست انکشافی به کشت کوکنار در افغانستان»، (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان: کابل، ۲۰۱۶) ص ۳۰.



شکل ۲۶: چاه لوله‌ای با برق آفتابی و ذخیره مربوطه

آنچه در جریان کارهای ساحوی و تصاویر ماهواره ای با کیفیت بالا به عنوان چند نمونه دور افتاده سرمایه گذاری دهقان ها در تکنالوژی آفتابی گفته شد، بسیار زود رایج شد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۴، تنها یک چاه لوله‌ای با برق آفتابی در سایت تحقیقاتی شنه جامه در شمال منطقه صحرائی سابق مشاهده شد. در سال ۲۰۱۵، این تعداد به ۴۸ مورد افزایش یافته بود. در سال ۲۰۱۶، این رقم به ۹۸ مورد رسیده بود. در سال ۲۰۱۸، مجموعاً ۲۱۷ چاه لوله‌ای تنها در این یک سایت تحقیقاتی وجود داشت. در کل منطقه جنوب غربی، تعداد چاه های لوله‌ای با برق آفتابی از کمتر از ۱۴،۲۶۶ در سال ۲۰۱۶ به ۵۰،۳۶۰ در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است (به شکل ۲۷ نگاه کنید).

Reservoirs in South West Afghanistan 2016 - 2018



شکل ۲۷: تعداد ذخیره ها (و چاه های دارای برق آبیایی
مرتبط به آن) در جنوب غرب افغانستان: ۲۰۱۸-۲۰۱۶

۳. ۲. ۶. تاثیرات زیست محیطی

نگرانی های فزاینده ای در مورد تأثیر کشت زیاد مناطق قبلا صحرایی و به خصوص رشد گسترده کوکنار بر محیط زیست و سلامت انسان در شمال بغرا و احتمالا مناطق دورتر از آن، وجود دارد.

واضح ترین تأثیر زیست محیطی، تأثیر آن بر آب های زیرزمینی شمال بغرا است. در حال حاضر، در باره سفره آب این منطقه معلومات اندکی وجود دارد. با این حال، خود دهقان ها در باره استفاده از چاه های لوله ای با برق آفتابی و اثرات آن بر سفره آب منطقه ابراز نگرانی می کنند. در حالی که دهقان ها گزارش می دهند که سفره آب قبلا سالانه از نیم متر تا یک متر پایین تر می رفت، از زمانی که دیزل به عنوان روش اصلی پمپ آب زیرزمینی استفاده می شود، بر اساس گزارش دهقان ها سفره آب اکنون سالانه دو تا سه متر در حال پایین تر شدن است^{۱۰۵}. در این منطقه تردید کمی وجود دارد که این مساله نتیجه مستقیم افزایش چشمگیر تعداد دهقان هایی است که از تکنالوژی برق آفتابی استفاده می کنند و نگرانی وجود دارد که در نهایت آب به اتمام برسد.

برق آفتابی این تصور مشترک را ایجاد کرده است که «آب رایگان است» و انگیزه اندکی برای جلوگیری از اتلاف آب وجود دارد. مساحت ذخیره هایی که به چاه های لوله ای وصل اند می تواند به ۱۲۰۰ متر مربع برسد. این ذخیره ها فاقد روکش است و به خاطر نشت آب یا تبخیر، ضایعات آن زیاد است (هرچند نشت آب دوباره به سفره آب بر می گردد) دهقان ها غالبا در کل روز به طور مداوم از چاه های لوله ای آفتابی آب می کشند تا ذخیره های شان را پر کنند. برخی از دهقان ها در کنار برق آفتابی، در طول شب از ماشین دیزلی استفاده می کنند. نگرانی ها به اندازه ای بالا بود که در سال ۲۰۱۸ ادعا شد طالبان استفاده از پمپ های دیزلی را در شب در منطقه شمال بغرا ممنوع کرده اند، در نتیجه مقدار آب زیرزمینی را که می توان استخراج کرد محدود کرد.

گذشته از سفره آب در حال سقوط، شواهدی وجود دارد که نشان می دهد آب زیرزمینی آلوده است. به عنوان مثال، آزمایش کیمیاوی آب زیرزمینی در منطقه قبلا صحرایی نشان می دهد که سطح نایتريت بیش از میزان ۵۰ میلی گرام در لیتر^{۱۰۶} است که از سوی سازمان جهانی صحت توصیه شده است - در برخی از جاها بیش از دو برابر مقدار توصیه شده - موضوعی که خطر ابتلا به «سندروم نوزاد آبی»^{۱۰۷} را به شدت افزایش می دهد. این وضعیت که به عنوان متاموگلوبینمی (methemoglobinemia) شناخته می شود، با استفاده از کودهای زراعتی ارتباط نزدیک دارد و در صورت عدم تداوی می تواند منجر به مرگ شود.

علاوه بر این، استفاده گسترده از سموم علف کش در کشت کوکنار خطرات زیست محیطی زیادی به همراه دارد. در حالی که استفاده از سموم علف کش و سموم دفع آفات لزوما با زون غذایی هلمند و ممنوعیت کوکنار در منطقه زیر آبیاری کانال ارتباط مستقیم ندارد، کار ساحوی نشان می دهد که استفاده از این سموم در مناطق قبلا صحرایی زودتر شروع شده و به مراتب گسترده تر از زون غذایی هلمند بوده است^{۱۰۸}. این امر می تواند تا حدودی ناشی از میزان کشت کوکنار در مناطق قبلا صحرایی باشد. به جای اینکه محصول کوکنار سه بار با دست علف چینی شود، علف کش ها فقط یک بار استفاده می شود. در نتیجه، استفاده از سموم علف کش تقاضای کار اجیر را در طول فصل شلوع علف چینی کاهش داده و از این طریق هزینه کاشت کوکنار بیشتر را پایین آورده است.

تحقیقات ساحوی نشان می دهد که دهاقین از طیف گسترده ای از علف کش ها در محصول کوکنار استفاده می کنند. برخی از این علف کش ها دوباره بسته بندی می شوند و بدین ترتیب شناسایی اجزای کیمیاوی و سمومیت مرتبط با آنها سخت می شود. با این حال، به نظر می رسد برخی از علف کش های غیر انتخابی (نامطلوب) که در ابتدا در کشت کوکنار استفاده می شد، مانند پاراکوات^{۱۰۹}، اکنون تا حد زیادی با علف کش های انتخابی جایگزین شده اند که استفاده آن کمتر زمانبر است و به صورت بالقوه برای سلامتی انسان کمتر مضر است. با این وجود، دهقان ها درک اندکی از خطرات صحتی مرتبط با این مواد کیمیاوی زراعی دارند و در هنگام استفاده از آنها، پوشش مناسب بر تن ندارند، کاری که هم بزرگسالان و هم کودکان را در معرض آلودگی به آن قرار می دهد (به شکل ۲۸ نگاه کنید).

۱۰۵ دانش دهقان ها در مورد عمق آب های زمینی شان ناشی از کار حفظ و مراقبت چاه های عمیق شان است. برای مثال، پاسخ دهندگان گزارش داده اند که پمپ های آب شان را تبدیل می کنند و برای این کار آن را از کف چاه بالا می کشند. دهقان ها همچنان گفته اند ضرورت دارند پمپ هایی را که برای کشیدن آب از چاه استفاده می شود، درازتر کنند.

۱۰۶ این نتایج مربوط به ۱۱ نمونه از ۲۰ نمونه ای است که در جریان کار ساحوی جمع آوری شد

۱۰۷ نیکول گالان، «سندروم نوزاد آبی چیست؟» میدیکل نیوز تودی، ۲۹ می ۲۰۱۸.

۱۰۸ منسفیلد دی. «از بد بدتر شد: تمرکز کوکنار در ساحات جنگ زده در ولایت های هلمند و ننگرهار»، رشته مطالعات موردی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۴)، ص ۶۲.

۱۰۹ منسفیلد دی. «از بد بدتر شد: تمرکز کوکنار در ساحات جنگ زده در ولایت های هلمند و ننگرهار»، رشته مطالعات موردی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان. (کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۴)، ص ۶۴.



شکل ۲۸: دهقان و پسرش در حال سم پاشی مزرعه کونار در منطقه شمال بغرا، هلمند، مارچ ۲۰۱۹.

۴. ۲. ۶. پیامدهای سیاسی و اجتماعی مسکن‌گزینی

زون غذایی هلمند بر روی افرادی که تصور می‌کنند بیش از همه از ممنوعیت کوکنار رنج کشیده‌اند، تأثیر ماندگاری گذاشته است. اکثر این افراد معتقدند که مجبور شده‌اند به مناطق صحرایی شمال بغرا منتقل شوند. در حقیقت، بیشتر دهقان‌ها در این مناطق قبلاً صحرایی تصور می‌کنند که با اقدامات حکومت افغانستان و حامیان خارجی آن از مناطق زیر آبیاری کانال اخراج شده‌اند. آنها، به ویژه، دولت را از نظر مقاومت در برابر فشار مواضع پالیسی قدرت‌های خارجی - مانند ممنوعیت کوکنار یا بمباران آزمایشگاه‌های هیرویین^{۱۱۰} - ناتوان و برای تامین امنیت منطقه در برابر شورشیان طالبان بسیار ضعیف می‌دانند^{۱۱۱}. معمولاً، دهقان‌های شمال کانال از دولت اظهار انزجار می‌کنند - گاهی با تعابیر زننده - و از شورشیان پشتیبانی می‌کنند^{۱۱۲}. این نباید تعجب‌آور باشد، زیرا بسیاری از آنها واجد شرایط کمک‌های انکشافی نبودند و حد اقل نمی‌توانستند به دلیل سیستم فاسد حمایتی که بر توزیع مواد زراعتی حاکم است از مواد بهره‌مند شوند و با اعمال ممنوعیت کوکنار بیشتر از دیگران ضرر می‌بینند. آنها افراد کم‌زمینی‌اند که از هر نوع کمک انکشافی که در هلمند از سوی حکومت و کمک‌کنندگان بین‌المللی داده می‌شد، محروم بودند.

زنان خانوار بیش از همه از انتقال به مناطق قبلاً صحرایی متأثر شدند. در حالی که مردان شمال بغرا رویکردی نسبتاً کارکردگرایانه به زندگی دارند، و فکر می‌کنند پس از سال‌ها زندگی در مناطق قبلاً صحرایی بیشتر مشکلات آنها برطرف شده است، اما زنان فکر می‌کنند مشکلات آنها همچنان ادامه دارد. پس از پاکسازی زمین، حفر یک چاه عمیق، ساختن یک خانه و کاشت چند درخت برای محافظت از آفتاب شدید صحرا، اکثر مردان در شمال بغرا می‌گویند زندگی «خوب» است. اما مردان با معضلات اجتماعی و فرهنگی که زنان با آن روبرو‌اند، گرفتار نیستند. مردان می‌توانند سفر کنند، از بازار یا مارکیت محلی بازدید کنند، از همسایگان و دوستان در این منطقه بخواهند به منطقه آبیاری شده کانال و به شهرهای لشکرگاه و گرشک سفر کنند. برای زنان، زندگی در مناطق قبلاً صحرایی بسیار محدودتر است و پس از رفع چالش‌های اولیه داشتن سرپناه و زمین زراعتی مناسب، مشکل گشت و گذار و زحمت کار همچنان باقی می‌ماند.

در حقیقت، زنان در این مناطق صحرایی زندگی خود را بسیار سخت‌تر از زمانی می‌بینند که در مناطق زیر آبیاری کانال زون غذایی هلمند زندگی می‌کردند، عمدتاً به خاطر آب و هوا، افزایش حجم کار و ویژگی‌های پشتونوالی و اعمال پالیسی گوشه‌نشینی زنان پس از دور شدن خانوار از اعضای خانواده کلان‌شان. زنان به ویژه شکایت داشتند که حرکات آنها به شدت محدود شده است. بازدید از میله یا بازار محلی صورت نمی‌گیرد، ارتباط با همسایگانی که از عین خانواده یا احتمالاً حتی از همان قبیله نیستند بسیار بعید است، و سفر به منطقه زیر آبیاری کانال برای دیدار خانواده و وابستگان نزدیک نیز نامحتمل است. زنان گفته‌اند به دلیل ارتباطات محدود، محدودیت سفر و عدم کفایت اوقات فراغت، نتوانسته‌اند در مراسم تشییع جنازه اعضای نزدیک خانواده^{۱۱۳}، از جمله پدر^{۱۱۴}، شرکت کنند.

برخی از زنان محدودیت‌های تحرک خود را با «بودن در زندان» مقایسه کردند^{۱۱۵}. زنان دیگر در مورد انزوا، تنهایی^{۱۱۶} و داشتن «زندگی فردی، و نداشتن زندگی اجتماعی»^{۱۱۷} سخن گفتند. زنانی بودند که از «غم بیش از حد»^{۱۱۸}، همچنین افسردگی خودشان^{۱۱۹} و دیگران^{۱۲۰} صحبت می‌کردند. حتی گزارش خودکشی وجود دارد^{۱۲۱}. نبود کلینیک یا شفاخانه در شمال کانال بغرا به معنی این است که به جز سفر به گرشک یا لشکرگاه، امکانات زیادی برای تداوی وجود ندارد، با تمام چالش‌هایی که این سفرها به همراه دارد. یکی از زنان انتقال به صحرا را این‌گونه توصیف کرد: «وقتی وارد صحرا شدیم تحت فشار زیادی قرار گرفتیم. زندگی در آنجا هرگز آسان نیست. اگر مریض شوید در خانه می‌مانید، راه حلی برای تداوی وجود ندارد»^{۱۲۲}. زن دیگری چنین گفت: «زندگی خوب نیست. ما به هیچکس دسترسی نداریم. نمی‌توانیم به داکتر مراجعه کنیم»^{۱۲۳}.

۱۱۰ «حکومت برده آمریکا است. اختیار ندار؛ همیشه از دستورات آمریکا اطاعت می‌کند.» (دشت خوشال کلی #۶).

۱۱۱ «مادرشان را می‌***. اگر [حکومت] قدرت دارد، ولسوالی‌ها را بگیرد و به مردم امنیت بیاورد، اما همه ولسوالی‌ها زیر کنترل طالبان است.» (دشت شین کلی #۳)

۱۱۲ «زن این مردم دیوث [در حکومت] را ب***. نام‌شان را بگیر. اینجا طالبان است و ما از این مردم [حکومت] راحتیم.» (دشت شین کلی #۱۴).

۱۱۳ ۳۴#F

۱۱۴ ۱#F

۱۱۵ ۱#F

۱۱۶ ۳#F «ما آنجا اکثراً تنها بودیم.»

۱۱۷ ۳#F

۱۱۸ ۴۷#F

۱۱۹ ۱۰#F

۱۲۰ «افسردگی بین مردم زیادتر شده است.» ۶#F: «زنانی را در صحرا می‌شناسم که دچار افسردگی‌اند.» ۲۶#F.

۱۲۱ یک گزارش خودکشی در مناطق قبلاً صحرایی نادعلی وجود داشت. ادعا شده بود که یک زن برای پایان دادن به زندگی خود تریاک خورده بود.

۱۲۲ ۱۳#F

۱۲۳ ۲۷#F

گذشته از عدم تحرک زنان، آنها همچنین درباره این که زندگی در مناطق صحرایی به خصوص در سال‌های اولیه استقرار در آنجا چقدر دشوار است صحبت کردند. چنانچه یکی از زن‌ها فریاد زد: «وقتی به صحرا می‌رسید، هیچ خانه مناسب، هیچ درختی وجود ندارد؛ یک بیابان سوزناک است. اما این وظیفه ماست.»^{۱۲۴} افراد دیگر در مورد محیط تاریک و دشواری‌هایی که تحمل می‌کنند سخن گفتند: «در صحرا غیر از باد و غبار هیچ چیزی نمی‌بینی.»^{۱۲۵} بسیاری از زن‌ها از حجم کاری که در مناطق صحرایی از آنها خواسته می‌شود (به خصوص کار روی زمین) شکایت داشتند.

دیده می‌شود که میزان تلاش در مقایسه با زندگی قبلی آنها در منطقه تحت آبیاری کانال به شدت افزایش یافته است. بیشتر این کارها مربوط به مراقبت از مواشی و جمع‌آوری هیزم بود. چیدن علف‌های هرزه کوکنار و تهیه غذا برای کارگران شاغل در هنگام برداشت کوکنار نیز بخشی از کارها است. بعضی از زن‌ها وقتی در منطقه تحت آبیاری کانال هلمند زندگی می‌کردند روی زمین کار نمی‌کردند و کوچ به صحرا برای آنها یک شوک تمام عیار بوده است: «[در دشت] ما در مزرعه کار می‌کنیم. در (منطقه آبیاری شده) ما کار نمی‌کردیم.»^{۱۲۶}

کسانی که از خانوارهایی بودند که در منطقه قبلا صحرایی زمین داشتند، به کار خسته‌کننده اشاره کردند، اما مزایای اقتصادی را که یک دهقان در صحرا می‌تواند به وجود آورد، تایید کردند. چنانچه یک زن بیان کرد: «وقتی به صحرا منتقل شدیم، زندگی بهتر شد؛ اما زندگی من خوب نیست چون من خیلی روی زمین کار می‌کنم.»^{۱۲۷} بیشتر زن‌ها وقتی در مورد سختی‌هایی که در طول زندگی در صحرا^{۱۲۸} و نداشتن گزینه بدیل صحبت می‌کردند، به «زندگی بهتر» و «غذای بهتر» هم اشاره می‌کردند: «اگر ما می‌توانستیم در هر مکان دیگری زندگی کنیم، به صحرا نمی‌رفتیم. به خاطری که هیچ انتخاب دیگری نیست، ما این زندگی را می‌پذیریم؛ حالا بهتر از زمانی است که هیچ زمین نداشتیم.»^{۱۲۹}

جالب است که فقط تعداد معدودی از زنان خانوار گفته‌اند که در طی زمان حضور در زمین‌های صحرایی دارایی قابل توجهی به دست آورده‌اند. به عنوان مثال، یک زن اهل موسی قلعه با اشاره به اینکه خانواده اش ۲۷ جریب زمین به دست آورده است، گفت: «زندگی ما بهتر شده است و اکنون یک اجاره دار سهمیه ای داریم.»^{۱۳۰}

برای افراد فاقد زمین، بین یک دهقان در منطقه زیر آبیاری کانال و دهقانی در مناطق قبلا صحرایی چندان تفاوت ندارد. چنانچه مادر یک خانوار که قبلاً در خوشحال کلی نادهلی زندگی می‌کرد و اکنون ۹ جریب زمین را در صحرا به صورت سهمیه ای اجاره گرفته است گفت: «ما بسیار فقیر هستیم. امیدوار بودیم در صحرا زندگی خوبی پیدا کنیم اما تغییری به وجود نیامد. هر کجا که باشیم ما همیشه مشغول کار در مزرعه ایم.»^{۱۳۱}

صرف نظر از زمین و دارایی شان، بازگشت به منطقه زیر آبیاری کانال برای این زنان مثل حضور در «تفریح گاه» یا «رخصتی» است. این زنان می‌توانند یک بار دیگر برای دیدار خانواده و دوستان خود سفر کنند و حتی برای خرید به لشکرگاه بروند. می‌توانند از گرمای شدید تابستان صحرا فرار کنند و با وجود اینکه اکثریت قریب به اتفاق زنان فاقد زمین‌اند و در فصل تابستان زمانی که مردان خانواده در جستجوی فرصت‌های کارگری به شهر می‌روند، در محله‌های اطراف لشکرگاه در خانه‌های کرایه‌ای زندگی می‌کنند، خوشحال می‌شوند که دوباره به منطقه کانال برگشته‌اند.^{۱۳۲}

چنانچه زنی که اصالتاً از گرمسیر است اما هفت سال در مناطق قبلا صحرایی زندگی کرده بود، توضیح داد: «حالا ما در وطن هستیم، اینجا همه چیز موجود است.»^{۱۳۳} این زنان از آزادی موقت خود لذت می‌برند، هرچند می‌دانند که در فصل خزان به بیابان باز می‌گردند: «به خاطر فقر، همه مشکلات دشت را قبول می‌کنیم.»^{۱۳۴}

۱۲۴ ۲#F

۱۲۵ ۱۲#F

۱۲۶ ۱#F

۱۲۷ ۱۲#F

۱۲۸ ۲۶#F

۱۲۹ ۴۹#F

۱۳۰ ۲۴#F

۱۳۱ ۲۲#F

۱۳۲ «وقتی اینجا برگشتیم، خوشحالیم. به کلینیک دسترسی داریم؛ اطفال به مکتب دسترسی دارند. اینجا می‌توانیم برای خانواده غذای خوب پیدا کنیم.» ۴#F

۱۳۳ ۶#F

۱۳۴ ۲۲#F

در مجموع، انتقال به صحرا نه برای زنان و نه مردان، هیچگاهی ایده آل نبوده است. از سر ناگزیری نقل مکان کرده اند: در نتیجه فقر، خشونت و نبود معیشت پایدار در منطقه آبیاری شده کانال، جایی که زمانی حکومت سلطه داشت. این افراد به دلیل ممنوعیت کشت کوکنار در نتیجه برنامه زون غذایی هلمند، نوع کمک‌های انکشافی و نحوه توزیع آن به حاشیه رانده شده اند. آنها علاقه‌ی چندانی به دولت ندارند، دولتی را که آنها مسئول می‌دانند. در حالی که مناطق قبلا صحرایی تا حدی آسایش اقتصادی فراهم کرده است - برای برخی از افراد خانه و زمین داده است که قبلا هرگز از آن برخوردار نبودند - این خطر وجود دارد که با رو آوردن مردم به تکنالوژی آفتابی آبهای زیرزمینی بیش از حد مصرف می‌شود و به خاطر کودهای کیمیاوی مورد استفاده در تولید محصولات زراعتی، به خصوص کشت کوکنار، آلوده می‌شود.

شکست سیستم زراعتی در این مناطق صحرایی می‌تواند آثار ویرانگر اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی داشته باشد. منطقه شمال بغرا به تنهایی ۶۰۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارد، در حالی که بیابان‌های دورتر از آن ۱،۸ میلیون نفر دیگر را در خود جای داده است.

اگر آب زیرزمینی کم شود و دهقان‌ها نتوانند مزارع کوکنار شان را آبیاری کنند، انتخاب دیگری به جز ترک منطقه ندارند. سوال این است: کجا خواهند رفت؟ بعید به نظر می‌رسد جمعیتی که معتقدند با اقدامات حکومت از مناطق مرکزی آبیاری شده هلمند بیرون رانده شده اند، با روحیه خوب باز گردند. کمترین چیزی که به دنبال آن خواهند بود برگرداندن کشت کوکنار به منطقه آبیاری شده کانال است، با فرض اینکه زمین کافی در دسترس باشد. احتمال بازگشت آنها با نارضایتی از حکومت و پشتیبانی از طالبان زیاد است. ممکن است زون غذایی هلمند با ممنوعیت کوکنار در نبود بدیل مناسب، در کوتاه مدت کشت کوکنار را کاهش داده باشد فقط برای اینکه زمینه تولید بیشتر تریاک را فراهم کند و مایه مقاومت خشونت بار و شورش در آینده را ایجاد کند.

۷. نتیجه‌گیری: تجلیل از گمراهی؟

اگر به گذشته نگاه کنیم، سخت است باور کنیم که در ابتدا زون غذایی هلمند با چنین تجلیلی مورد استقبال قرار گرفت.^{۱۳۵} اگر فراتر از کاهش کوکنار که در آن زمان در هلمند رخ داد - اما نمی توان آن را مستقیماً به زون غذایی هلمند نسبت داد - نگاه کنیم، برنامه ای را می بینیم که در حقیقت، از نظر کنترل مواد مخدر، توسعه و حکومتداری، گمراهی بوده است.

از لحاظ کنترل مواد مخدر، زون غذایی هلمند شکلی از جایگزین سازی محصول بود - نوعی از اقدامی که به دلیل شکست سیستماتیک آن در رسیدگی به بازار گسترده تر و عوامل زیربنایی و اجتماعی که منجر به کشت گسترده مواد مخدر شده بود، در دهه ۱۹۸۰ کنار گذاشته شد. برنامه زون غذایی هلمند حتی در صدد جایگزینی تریاک (یک محصول نقدی) با گندم (یک محصول غذایی) بود، چیزی که حتی برنامه های جایگزین سازی محصول در کشورهای دیگر با همه نقایص آن سال ها است آن را اجرا نکرده اند و به خوبی از اشتباهات این کار آگاه اند.^{۱۳۶}

از لحاظ توسعه، زون غذای هلمند افراد زمین‌دار را هدف قرار داد و افراد بی زمین را نادیده گرفت. با انجام این کار، شرایطی را ایجاد کرد که افراد حاشیه نشین در هلمند - کسانی که با اجاره سهمیه ای روی زمین دیگران کوکنار و محصولات غذایی کشت می کردند - محروم شدند. در نتیجه، افراد کم زمین از دسترسی به زمین، سرپناه و وسایل لازم برای تأمین نیازهای اساسی محروم شدند. این دهقان ها در نبود کوکنار و کمک‌های هدفمند، چاره ای جز جابجایی به اراضی جدید نداشتند، جایی که به ناچار کاری را انجام می دهند که خوب بلدند، کشت کوکنار، و از این طریق، با وجود همه خطرات زیست محیطی تولید زراعتی را در زمین های صحرایی بیشتر می سازد.

از منظر حکومتداری، زون غذایی هلمند سیستم های موجود قدرت و حمایت را تحکیم و تثبیت کرد. این برنامه والی، مسئولان دولتی و موسفیدان قریه را توانمند ساخت تا در ازای کمک های انکشافی یا برای جلوگیری از محو کوکنار، از دهقان ها خواستار کمک و حمایت شوند. این برنامه گزارش های مکرر درباره فساد در بخش توزیع تخم گندم و کود کیمیاوی را نادیده گرفت و به حمایت از تدوین لیست های غیرقابل اطمینان از مردم روستاها توسط مسئولان ولسوالی و موسفیدان منطقه، با تمام مشکلاتی که داشت، ادامه داد. زون غذایی هلمند با انجام این کار، به نهادینه کردن اشکال فساد کمک کرد و سرخوردگی و خشم بسیاری از خانوارهای روستایی نسبت به حکومت و نمایندگان آن را تشدید بخشید. زون غذایی هلمند با اعمال سازوکارهایی که کمک ها را به ثروتمندان می بخشید، هدفی را که خود این برنامه برای دستیابی به آن طراحی شده بود، نابود ساخت. هدف این بود که نشان داده شود والی و حکومت می توانند به مردم خدمات ارائه دهند.

با در نظر داشت این پیشینه، وضعیت کنونی هلمند با توجه به سطح بی سابقه کشت کوکنار و بی ثباتی و خشونت فزاینده، جای تعجب ندارد. زون غذایی هلمند به عنوان برنامه ای که اصولاً تحت تاثیر سیاست روز و خواسته های متضاد بازیگران متعدد با برنامه های متفاوت و گاه متناقض شکل گرفت، با هیچ نوع "رویه برتر" سازگاری نداشت و مطمئناً در استراتژی احتمالی دراز مدت این ولایت هیچ نقشی ایفا نکرد.

زون غذایی هلمند یک پلان کوتاه مدت بود که بارها از سوی مقاماتی که دوره زمامداری شان طولانی نبود و هیچ دغدغه ای نسبت به تاثیرات درازمدت و پایداری این برنامه نداشت، تمدید شد. اثرات درازمدت تر زون غذایی هلمند هیچ گاهی مد نظر گرفته نشد یا، اگر مد نظر گرفته شد، تا حد زیادی به نفع «ادامه وضعیت» کنار زده شد. به علاوه، وقتی زون غذایی هلمند به عنوان یک موفقیت تبلیغ شد و تقاضاهایی برای تکثیر آن در هشت ولایت دیگر مطرح شد، فرصت انتقاد و توجه به اقدامات کاهش خطر برای جلوگیری از زیاده روی های خطرناک این برنامه وجود نداشت. وقتی فشار شدید برای اقدام با فشار شدید برای موفقیت خواندن آن همراه شود، تصمیم درستی گرفته نمی شود.

شاید، این واقعیت پالیسی سازی در محیط های بسیار بی ثبات مانند هلمند باشد. اگر چنین است، توصیه های زیر به این امید ارائه می شود که حتی در محیط های به شدت سیاست زده، تصمیمات در پرتو آموخته های حاصل از نتایج زون غذایی هلمند و سایر برنامه های مبارزه با مواد مخدر در افغانستان گرفته شود:

^{۱۳۵} لیدویچ، اف. «سرمایه گذاری روی خون: هزینه واقعی جنگ بریتانیا در افغانستان» (نیو هیون: یل، ۲۰۱۳)، ص ۱۸۰.

^{۱۳۶} چنانچه بررسی اداره توسعه بین المللی ایالات متحده نتیجه گیری کرده است: «تمرکز شدید روی غله جات ابتدایی (گندم) به عنوان بدیل های اصلی کشت کوکنار بیانگر تمرکز روی جایگزین سازی کوتاه مدت است که توان رقابت با کوکنار را ندارد. استراتژی تمرکز اصلی روی جایگزین سازی غله جات اولیه به جای محصولات غیر مشروع در سطح بین المللی به صورت مکرر ناکام شده است.» دفتر افغانستان اداره توسعه بین المللی ایالات متحده، «ارزیابی گزینه های توسعه بدیل در افغانستان، گزارش نهایی»، مارچ ۲۰۱۶، ص ۴۳.

۱.۷ سطح برنامه

فرا تر از مدل های ساده و منسوخ جایگزین سازی محصول بیندیشید.

شواهد نشان می دهد که جوامع روستایی وقتی می توانند از تولید تریاک دست بکشند که اهداف کلان تر توسعه را درک کنند. این اهداف تنها به متنوع سازی درآمد مزرعه ای، خارج از مزرعه و غیر مزرعه ای مربوط نمی شود، تا از این طریق خانواده ها بتوانند خطر را بهتر مدیریت کرده و وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند؛ این اهداف همچنان دسترسی جوامع روستایی به مقدار کالای گسترده تری را فراهم میکند: امنیت بهتر و ارائه خدمات بیشتر، از جمله از طریق مکاتب و خدمات صحتی، که نشان دهنده پیمان اجتماعی در حال رشد با دولت است. افزایش درآمد غیر زراعی یک عنصر حیاتی در ایجاد مقاومت خانوار در برابر شوک هایی از قبیل نارسایی محصول و ممنوعیت تریاک در مناطق مختلف افغانستان بوده است. بخش مالداري نیز به تغییر الگوهای کسب محصول و نیز بهبود درآمد و مصونیت اجتماعی کمک کرده است. اگر قرار است کاهش کشت کوکنار صرفا سبب جابجایی کشت به زمین های قبلا صحرایی و سایر مناطق دور از دسترس دولت نشود، لازم است سرمایه گذاری بیشتر در این مناطق و سایر مناطق صورت بگیرد. در حقیقت، کسب و کار زراعتی به ارزش بیشتر افزوده و افزایش تجارت محصولات قانونی ارزشمندتر که جزئی از استراتژی کلان انکشافی کشور است، به این پروسه کمک می کند.

این موضوع را بپذیرید که اقداماتی که «هزینه فرصت» کار را افزایش می دهد بیشترین تاثیر توسعه یی را بر تولید تریاک خواهد داشت.

از جمله این اقدامات می توان به بهبود فرصت های درآمد غیر زراعتی (به شمول قرضه کسب و کارهای کوچک)، پرورش مواشی، متنوع سازی سیستم های کشت و پروسس محصولات زراعتی برای کارگران زراعتی اشاره کرد. تولید تریاک در برابر کاهش عواید خالص، به ویژه برای افراد کم زمین که نیروی کار نسبتا ارزان و ماهر برای اقتصاد تریاک فراهم می کنند، آسیب پذیر است. این محصول بسیار کاربر (مستلزم نیروی کار زیاد) و مستعد افزایش هزینه های کار است، خصوصا زمانی که محصول یا قیمت ها کاهش می یابد. علاوه بر این، متمرکز سازی برنامه ها روی افراد کم زمین، دستور کار فقیرپسند دونه های توسعه یی را برآورده می کند و در عین حال یکی از آسیب پذیری های مهم تولید تریاک را نیز برطرف می کند.

سرمایه گذاری های انکشافی را در آن عده مناطق روستایی متمرکز کنید که سرمایه گذاری در آن هم نتایج واقعی به بار آورده و هم قابل اجرا باشد.

به نظر می رسد برنامه های ملی که دارای اولویت استند اغلبا ملاحظات جغرافیایی را نادیده می گیرند. به جز بحث «دهلیزهای اقتصادی» و سرمایه گذاری در سطح ولایات، هیچ فهمی از اولویت های جغرافیایی حکومت در ولایات، یا اینکه چگونه این سرمایه گذاری ها می توانند به ثبات دولت کمک کنند، رشد اقتصادی برابر، و تلاش برای حمایت از دهقان ها در امر قطع کشت کوکنار، وجود ندارد. لازم است متناسب با سناریوهای احتمالی امنیت در ولایات، اولویت های جغرافیایی تنظیم شود. نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان هم اکنون در حال تقلا اند و در حال عقب نشینی به مناطقی هستند که قبلا تحت کنترل دولت بوده است. احتمالا مناطقی در اطراف شاهراه های اصلی و مراکز ولایتی وجود دارد که نیروهای ملی امنیتی و دفاعی افغانستان بتوانند بر آن مسلط باشند، ادامه سرمایه گذاری های توسعه یی امکان پذیر باشد و بازگشت کشت کوکنار کمترین احتمال را داشته باشد. با وجود این، در بسیاری از ولایات مناطقی نیز وجود خواهد داشت که سرمایه گذاری های انکشافی در آن با توجه به احتمال کاهش ساحات تحت کنترل دولت مرکزی، نتایج اندکی در پی داشته باشد یا چنین سرمایه گذاری هایی حتی عملی نباشد. این چالش در مناطق میانی یک ولایت بیش از همه جا حس می شود، مناطق میانی جایی است که دولت مرکزی کنترل مستقیم ندارد اما از طریق زورمندان محلی که منافع آنها لزوما همیشه با منافع کابل تطابق ندارد، اعمال نفوذ می کند. لازم است در مورد سازوکارهای مناسب برای کمک رسانی در این شرایط نامطلوب، نتایج توسعه یی مورد انتظار و پاسخ به کشت مداوم کوکنار در این مناطق، حداقل در میان مدت، تصمیم اتخاذ شود. اگر قرار است دولت خود را در شهرها، شهرک ها و دره های کم عمق محصور نسازد، پالیسی سازان باید یاد بگیرند که در این زمینه سیاسی چالش برانگیز کار کنند.

نظارت و ارزیابی مؤثر و مستقل برنامه ریزی در محیط جنگ‌زده حیاتی است.

فشار سیاسی، ضرورت‌های نظامی و تعیین‌ات کوتاه مدت کارکنان در زمینه‌های ثبات سازی حاکم است. این عوامل معمولاً منجر به طراحی برنامه‌های نامناسب می‌شوند که در آن به عوامل مسلط اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و محیطی که بر نتایج برنامه‌ها تأثیرگذار است، به اندازه کافی توجه نمی‌شود. ماهیت سیاست زده ثبات سازی، «ضرورت اقدام» و فشار برای گزارش دادن از موفقیت، مانع ارزیابی سیستماتیک تر تطبیق برنامه می‌شود. منابع کمک کننده بیشتر مایل به «بررسی‌های محدودتر سالانه» است که اغلب توسط کارمندان داخلی انجام می‌شود و تا حد زیادی بر اساس معلوماتی استوار است که از سوی شرکت کنندگان داده می‌شود، شرکت کنندگانی که مستقیماً در تطبیق برنامه دخیل اند، و بنا بر این شدیداً در معرض تبعیض (جانبداری) قرار دارند. لازم است تأثیرات برنامه از طریق تحقیقات ساحوی و تصاویر با کیفیت ماهواره ای مورد نظارت منظم تر و مستقل قرار بگیرد. این نظارت به تجربیات مراجع اصلی ذیدخل و تأثیرات برنامه بر زندگی آنها اهمیت بیشتری می‌دهد. بدین صورت می‌توان در موارد ممکن برنامه‌ها را تعدیل کرد، یا حتی در مواردی که برنامه‌ها رو به ناکامی است و هزینه‌های آن بیشتر از مزایای آن است، آن را لغو کرد.

از سنجش اجراءات برای اولویت بندی ارزیابی محصول و متنوع سازی درآمد استفاده کنید.

تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که جایگزینی کوکنار با گندم یا سایر محصولات مصرفی معمولاً پاسخ کوتاه مدت خانوارها به اجبار است و دهقان‌ها به زودی پس از آن تولید تریاک را از سر می‌گیرند. تجربه نشان می‌دهد که کاهش پایدار کشت کوکنار، وابسته به متنوع سازی معیشت، حرکت به سمت محصولات باغداری با ارزش بالا (که سبب کاهش محصولاتی مانند گندم و جواری می‌شود) و موجودیت درآمد غیر زراعتی است. لازم است از اندازه گیری موفقیت و عدم موفقیت اقدامات مبارزه با مواد مخدر بر اساس شمارش سالانه هکتار زمین زیر کشت کوکنار اجتناب شود. این روش مفید ثابت نشده و بحث‌های مربوط به پالیسی مواد مخدر را به بیراهه برده است.

۲.۷ سطح ملی

همه برنامه های ملی، چند جانبه و دوجانبه انکشافی را به لحاظ تاثیر آن بر تولید، تجارت و استفاده از مواد مخدر و مشتقات آن، ارزیابی کنید

لازم است برای تصویب کمک های مالی و تخنیک وزارت مالیه، ارزیابی های مبارزه با مواد مخدر به عنوان پیش شرط اجباری در نظر گرفته شود. قالب این ارزیابی ها باید بر اساس رهنمودهای بانک جهانی استوار باشد که برای عادی سازی مواد مخدر در سال ۲۰۰۷ تدوین شد اما تا حد زیادی نادیده گرفته شده است (به ضمیمه ۲ مراجعه کنید).

برنامه های ملی دارای اولویت را به لحاظ مبارزه با مواد مخدر به گونه جامع بررسی کنید.

این بررسی تضمین خواهد کرد که افراد مسئول این برنامه ها تأثیراتی که ممکن است بر مشکل مواد مخدر غیر قانونی داشته باشند را درک کنند و در هنگام انجام چنین فعالیت هایی قدم هایی را برای به حداقل رساندن تأثیرات مثبت بردارند. به خصوص، ضرورت است که اقدامات سکتورهای مختلف همدیگر را تقویت کنند. این کار از طریق پلان گذاری مبتنی بر ساحه به هدف به حد اکثر رساندن هم نتایج توسعه یی و هم مبارزه با مواد مخدر، ممکن می شود.

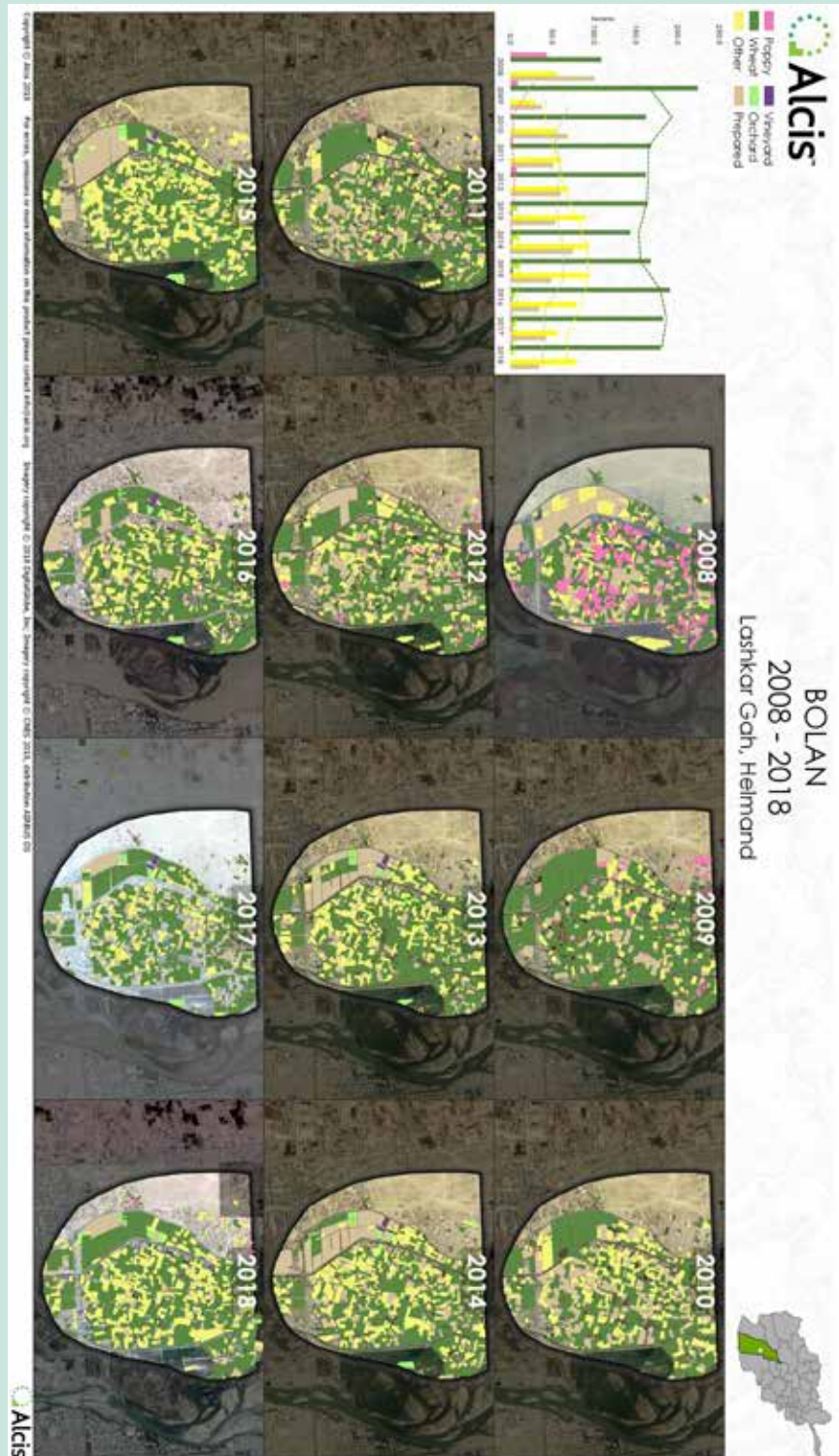
ظرفیت فنی و استراتژیک وزارتخانه های ذیربط را تقویت کنید تا آنها به گونه بهتری بتوانند اهداف مربوط به کشت کوکنار را در طراحی و تطبیق برنامه های توسعه یی خود مد نظر بگیرند.

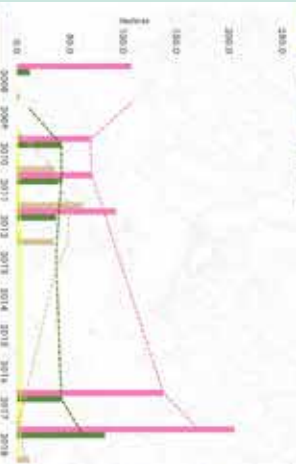
در گذشته، وزارت مبارزه با مواد مخدر مسئولیت داشت در ایجاد فهم بهتر از چگونگی تاثیرگذاری برنامه های وزارتخانه های ذیربط بر کشت کوکنار به آنها کمک کند اما در انجام آن موفق نشد. مسئولیت اطمینان از اینکه حداقل برنامه های توسعه یی باعث ترغیب کشت کوکنار نمی شوند - مانند آنچه در مورد زون غذایی هلمند گفته شد - اکنون باید به عهده وزارتخانه های ذیربط باشد. این وزارت ها برای انجام این کار به کمک فنی احتیاج دارند.

از منظر تحلیلی، مقایسه محصولات زراعتی را که در توصیفات تولید تریاک در ادبیات دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد حاکم بوده است، کنار بگذارید.

به خصوص، مقایسه بازده ناخالص گندم و تریاک غیر مفید است و به پالیسی های نادرست انجامیده است. مقایسه سیستم های مختلف کاشت محصول و معیشت در درک چگونگی زندگی خانوارها و جوامع روستایی و نقش چند منظوره ای که تریاک در اقتصاد روستایی گروه های مختلف اجتماعی-اقتصادی ایفا می کند، مفیدتر است. این رویکرد به شناسایی این موضوع کمک می کند که چه کسی بیشترین و چه کسی کمترین سود را از تولید تریاک می برد و نیز اینکه چگونه برخی از اقدامات باعث جلوگیری از کشت کوکنار می شوند، در حالی که اقدامات دیگر ممکن است واقعاً آن را تشویق کنند.

ضمیمه ۱: ترسیم نقشه محصول، ۲۰۰۸-۲۰۱۸





DASHTE AB PASHAK

2008 - 2018

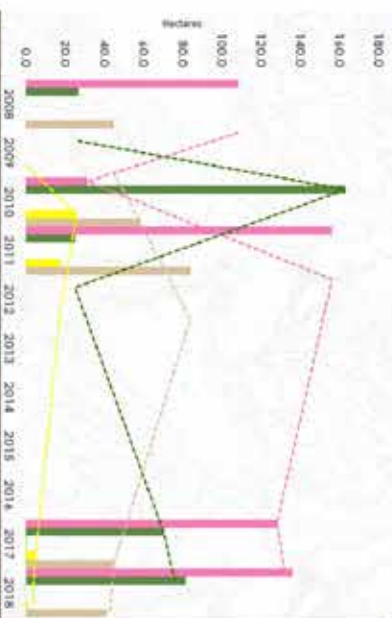
Nahr-e-Saraj, Helmand



Data not available



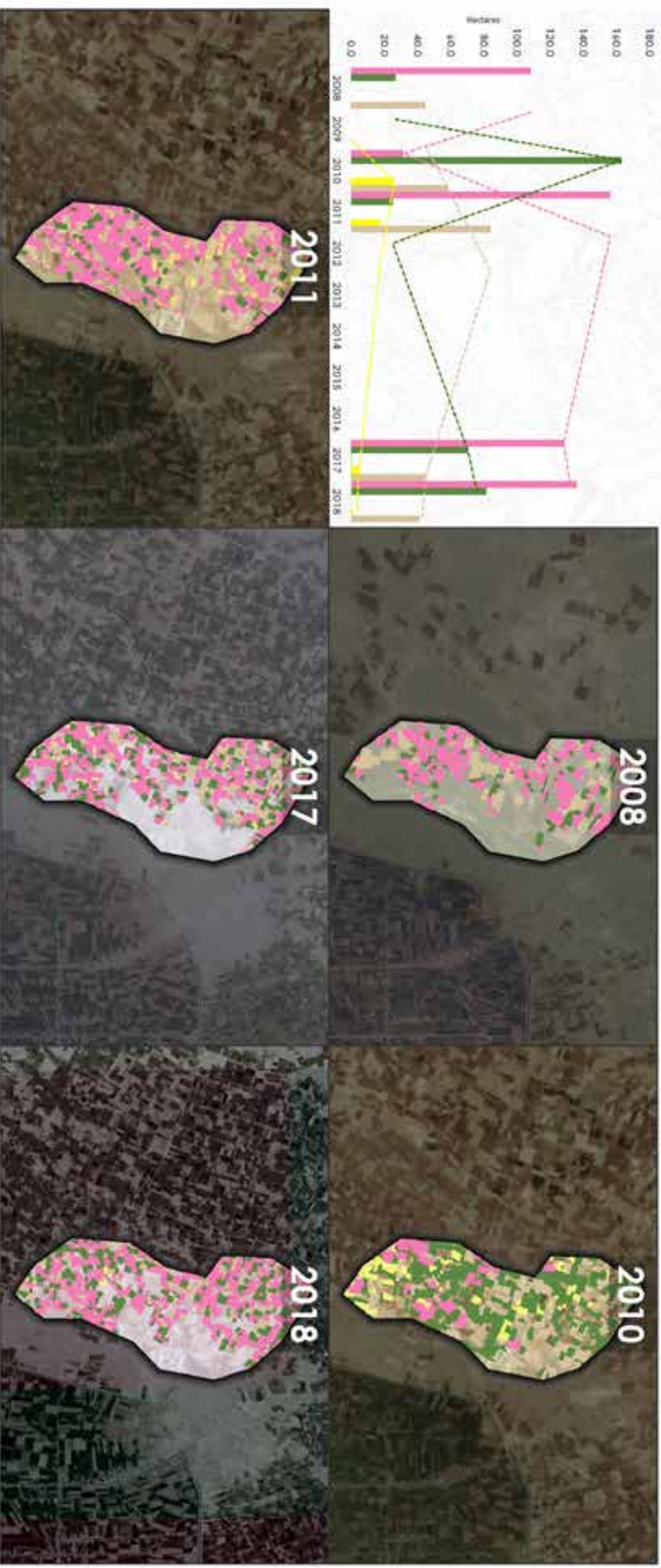
- Poppy
- Wheat
- Other
- Vineyard
- Orchard
- Prepared



DASHTE SHIN KALAY

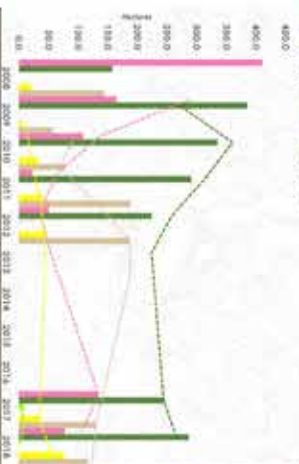
2008 - 2018

Nad Ali, Helmand

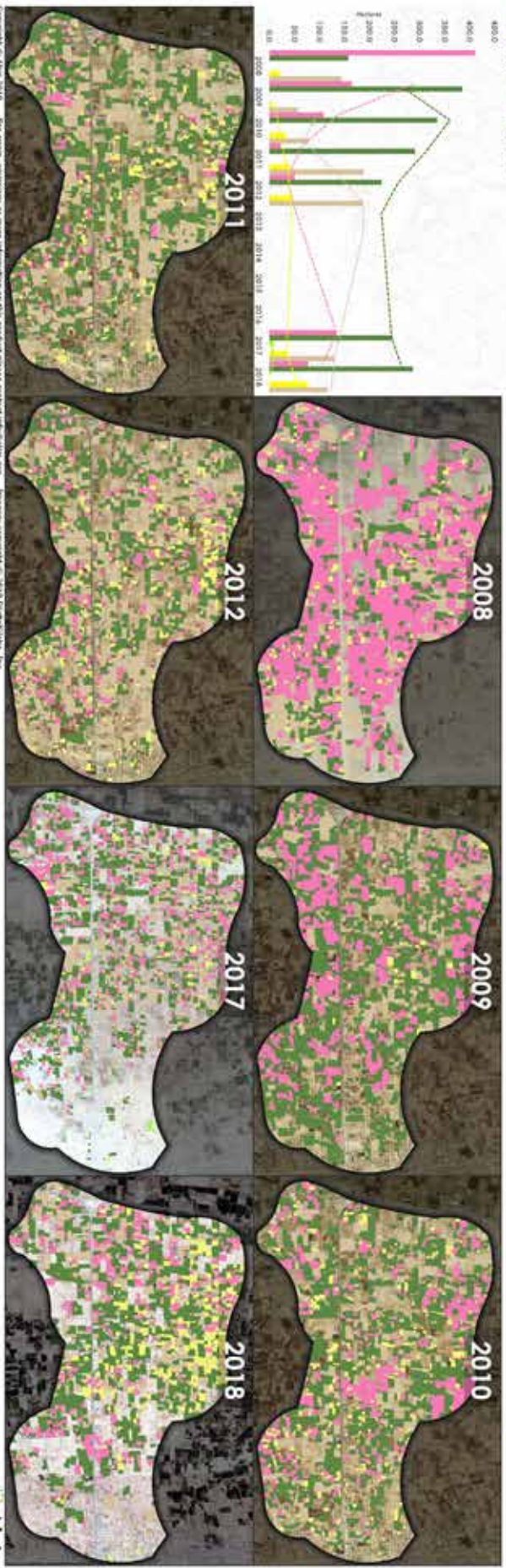




- Poppy
- Wheat
- Other
- Vineyard
- Orchard
- Prepared

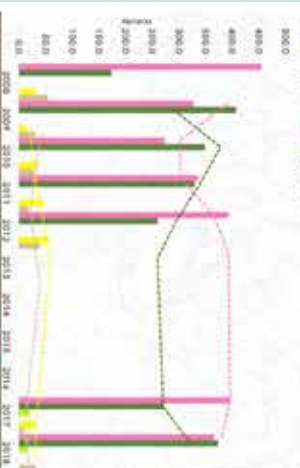


LOY BAGH 2008 - 2018 Nad Ali, Helmand

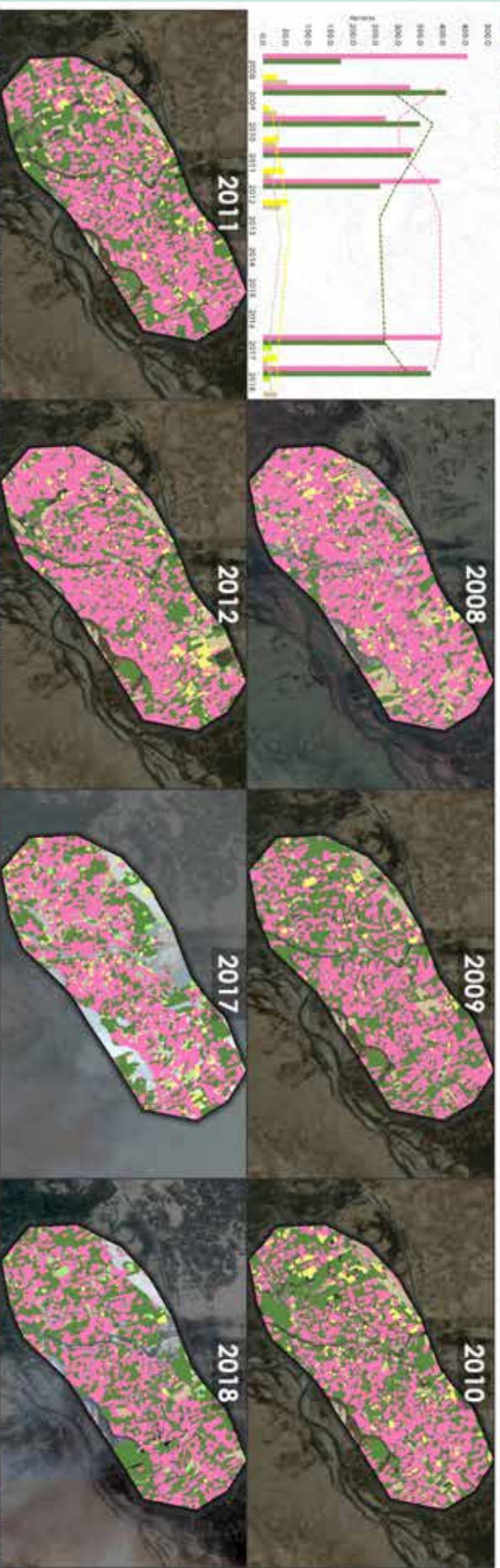




- Poppy
- Vineyard
- Wheat
- Orchard
- Other
- Prepared



MALGIR 2008 - 2018 Nahr-e-Saraj, Helmand



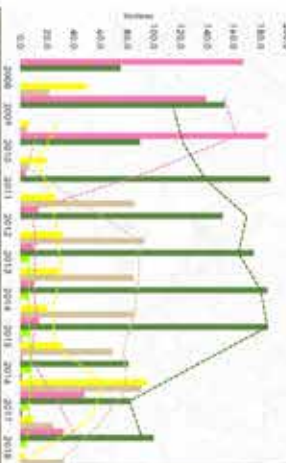
Copyright © Alcis 2018. For errors, omissions or more information on this product please contact info@alcis.org. Images copyright © 2018 DigitalGlobe, Inc.





Poppy
Wheat
Other

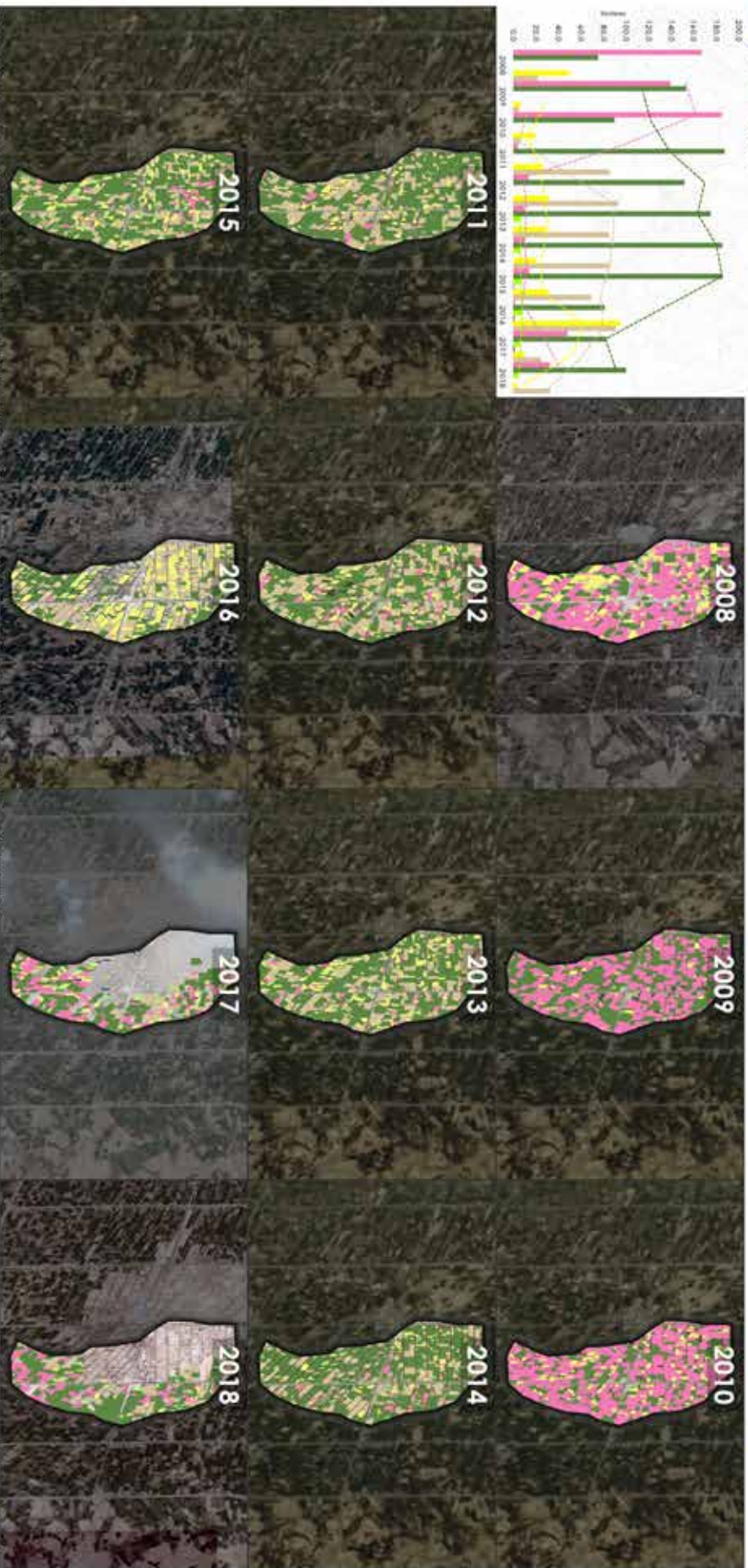
Vineyard
Orchard
Fruitland



MARJAH BLOCK 2A

2008 - 2018

Nad Ali, Helmand



Copyright © Alcis 2018

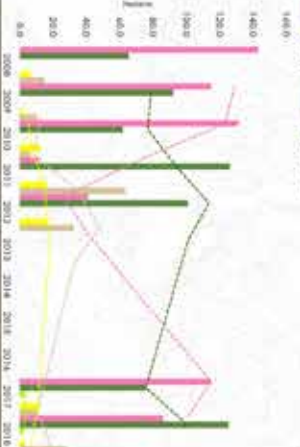
The work, contents or any information on this product page cannot be used for

any other purpose without the prior written permission of Alcis. All rights reserved.

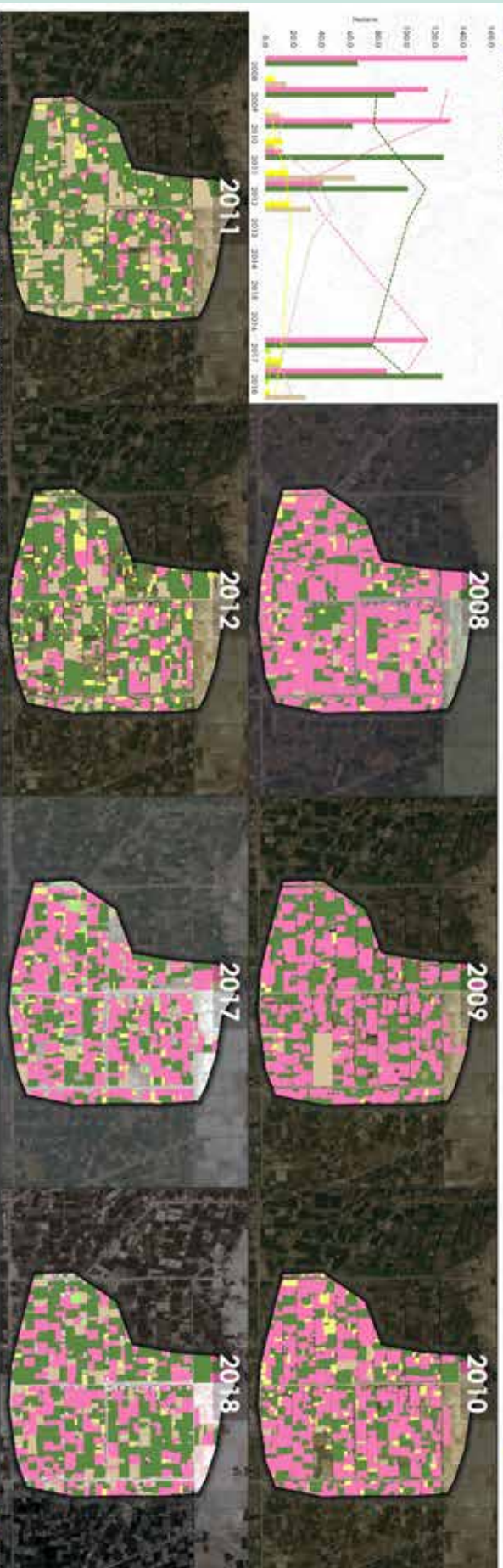




- Poppy
- Vineyard
- Wheat
- Orchard
- Other
- Prepared



MARJAH F4D5 2008 - 2018 Nad Ali, Helmand

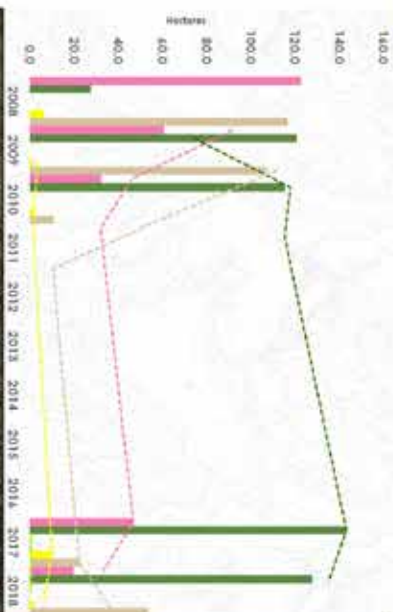


Copyright © Alcis 2018 For more information or more information on this product please contact info@alcis.org Images copyright © 2018 DigitalGlobe, Inc





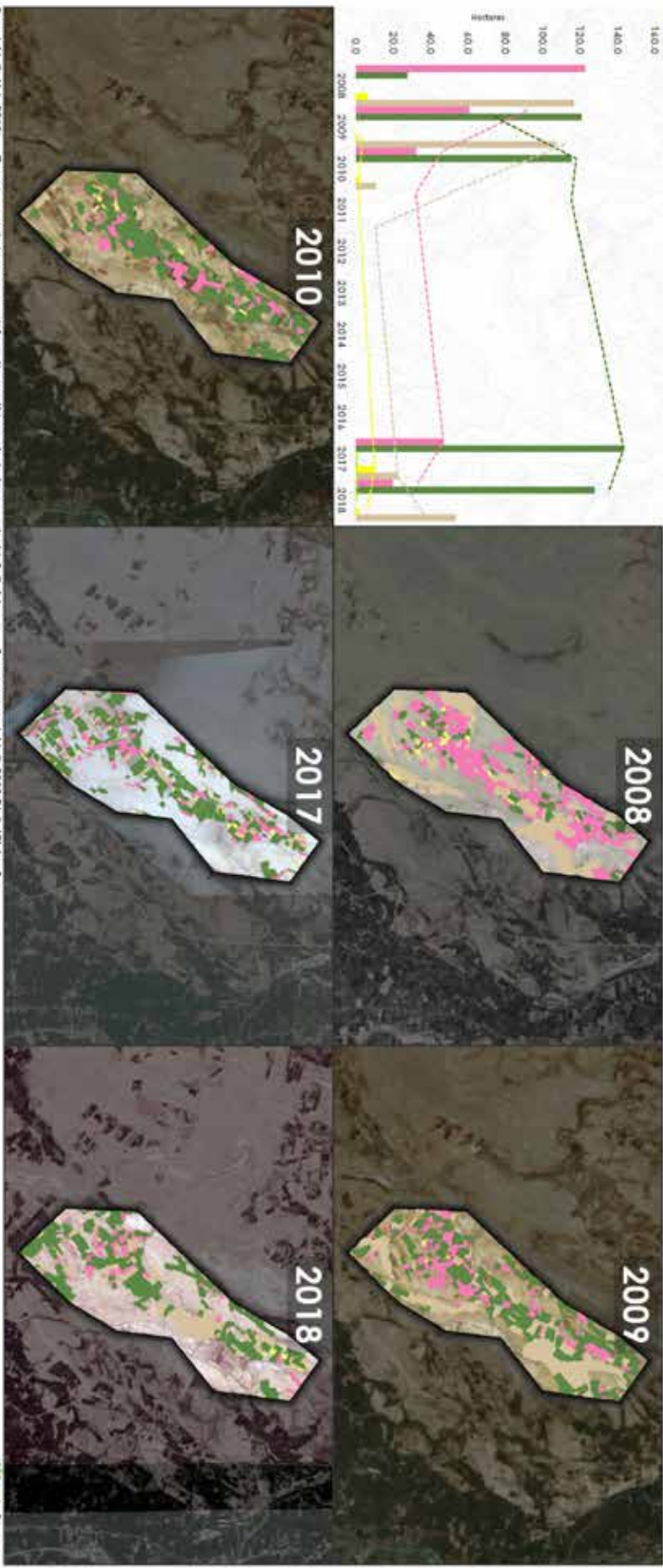
- Poppy
- Wheat
- Other
- Vineyard
- Orchard
- Prepared



SHERSHARAK

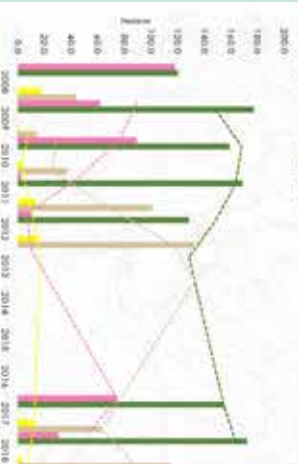
2008 - 2018

Nawa-e-Barakzai, Helmand

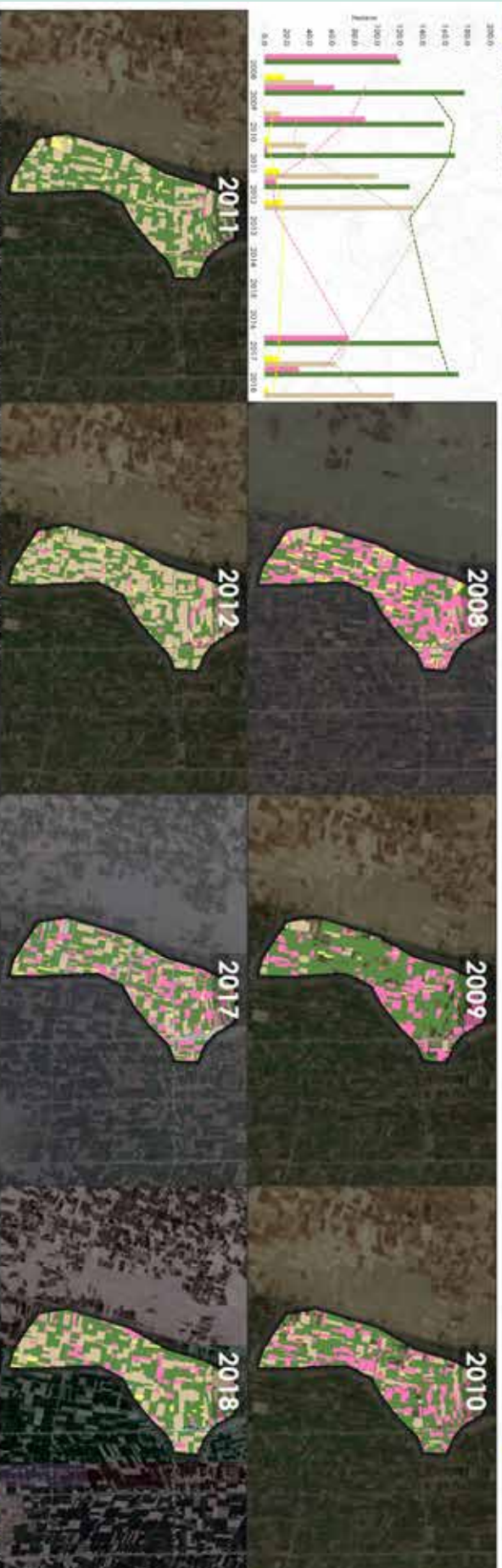




- Poppy
- Vineyard
- Wheat
- Orchard
- Other
- Prepared



SHIN KALAY 2008 - 2018 Nad Ali, Helmand

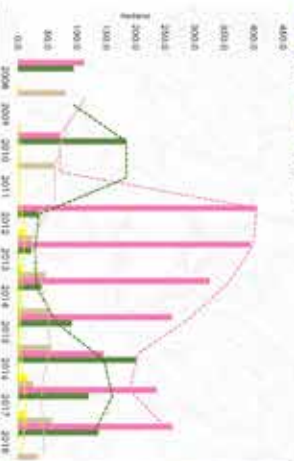


Copyright © Alcis 2018 For errors, omissions or more information on this product please contact info@alcis.org Image copyright © 2018 DigitalGlobe, Inc.





SHNA JAMA
2008 - 2018
Nad Ali, Helmand



2011

Data not available

2008

2009

Data not available

2010

2012

2013

2014

2015

2016

2017

2018

ضمیمه ۲: رهنمود فعالیت های بانک جهانی در افغانستان در زمینه برخورد با مشکل تریاک

الف. رویکرد استراتژیک

مشکل تریاک

کاهش تولید تریاک یکی از بزرگترین چالش های پیش روی افغانستان است. تریاک برای اقتصاد کلان حائز اهمیت است، که یک سوم تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد و از تقاضای کل (aggregate demand) و توازن پرداخت به صورت قابل توجهی حمایت می کند. در اقتصاد روستایی، تریاک برای ۳۵۰،۰۰۰ خانواده مزرعه دار، که اکثر آنها فقیر هستند، یک استراتژی اساسی برای تامین معیشت است. در حوزه امنیت، تریاک به جنگ سالاری و تروریسم دامن می زند و در حکومتداری اقتصاد غیرقانونی تلاش های دولت سازی را در همه سطوح تسخیر یا تضعیف می کند.

استراتژی حکومت

استراتژی حکومت برای کاهش و در نهایت نابودی تریاک از اقتصاد افغانستان اساساً دارای سه عنصر است. عنصر نخست، بهبود حکومتداری و حاکمیت قانون که از این طریق نهادهای عامه و سازوکارهای کنترل مواد مخدر تقویت می شوند، ساختارهای حکومتداری مسئول توسعه می یابد و «قرارداد اجتماعی» در تمام سطوح جامعه رشد می کند. عنصر دوم افزایش سطح عمومی فعالیت ها و خدمات اقتصادی، بهبود سطح زندگی و تامین مصونیت اجتماعی است. عنصر سوم تأکید بر مؤلفه های خاص در برنامه های توسعه ای است که می تواند با تمرکز بر دهاقین فقیرتر، کارگران و مناطق آسیب پذیرتر، تأثیر بسزایی در رفتار دهقان ها داشته باشند.

رویکرد بانک جهانی

با توجه به این پیشینه، رویکرد کاری بانک جهانی در باره مشکل تریاک عبارت است از:

- درج ملاحظات مربوط به مشکل تریاک در تجزیه و تحلیل و گفتگو در همه سطوح، از جمله بعد کلان اقتصادی؛
- پشتیبانی و مشارکت در کار تحلیلی در مورد ابعاد توسعه مشکل مواد مخدر در افغانستان و گزینه های مرتبط به حل آن؛
- کمک به تقویت عناصر توسعه استراتژی حکومت از طریق برنامه های تمویل شده توسط بانک جهانی، به گونه ای مناسب؛
- اطمینان از اینکه فعالیت های تحت حمایت بانک جهانی، به هیچ وجه به صورت غیر ارادی در اقتصاد تریاک نقش ندارند.

بازرسی

بانک جهانی بر اساس این رویکرد خواستار بازرسی تمام فعالیت های خویش در افغانستان است، هم عملیات ها و هم کارهای تحلیلی و مشورتی، تا اطمینان حاصل شود که ابعاد مبارزه با مواد مخدر در همه این فعالیت ها در نظر گرفته شده و فعالیت ها به گونه ای است که بیشترین کمک را به تلاش های ملی علیه مواد مخدر انجام می دهد:

- به اجندای حکومتداری کمک می کند؛
- هم افزایی برنامه ها به حد اکثر می رسد تا بیشترین تاثیر معیشتی را در سطح جامعه و خانوارها به وجود آورد؛
- اثرات مشخص تر مبارزه با مواد مخدر را بر اساس پوشش ساحه جغرافیایی و رسیدگی به گروه های فقیرتر هدف، به حد اکثر می رساند، با داشتن اجزایی که معیشت قانونی را تقویت می کند و متنوع می سازد؛
- خطرات احتمالی را شناسایی می کند و رویکردی را ایجاد می کند تا اطمینان حاصل شود که بانک جهانی «ضرر نمی زند» و خطری برای اعتبار بانک جهانی ایجاد نمی کند؛
- از توانایی نظارت و گزارش دهی برخوردار است که می تواند پیامدهای مربوط به اقتصاد تریاک را به صورت مؤثر ردیابی کند.

ب. فهم نقش تریاک در استراتیژی های معیشتی و تدوین پاسخ های توسعه‌ی مناسب

دلایل «موفقیت» کشت کوکنار در افغانستان

در شرایط اقتصادی و سیاسی فعلی افغانستان، مزیت های بسیاری برای کشت کوکنار وجود دارد. تریاک یک جنس با ارزش، کم وزن و با دوام است که تقاضای زیادی برای آن وجود دارد. در هر مرحله از زنجیره ارزش (value chain) آن بازده کافی وجود دارد و مناسبات بازار از نظر قرضه، خرید، حمل و نقل و پروسس به خوبی توسعه یافته که همه آن علی رغم زیرساخت های فروپاشیده افغانستان عملکرد خوب و انعطاف پذیر دارند. تاجران مایل اند تریاک را از مزرعه به صورت نقدی، غالباً پیش از برداشت محصول، بخرند.

کوکنار را می توان تقریباً در هر نقطه کشور کشت کرد، اگرچه در خاک های آزاد جنگلی زهکشی شده بهترین رشد را دارد. کشت کوکنار چنان مناسب شرایط آب و هوایی افغانستان است که بالاتر از متوسط جهانی تریاک و مورفین خام حاصل می دهد و با کمترین آبیاری بهترین بازده را دارد. این خصیصه اخیر و قابلیت فروش آن برای دهقان هایی که دارای اراضی کوچک و خانواده های بزرگ هستند، به ویژه در مناطق دور افتاده که کشت کوکنار به طور فزاینده ای در آن متمرکز شده است، بسیار مهم است. برای دهقان های حاشیه ای و کم زمین هیچ محصول دیگری تحت شرایط فعلی وجود ندارد که بتواند این مقدار بازده داشته باشد. وقتی تریاک در آن مناطق کاهش می یابد، فرصت های درآمد مزرعه‌ای نیز برای چنین خانوارهایی کاهش می یابد و افراد را از کار روی زمین منصرف می کند.

با این خصوصیات - و علی رغم تلاش های تنفیذ قانون - در محیطی که عموماً هم برای دهقان ها و هم تاجران احتمال خطر بالا است، کوکنار در بسیاری از مناطق یک محصول نسبتاً کم خطر است. سیستم قرضه سنتی معروف به سلم که برای محصول مورد توافق آینده قیمت جنس را به صورت پیش پرداخت فراهم می کند، به طور فزاینده‌ای کوکنار را بر سایر محصولات زراعی ترجیح می دهد. در مناطقی که کوکنار جا افتاده است، دسترسی به قرضه وابسته به تمایل دهقان ها به کشت این محصول است. داشتن تمایل و مهارت لازم برای کشت کوکنار عامل تعیین کننده دسترسی اجاره داران سهمیه ای به زمین است. ارزش اجاره زمین نیز به جای مولدیت گندم توسط برداشت بالقوه تریاک تعیین می شود.

توزیع نابرابر مزایای مهم تولید تریاک

مزایای اقتصادی ناشی از کشت کوکنار بر اساس دارایی هایی که دهقان ها در اختیار دارند متفاوت است. برای معدود صاحبان زمین های کلان، کوکنار یک محصول با ارزش است که اگر بلافاصله بعد از فصل برداشت به فروش نرسد، بلکه بعداً در زمان افزایش قیمت ها به فروش برسد، می تواند حتی سود بیشتری حاصل شود. از آنجایی که دهقان های بزرگتر منابع دیگر درآمد و دارایی های نقد دارند، می توانند با فروش دیرتر تریاک، قیمت های بالاتری به دست آورند. علاوه بر این، صاحبان زمینی که زمین خویش را به صورت سهمیه ای برای تولید تریاک اجاره می دهند، می توانند حتی بهتر عمل کنند: برخی از ترتیبات غیر عادلانه اجاره به صاحب زمین اجازه می دهد با وجود تقبل تنها ۲۰ درصد کل هزینه های تولید، دو سوم از محصول نهایی تریاک را تصاحب کند. صاحبان زمین همچنان ممکن است تریاک را با نرخ بسیار کمتر از قیمت زمان برداشت پیش خرید کنند و سود قابل توجهی از محصول تریاک به دست آورند. سپس، این سود می تواند در متنوع سازی بیشتر دارایی ها و منابع درآمد یا در تجارت تریاک سرمایه گذاری شود - یک ماریپیج صعودی انباشت ثروت برای صاحبان زمین بیشتر.

موقعیت افراد کم زمین کاملاً متفاوت است. برای این گروه، کوکنار فقط منبع درآمد نیست. کشت کوکنار فرصت به دست آوردن زمین را به صورت سهمیه ای یا اجاره افزایش می دهد و از نیروی کار خانوار بهره می گیرد. این امر هم زمینه دسترسی به درآمد نقدی حاصل از کوکنار را فراهم می کند و هم، در سیستم معمولی مختلط کشت در افغانستان که حتی در بین زارعان کوکنار رایج است، ابزار تولید محصولات غذایی برای مصرف خانوار را تامین می کند. فرصت دسترسی به زمین بدون کشت کوکنار به طور چشمگیری کاهش می یابد، همانطور که در سال ۲۰۰۴/۲۰۰۵ در ولایت ننگرهار اتفاق افتاد.

کشت کوکنار همچنان تقاضا برای نیروی کار سیار را ایجاد می کند تا در چپش علف های هرزه و برداشت محصول کمک کند. بر اساس تخمین دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد مبنی بر اینکه ۱۰۴،۰۰۰ هکتار کوکنار در ۲۰۰۴/۲۰۰۵ کشت شده بود، این محصول تقریباً ۳۶،۴ میلیون روز اشتغال ایجاد کرده است، که یک سوم آن فرصت های کار دستمزد روزانه بوده است. در شرایطی که یک خانوار بیش از یک مرد دارد که می توانند به صورت متناوب در فصل های علف چینی و برداشت محصول کار کنند، درآمد کوکنار خارج از مزرعه می تواند تا پنج ماه دوام داشته باشد و به طور معمول بالاتر از درآمد مزرعه‌ای است که از کشت اجاره ای محصول به دست می آید.

کوکنار همچنان منبع مهم قرضه برای افرادی است که منابع اندکی در اختیار دارند. در مناطقی که کشت تریاک جا افتاد است، کوکنار «اعتبار» افراد کم زمین را تعریف می کند. بدون آن، دسترسی به مواد اولیه غذایی، مواد زراعتی و منابع مالی لازم برای مراقبت های صحی به شدت محدود می شود.

علاوه بر مزایای مستقیم فوق، کشت و تجارت تریاک اثرات مضاعف (multiplier effects) قابل توجهی در اقتصاد روستایی دارد. برخی تخمین ها حتی حاکی از آن است که برای هر هکتار کشت کوکنار، پنج تا شش شغل در اقتصاد غیر زراعتی روستایی ایجاد می شود.

نوع شناسی دهاقین تریاک

در این رهنمود، خانوارهای روستایی شاغل در اقتصاد تریاک به چند دسته تقسیم شده است: (۱) «مرفه» و غیر وابسته؛ (۲) کمتر مرفه، اما غیر وابسته و (۳) فقیر و بسیار وابسته. به عنوان یک قاعده کلی، دهاقین دسته (۱) «مرفه» از استراتیژی های معیشتی متنوع تر بهره مند اند. این افراد در مناطق نزدیک به مراکز ولایت ها یا ولسوالی ها ساکن اند، انواع محصولات زراعتی از جمله باغداری پر ارزش دارند و به زمین و آبیاری و همچنان بازارهای کالا و کار دسترسی بهتری دارند.

این دسته از دهقان ها برای داشتن یک زندگی آبرومندانه به تریاک وابسته نیستند و می توانند «تولیدکننده فرصت طلب» تلقی شوند. برای چنین افرادی، اجرای قانون ابزار اصلی کنترل مواد مخدر است. دهاقین حاشیه نشین تر (دسته ۲) و فقرا (دسته ۳)، به طور معمول بی زمین یا دارای زمین بسیار ناچیز اند و برای برنامه های توسعه ای که در صدد کاهش تولید مواد مخدر اند، به عنوان گروه هدف پنداشته می شوند. بدین ترتیب، استراتیژی های کاهش فقر و کاهش کوکنار به شدت بهم پیوسته است. مشخصات این سه دسته در جدول ۱ خلاصه شده است.

پاسخ انکشافی مناسب

خانوارهای درگیر کشت کوکنار متنوع و پویا اند و تصمیم آنها در مورد میزان تخصیص زمین به کشت کوکنار تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد - نه فقط قیمت. پالیسی ها و برنامه هایی که با همه دهاقین زارع کوکنار یکسان برخورد می کنند، نه تنها غیر موثر اند بلکه می توانند نتیجه برعکس داشته باشند. لازم است تنوع موجود در بین دهاقین کوکنار مد نظر گرفته شود. درک نقش گروه های مختلف اقتصادی-اجتماعی درگیر در کشت کوکنار و مزایای چندگانه ای (به عنوان مثال: اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) که از این طریق کسب می کنند، برای شناسایی اصول تدوین استراتیژی های مؤثر برای نابودی پایدار کوکنار در افغانستان مهم باشد.

جدول ۱: نوع شناسی ساحات تولید تریاک و دهاقین هر منطقه

دسته ۱ غیر وابسته	دسته ۲ وابسته	دسته ۳ شدیدا وابسته
دسترسى به بازار/خدمات/حکومتداری	<ul style="list-style-type: none"> • نزدیک مراکز ولایات و ولسوالی ها • حکومت می تواند با دریافت کمترین واکنش اراده خود را تحمیل کند 	<ul style="list-style-type: none"> • دسترسی محدود به زیربنای فیزیکی • دور افتاده • حضور محدود حکومت و خدمات رسانی • اعمال اراده فراتر از مراکز ولسوالی ها برای حکومت دشوار است
زمین زیر کشت (زمستان + تابستان)	<ul style="list-style-type: none"> • زمین بزرگ قابل کشت (< ۱۵ جریب) 	<ul style="list-style-type: none"> • زمین متوسط قابل کشت (< ۷.۵ و > ۱۵ جریب) • زمین های کوچک قابل کشت (> ۷.۵ جریب)
آبیاری	<ul style="list-style-type: none"> • کانال یا رودخانه اصلی 	<ul style="list-style-type: none"> • کانال و رودخانه، همچنان کاریز و چشمه های کوهستانی
اجاره زمین	<ul style="list-style-type: none"> • صاحب زمین • زارع صاحب زمین 	<ul style="list-style-type: none"> • زارع صاحب زمین • اجاره دار سهمیه ای
تعداد محصول	<ul style="list-style-type: none"> • دو محصول 	<ul style="list-style-type: none"> • دو محصول، اما در تابستان محدود است • یک محصول
کاشت محصول	<ul style="list-style-type: none"> • متنوع • ۳۰٪-۵۰٪ کوکنار • گندم • سبزیجات برای فروش • میوه، خسته برای فروش 	<ul style="list-style-type: none"> • ۷۰٪+ کوکنار • ۲۰٪-۳۰٪ گندم • سبزیجات - تنها برای مصرف • ۵۰٪+ کوکنار • گندم • سبزیجات - بخشی از آن برای فروش • میوه/خسته - بخشی از آن برای فروش
تراکم جمعیت	<ul style="list-style-type: none"> • ۱-۱.۵ در هر جریب 	<ul style="list-style-type: none"> • ۲-۳ در هر جریب • ۰.۵-۳.۵ در هر جریب
مواشی	<ul style="list-style-type: none"> • فروش لبنیات و مواشی 	<ul style="list-style-type: none"> • فروش بخشی از لبنیات • بز/گوسفند • گاو شیرده برای تولید شیر برای خانوار
خارج مزرعه	<ul style="list-style-type: none"> • محدود 	<ul style="list-style-type: none"> • کارگر دستمزد روزانه - کوکنار در هنگام برداشت • کارگر دستمزد روزانه - عمدتا کوکنار در کل فصل
غیر مزرعه	<ul style="list-style-type: none"> • دارای معاش (سازمان های غیر دولتی، حکومت)، تجارت، حمل و نقل 	<ul style="list-style-type: none"> • ساختمانی • نیمه ماهر • محدود
قرضه	<ul style="list-style-type: none"> • قرضه انباشته محدود • چندین منبع قرضه • دادن قرضه 	<ul style="list-style-type: none"> • سطحی از قرضه انباشته • تنوع منابع • حجم بزرگی از قرضه انباشته، به نسبت کل درآمد • کوکنار تنها منبع قرضه
فروش تریاک	<ul style="list-style-type: none"> • گاهی پس از برداشت 	<ul style="list-style-type: none"> • قبل از برداشت، اما گاهی مازاد • قبل از برداشت

برنامه های توسعه‌یی که بدیل واقعی برای معیشت دهقان ها ارائه می کند، باید به اندازه خود کوکنار ویژگی های جذاب داشته باشند، به ویژه برای دهاقین و کارگران کوچکتر و فقیرتر (دسته های ۲ و ۳)، کسانی که در حال حاضر گزینه های انتخابی آنها بسیار محدود است. برنامه ها باید از اتخاذ استراتیژی صرفاً تلاش برای جایگزینی سطح نسبتاً بالای درآمد تریاک، مانند درآمدی که توسط افراد پر منبع به دست می آید (دهقان های دسته ۱)، جلوگیری کنند.

لازم است اقداماتی انجام شود که دسترسی دهاقین کوچکتر (دسته ۲ و ۳) به دارایی هایی که در حال حاضر فقط از طریق تمایل شان به تولید تریاک به آن دسترسی دارند، بهبود بخشد. بهبود دسترسی دهقان های بی بضاعت به قرضه، زمین، و فرصت های کسب درآمد خارج از مزرعه و غیر مزرعه باید در اولویت قرار داشته باشد. در جدول ۲ برخی از پاسخ های انکشافی ذکر شده است که باید برای رسیدگی به وضعیت دهقان های دسته ۲ و ۳ مورد توجه قرار گیرد. برای آن دسته از دهقان هایی که از نظر اقتصادی به کشت کوکنار وابسته نیستند (یعنی دهاقین دسته ۱)، باید بیشتر به اعمال فشارهای اجتماعی و قانونی توجه شود.

جدول ۲: پاسخ های انکشافی برای خنثی کردن مزایای تریاک در اقتصاد روستایی

دارایی	مزایای اقتصاد تریاک	پاسخ های انکشافی
زمین	<ul style="list-style-type: none"> دسترسى ترجیحی به زمین برای اجاره داران سهمیه ای دارای تجربه کشت کوکنار تنها کوکنار می تواند اجاره گزاف زمین را بپردازد؛ در جاهای محل تمرکز کوکنار، قیمت اجاره زمین به حدی متورم است که دهقان هایی که محصولات قانونی کشت می کنند نمی توانند اجاره شان را پرداخت کنند بازده بالاتر در هر واحد زمین؛ محصول دلخواه برای افراد کم زمین 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش زمین زراعتی زیر آبیاری (فصل های زمستان و تابستان) ترویج محصولات باغداری با ارزش و پروسس خانگی محصولات زراعتی برای تامین ارزش افزوده افزایش درآمد از مواشی و محصولات جانبی ایجاد فرصت های درآمد غیر مزرعه ای (برای مثال: از طریق انکشاف مهارت و اتصال بازارها)
آب	<ul style="list-style-type: none"> بازدهی بالای کوکنار در هر واحد زمین (برای جاهای تک محصولی جذاب تر است) یکی از محدود محصولات است که هزینه های سرمایه ای و مکرر چاه های لوله ای را تامین می کند 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش زمین زراعتی زیر آبیاری (تابستان و زمستان) رویکرد یکپارچه به بهبود ارزش افزوده مزرعه داری از طریق تکنیک ها/تکنالوژی های کاهش مصرف آب و بسته های تولیدی دارای ارزش افزوده بالا
قرضه	<ul style="list-style-type: none"> پیش پرداخت برای محصول آینده خرید مواد زراعتی را آسان می سازد کسانی که کوکنار کشت می کنند، به خصوص افراد کم منبع، دارای «اعتبار» پنداشته می شوند. می توانند به قرضه دسترسی یابند، به شمول قرضه مصرفی و می توانند قرضه های فصلی و معوق خود را بازپرداخت کنند 	<ul style="list-style-type: none"> گاهی پیش پرداخت برای سایر محصولات (باغ، پیاز، زیره) میسر است، لازم است پیوندهای بازار تقویت شود کاشت بر اساس قرارداد (contract growing)، به شمول تهیه مواد زراعتی بهبود فرصت های قرضه برای مصرف و سرمایه گذاری از طریق تسهیلات حمایت از سرمایه گذاری قرضه های کوچک در افغانستان
کار	<ul style="list-style-type: none"> محصول کاربر (مستلزم نیروی کار)، در دوره های علف چینی و نیش زنی، فرصت های کارگری زیادی ایجاد می شود استفاده از کارگران خانوادگی فاقد دستمزد، از جمله زنان، را به حد اکثر می رساند اجاره داران سهمیه ای در صورت کشت کوکنار، در مقایسه با محصولات قانونی، سهم بیشتری از محصول نهایی بر می دارد. به کارگران شاغل در برداشت کوکنار غذا داده می شود 	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد فرصت های کار برای پروسس مواد زراعتی، مانند میوه خشک افزایش هزینه فرصت کار خانوادگی از طریق توسعه فرصت های بالقوه کسب درآمد برای زنان ایجاد فرصت های درآمد غیر مزرعه ای «پول در برابر کار» در دوره های اوج تقاضای کارگر در ساحتات تنفیذ جدی قانون در زمینه کشت کوکنار بهبود دسترسی به مواد زراعتی برای اجاره داران سهمیه ای تا سهم بیشتری از برداشت نهایی محصول قانونی دریافت کنند

علاوه بر پاسخ های انکشافی که می تواند به طور مستقیم فرصت های درآمد زایی را برای خانواده های فقیر زراعت پیشه فراهم کند، می توان اقدامات بیشتری را برای بهبود حکومتمداری و توسعه روابط متقابل مسئولانه بین جوامع روستایی و دولت انجام داد. گسترش خدمات رسانی کارآمد و پاسخگو مانند صحت و آموزش و توسعه ساختارهای گروهی جامعه مانند انجمن های والدین و معلمان باعث افزایش احترام به توانایی انکشافی دولت، ایجاد سرمایه اجتماعی محلی مسئولانه و گشایش راه های گفتگو درباره مساله مواد مخدر می شود. علاوه بر این، برنامه های خاص مانند آموزش، صحت، و برنامه همبستگی ملی می تواند زمینه آموزش و گفتگو و نیز اعتماد سازی و حکومتمداری خوب را فراهم کند. بنا بر این، مشکل تریاک مساله ای است که می تواند در طیف وسیعی از فعالیت های انکشافی در مناطق روستایی گنجانده شود.

سرانجام، توسعه نهادی در سطح وسیع تری - به عنوان مثال: تقویت اداره مرکزی و محلی یا بهبود نهادها و مکانیزم ها در بخش های خاصی که بر اقتصاد تریاک تأثیر گذار است، مانند خدمات مالی (به عنوان مثال اقدامات ضد پولشویی) - می تواند از استراتژی دولت برای بهبود حکومتمداری و در نتیجه کنترل مواد مخدر پشتیبانی کند. بنا بر این، بسیاری از جنبه های حکومتمداری و توسعه نهادی در سطح وسیع تری می تواند بر اقتصاد تریاک تأثیر بگذارد.

ج. تطبیق بازرسی فعالیت های بانک جهانی برای مبارزه با مواد مخدر

این بخش فهرستی را برای بازرسی فعالیت های بانک جهانی طرح می کند، مزایای مورد نظر آن را ارزیابی و مسئولیت های نهادی تطبیق را بررسی می کند.

فهرست بازبینی

هشت سوال زیر یک چارچوب تحلیلی ای را برای بازرسی فعالیت های بانک جهانی ارائه می کند. این سؤالات به این هدف طراحی شده است که نشان دهد فعالیت های [بانک جهانی] چگونه در تلاش برای مبارزه با مواد مخدر سهم می گیرد و همچنین خطرات احتمالی را که باید مدیریت شود برجسته می سازد.

۱. این فعالیت چگونه بر جمعیت یا مناطق تحت هدف تأثیر می گذارد؟ شرح فعالیت را مرور کنید و «ربط» آن با اقتصاد تریاک را از لحاظ جمعیت مورد نظر، دلایل کشت، نوع اقدامات پیش بینی شده و تعیین هدف، زمان بندی و موقعیت جغرافیایی مرتبط با تولید تریاک را ارزیابی کنید.

۲. آیا این فعالیت حکومتمداری و نهادسازی را گسترش می دهد؟ آیا حکومتمداری و نهادسازی مورد نظر این فعالیت در یک مرحله ای، امکان ایجاد تعامل مسئولانه بین دولت و مردم را بر سر موضوع مواد مخدر ایجاد می کند؟ آیا در بخش حکومتمداری و نهادی این فعالیت، فضایی برای گفتگو یا انتقال اطلاعات، ارائه آموزش و ایجاد ارتباط در زمینه مواد مخدر وجود دارد؟ چه تدابیری می تواند تأثیر آن بر حکومتمداری را بهبود بخشد؟

۳. آیا این فعالیت به طور عمومی بر معیار زندگی و تأمین معیشت تأثیر دارد؟ آیا این فعالیت به بهبود سطح زندگی و درآمد در مناطق تولید کننده مواد مخدر یا «آسیب پذیر» کمک می کند؟ چه تدابیری می تواند تأثیر آن بر معیار زندگی را بهتر سازد؟ آیا این فعالیت با سایر تلاش های توسعه ای هماهنگ شده است تا از همپوشانی یا خلا جلوگیری شود و تأثیر محسوسی بر معیشت در سطح محلی بگذارد تا جذابیت فعالیت مشروع را نسبت به تولید تریاک افزایش دهد؟

۴. آیا تأثیرات مستقیمی بر جمعیت تحت هدف وجود دارد؟ آیا احتمال دارد اجزای فعالیت به طور مستقیم بر روی خانواده های تولید کننده واقعی یا بالقوه مواد مخدر تأثیر بگذارد، و آیا این اجزا برای به حداکثر رساندن شانس بالا بردن هزینه فرصت ناشی از کشت کوکنار و ارائه بدیل برای تریاک تعدیل شده است؟ چگونه می توان تأثیرات مستقیم را به سطح مطلوب رساند؟ آیا قصدی برای هدف قرار دادن مناطق یا خانوارهای تولید کننده واقعی یا «در معرض خطر» تولید تریاک وجود دارد؟ این قصد از طریق انتخاب مناطق پروژه که در حال کشت (یا در معرض خطر کشت) تریاک اند، یا از طریق تعدیل اجزا برای رسیدگی به سیستم های تولید مورد استفاده کسانی که درگیر اقتصاد تریاک اند یا ممکن است درگیر شوند، قابل اجرا است. آیا چنین هدف گذاری مطلوب است؟ اگر مطلوب است، آیا امکان پذیر هم هست؟

۵. آیا خطر آسیب وجود دارد؟ آیا این خطر وجود دارد که این فعالیت باعث افزایش تولید مواد مخدر شود؟ چگونه می توان این خطر را مدیریت کرد؟ آیا می توان اقدامات را زمانمند، هدفمند و هماهنگ با سایر برنامه ها ساخت تا خطر کاهش یابد؟

۶. آیا نظارت، ارزیابی و گزارش نتایج را بازتاب می دهد؟ چگونه می توان نقش توافق شده این فعالیت در رسیدن به اهداف ملی کنترل مواد مخدر را نظارت و ارزیابی کرد؟ چگونه می توان از فهم موجود در باره معیشت غیر قانونی به معیشت قانونی برای آگاه سازی عملیات ها و پالیسی ها استفاده کرد؟ خطرات در حال ظهور چگونه کشف و گزارش می شود؟
۷. به صورت کلی، آیا این فعالیت به تلاش های افغانستان برای مبارزه با مواد مخدر کمک می کند؟ به صورت عموم، این فعالیت تا چه اندازه به استراتژی افغانستان برای کاهش و در نهایت نابودی چالش تریاک کمک می کند؟
۸. آیا می توان از طریق این فعالیت به تاثیرات بیشتری دست یافت؟ چه راه حل هایی می تواند سهم این فعالیت را در مبارزه افغانستان با مواد مخدر افزایش دهد؟ این تاثیرات را با چه هزینه ای می تواند به دست آورد؟ چه تغییرات عملیاتی لازم خواهد بود؟

Anderson, J.L., (2007), "The Taliban's opium war: the difficulties and dangers of the eradication program," The New Yorker, 09 July 2007 Issue.

Bureau of International Narcotics and Law Enforcement Affairs, "International Narcotics Control Strategy Report 2010," March 2010, US Department of State; Washington, DC.

Carter Malkesian, War Comes to Garmser: Thirty Years of Conflict on the Afghan Frontier, (Oxford University Press, 2013).

Chandrasekaran, R., Little America the War within the War for Afghanistan, (New York, 2012).

Congressional Research Service, "Afghanistan, Narcotics and US Policy," CRS RL 15 ,32686 July 2010.

Cowper-Coles, S. (2011), Cables from Kabul: The inside story of the West's Afghanistan campaign (London: Harper Press, 2011).

Cranfield University (2009), "Poppy and Cereal Cultivation in Helmand 2007 to 2009," Unpublished Report.

David Mansfield, "From the ground up: Where does the population of rural Helmand stand after over a decade of 'statebuilding'," Unpublished report for Afghan Drugs Interdepartmental Unit, 21 May 2014.

David Mansfield, Paul Fishstein and OSDR, "Time to Move on: Developing an Informed Development Response to Opium Poppy Cultivation in Afghanistan," (AREU: Kabul, 2016).

David Reynolds, "Afghanistan: Britain's War in Helmand: An Historical Account," (DRA Publishing: Plymouth, 2016), page 75.

Defence Visual Information Distribution Service, "Helmand government officials conduct Food Zone shura," 17 October 2010.

Defence Visual Information Distribution Service, "Afghan farmers get compensated for their crops," 29 April 2010.

DFID, "Case study: Growing poppies instead of opium in Afghanistan - How improved security and agricultural support from the UK is helping Afghan farmers to move away from growing poppies to more sustainable crops," Published 26 May 2011.

Dion Nissenbaum, "Afghan poppy harvest is next challenge for US marine," McLatchy, 16 March 2010.

Gordon, S., Winning Hearts and Minds? Examining the relationship between aid and security in Afghanistan's Helmand Province. (Medford, MA: Feinstein International Center, Tufts University, 2011).

Nicole Galan, "What is blue baby syndrome?" Medical News Today, 29 May 2018.

Independent Commission for Aid Impact, "DFID's Bilateral Support to Growth and Livelihoods in Afghanistan, Report No 31," March 2014.

James Clark, "Sowing seeds of support: Marines facilitate crop change through agriculture transition program," Marine Expeditionary Force, 20 April 2010.

Jean Mackenzie, "Good Money after Bad in Afghanistan," Global Post, 18 Jan 2010.

Jonathan Walker, "Government wastes GBP 8 million on failed plan to convince poppy growers to launch new businesses," *Birmingham Post*, 21 March 2014.

Ledwidge, F., "Investment in Blood: The Real Cost of Britain's Afghan War" (New Haven: Yale University, 2013).

M. Ryder and C. Read, "Review of the Helmand CN Plan" (Unpublished document for the Afghan Drugs Interdepartmental Unit, Annex H, August 2010).

Mansfield, D., "From Bad they Made it Worse: The concentration of opium poppy in areas of conflict in the provinces of Helmand and Nangarhar," *AREU Case Study Series*. (Kabul: AREU, 2014).

Mansfield, D., (2005a). *Pariah or Poverty?: The Opium Ban in the Province of Nangarhar in the 2004-05 Growing Season and Its Impact on Rural Livelihood Strategies*. GTZ Project for Alternative Livelihoods in Eastern Afghanistan: Internal Document No. 11.

Mansfield, D., (2009). "Eradication Impact Study," Unpublished Report for the Afghan Drugs Interdepartmental Unit of the UK Government, May 2010.

Mansfield, D., (2009b). *Sustaining the Decline?: Understanding the Nature of Change in the Rural Livelihoods of Opium Poppy Growing Households in the 2008/09 Growing Season*. A Report for the Afghan Drugs Inter Departmental Unit of the UK Government.

Mansfield, D., Alcis Ltd., and OSDR. *Managing concurrent and repeated risks: Explaining the reductions in opium production in Central Helmand between 2008 - 2011*. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2011).

Mark Chisholm, "Marines pay Afghan farmers to destroy opium," *Reuters*, 15 April 2010.

Mike Martin, *An Intimate War: An Oral History of the Helmand Conflict* (Hurst: London, 2014).

Ministry of Counternarcotics, "The Food Zone Program, Kandahar, Farah, Uruzgan and Badakhshan."

Neumann, R. E., *The Other War: Winning and Losing in Afghanistan*. (Washington, DC: Potomac Books, 2009).

PRT, "PRT recommended alternative for ISAF-MEB CERP Marjah Micro Credit Grant Program," 2010.

Reliefweb, "Afghanistan: Extra UK funding for development in Helmand," 9 March 2010.

Rod Nordland, "US turns a blind eye to opium in Afghan town," *New York Times*, 20 March 2010.

Ryder, M. & Read, C. (2009, August). *Review of the Helmand CN Plan*. Unpublished document for the Afghan Drugs Interdepartmental Unit.

Sherard Cowper-Coles, *Cables from Kabul: The inside story of the West's Afghanistan campaign* (London: Harper Press, 2011), page 166.

SIGAR, "Counternarcotics: Lessons from the US Experience in Afghanistan," June 2018: Washington, DC.

Swedish Committee for Afghanistan, "Farming Systems of Nad Ali District, Helmand Province," in *Agricultural Survey of Afghanistan, Report 15*, (Peshawar: SCA, 1992).

The Guardian, "US embassy cables: Allies praise for Helmand Governor," 26 May 2008, released 2 December 2010.

The Guardian, “US embassy cables: Gordon Brown urges Karzai not to replace Helmand Governor,” 22 August 2008, released 2 December 2010.

The Guardian, “US embassy cables: Karzai’s attempt to appoint well known warlord and criminal,” 27 June 2009, released 2 December 2010.

Theo Farrell, *Unwinnable: Britain’s War in Afghanistan 2011-2014*, (Penguin: London, 2017).

United States Government Accountability Office, “Afghanistan Drug Control: Strategy Evolving and Progress Reported, but Interim Performance Targets and Evaluation of Justice Reform Efforts Needed,” GAO291-10-, March 2010.

UNODC, “Afghanistan, Opium Survey 2003,” (Kabul: United Nations, 2003).

UNODC, “Afghanistan, Opium Survey 2004,” (Kabul: United Nations, 2004).

UNODC, “Afghanistan, Opium Survey 2006,” (Kabul: United Nations, 2006).

UNODC, “Afghanistan, Opium Survey 2009,” (Kabul: United Nations, 2009).

Upper Quartile, “Counternarcotics and Alternative Livelihoods Assessment Helmand,” Unpublished report for the Foreign and Commonwealth Office, August 2010.

USAID (2014) “Afghanistan Agricultural Sector Assistance, Poppy Cultivation and USAID Development efforts in Afghanistan: Draft,” 26 September 2014.

USAID Afghanistan, “Afghanistan Alternative Development Options Assessment, Final Report,” March 2016.

USAID, “Final Evaluation of Alternative Development Program South (ADP/S) for USAID in the Islamic Republic of Afghanistan,” 19 April 2010.

USAID, “Office of Inspector General (2011) Audit of USAID/Afghanistan’s Stabilisation Initiative for the Southern Region, Audit Report No. F-001-12-306-P,” 13 November 2011.

USAID, Office of Inspector General (2010) Audit of USAID Afghanistan’s Vouchers for Increased Productive Agriculture (AVIPA) Program, Audit Report No. 20 ,008-10-306-5 April 2010.

Wall Street Journal, “US Ally is Fired in Afghan Shake Up,” 20 September 2012.

Wilton Park, “Conference report stabilisation after 2014: lessons from contemporary operations,” 27-25 June 2014, WP1337.

Zebedee, G. (2010, March). *Review of the Helmand Provincial Counternarcotics Plan: Second Report*. Review commissioned by the Counternarcotics Team, Provincial Reconstruction Team.

لیست نشریات اخیر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تمام نشریات در وب سایت www.areu.org.af قابل دسترسی اند و اکثر آنها به صورت نسخه چاپی رایگان در دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موجود میباشند.

تاریخ	نام نشریه	نویسنده	موجود به زبان دری	موجود به زبان پشتو	موضوع تحقیق	نوع نشریه
دسامبر ۲۰۱۹	خشونت علیه زنان در انتخابات سال ۱۳۹۷ افغانستان	نواه کوپورن، محمد حسن وفایی	✓	✓	جنسیت	مقاله مختصر
دسامبر ۲۰۱۹	منازعه کوچی ده نشین در افغانستان کنونی	داکتر انتونیو جیستوزی	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تلفیقی
سپتامبر ۲۰۱۹	روند اسکان کوچی ها در افغانستان و تاثیر آن بر منازعه	داکتر انتونیو جیستوزی	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله مختصر
می ۲۰۱۹	آفتاب با دو انگشت پنهان نمیشود: مواد مخدر غیر قانونی و بحث ها روی توافق سیاسی در افغانستان	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله معلوماتی
می ۲۰۱۹	پارلمان افغانستان: وظایف و صلاحیت های مندرج قانون اساسی و عملکرد آن بعد از سال ۲۰۰۱	داکتر شمشاد پسرلی، زلمی مالیار	✓	✓	قانون اساسی	مقاله تحقیقی
مارچ ۲۰۱۹	زندگی با قرضه: محدودیت های قرضه غیر رسمی مصوونیت معیشتی در ولایت هرات	تام شاه، احسان الله غفوری	✓	✓	مصوونیت اجتماعی	مقاله مقدماتی
جنوری ۲۰۱۹	نقش دولت در مدیریت کوچ نشینی و نزاع بین کوچی ها-ده نشین ها	انتونیو جیستوزی	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی
دسامبر ۲۰۱۸	سازمان و تشکیلات اداره عامه در پرتو قانون اساسی قانون اساسی ۲۰۰۴ افغانستان	میرویس ایوبی، داکتر هارون رحیمی	✓	✓	قانون اساسی	مقاله تحلیلی
نوامبر ۲۰۱۸	خشک و دور از آب: کشت خشخاش و آینده ی ساکنان مناطق دشتهای جنوب غربی افغانستان	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی
می ۲۰۱۸	ارزیابی تاثیر EUPOL در اصلاحات پولیس افغانستان	قیوم سروش	✓	✓	حکومتمداری و اقتصاد سیاسی	مقاله مقدماتی
نوامبر ۲۰۱۸	خشک و دور از آب: کشت خشخاش و آینده ی ساکنان مناطق دشتهای جنوب غربی افغانستان	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی
اکتوبر ۲۰۱۸	نوسان بین امید و ناامیدی: رفتار رای دهی شهروندان کابل در انتخابات ولسی جرگه ۲۰۱۸	محمد مهدی ذکی، صدیقه بختیاری و حسن وفایی			حکومتمداری و اقتصاد سیاسی	مقاله مختصر
اکتوبر ۲۰۱۸	دست بردن به خانه زنبور: مردم روستایی هلمند مبارزات ضد شورشگری را چطور میبینند	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی

سپتامبر ۲۰۱۸	اهداف توسعه پایدار مربوط به صحت و نقش مراکز تحقیق پالیسی: ایجاد تحرک در جنوب آسیا	سید احمد میثم نجفی زاده			حمایت اجتماعی	گزارش
سپتامبر ۲۰۱۸	خشونت مبتنی بر جنسیت در میان کودکان بی جا شده داخلی در کابل: اقداماتی که باید انجام شود	لیه ویلفریدا و چونا چاوز			حمایت اجتماعی	پالیسی نامه
اگست ۲۰۱۸	سیاست ها در ماورای شواهد: مورد سوال قرار دادن ارتباط میان ارائه خدمات و مشروعیت دولت در افغانستان	اشلی جسکن و اورخلا نعمت	✓		حمایت اجتماعی	مقاله تحلیلی
جولای ۲۰۱۸	افراطگرایی و فعال: افراطگرایی در بین محصلان پوهنتون در کابل هرات	ویدا مهران			حمایت اجتماعی	پالیسی نامه
می ۲۰۱۸	ارزیابی تأثیر EUPOL در اصلاحات پلیس افغانستان	قیوم سروش			حمایت اجتماعی	مقاله مقدماتی
می ۲۰۱۸	آب هرچه عمیق تر، آرام تر: کوکنار نا مشروع و تحول دشت های جنوب غرب افغانستان	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مقاله تحلیلی
حوت ۱۳۹۶	مصنوعیت شهری: برنامه بازبینی بنای صلح شهری در افغانستان	یما ترابی	✓	✓	حمایت اجتماعی	پالیسی نامه
جنوری ۲۰۱۸	مطالعه بازنمایی: میکانیزم های نهادی برای مهار کردن قاچاق انسان در افغانستان	ولی محمد کندیوال			حمایت اجتماعی	پالیسی نامه
مارچ ۲۰۱۸	مطالعه بازنمایی: میکانیزم های نهادی برای مهار کردن قاچاق انسان در افغانستان	سو پروا نراسیمهیا			حمایت اجتماعی	نشریه تحلیلی
جنوری ۲۰۱۸	نوع شناسی منازعهء کوچی-ده نشین در افغانستان	داکتر انتونیو گيستوزی	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	نشریه تحلیلی
عقرب ۱۳۹۶	خلاصه ای در مورد منازعه کوچی و باشندگان محل در افغانستان	داکتر انتونیو گيستوزی	✓	✓	حمایت اجتماعی و معیشت	چکیده
اسد ۱۳۹۶	باز نگری قضایی در افغانستان	غزال حارس	✓	✓	قانون اساسی	پالیسی نامه
اسد ۱۳۹۶	تکامل قوهء اجرائیه در افغانستان: نگاهی به گذشته و پیشنهادهایی در مورد راه پیشرو	کاوون کاکر، توماس کریمر، همایون رثوفی	✓	✓	قانون اساسی	پالیسی نامه
جوزا ۱۳۹۶	حکومتمداری شهری: ارزیابی برنامه انکشاف شهری در افغانستان	دتلیف کامیر، ذبیح الله عیسی	✓	✓	حکومتمداری و اقتصاد سیاسی	پالیسی نامه



ISBN 978-9936-641-44-0



9 789936 641440

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

ناحیه ۱۰، سرک ۱، فیز A، شهر نو
کابل، افغانستان

شماره تماس: ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+

ایمیل: publications@areu.org.af

وبسایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را می‌توانید از صفحه انترنی
این اداره www.areu.org.af
دریافت نمایید.

همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را می‌توانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
بدست آورید.

